

هفته

سال پانزدهم - پنجشنبه / ۵ آبان ۱۴۰۱ / ۲۷ اکتبر ۲۰۲۲

۲۰۲

بها: ۳۵ دلار

www.hafteh.ca

تورنتو



شهردار ریچموند هیل در گفت‌وگو با هفته:
از حضور مرتضی طلائی در ریچموند هیل
شگفت‌زده شدم

مونترال



به میزبانی «هفته» در کافه ترنج برگزار شد:
دیدار رهبر حزب محافظه‌کار کانادا با
فعالان جامعه ایرانی مونترال

ونکوور



ایرانیان بریتیش کلمبیا برای نخستین
بار صاحب صدایی در شورای شهر شدند

پرونده‌ای درباره «شروین حاجی‌پور» و «برای»

ترانه‌ای که فریاد سه نسل شد

یک تحلیل کانادایی از ترانه «برای» و آنچه آن را ماندگار کرده است

آهنگ «برای...» در مقایسه‌ای گذرا با سرودهای انقلابی ۵۷

آرش و شیرین شکور

کارشان رسمی املاک مکنونی و تجاری شما
در مونترال و حومه



استودیو، یکخوابه، دوخوابه، سه خوابه
تاریخ تحویل: زمستان ۲۰۲۳، بهار ۲۰۲۴
شروع قیمت از: \$295,000+Tax
محله: De la Savane

پارکینگ سرپوشیده و انباری
به همراه وسایل برقی آشپزخانه
سیستم سرمایش و گرمایش مدرن
لابی نورگیر و چشم نواز
باشگاه مجهز و مدرن



یکخوابه، دوخوابه، سه خوابه، پنت هوس
تاریخ تحویل: تابستان ۲۰۲۴
شروع قیمت از: \$345,000+Tax
محله: LaSalle

پارکینگ سرپوشیده و انباری
وسایل برقی آشپزخانه+ماشین لباسشویی/خشک کن
سیستم سرمایش و گرمایش مدرن
لابی نورگیر و چشم نواز
باشگاه مجهز و مدرن



پیش فروش
ویژه

دوخوابه، سه خوابه
تاریخ تحویل: تابستان ۲۰۲۴
شروع قیمت از: \$580,000+Tax
محله: Pointe Claire

پارکینگ سرپوشیده و روباز
استخر روباز و سرپوشیده
تراس مشترک روی سقف
باشگاه مجهز و مدرن
پارک کودک

جهت کسب اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید

۵۱۴-۷۳۰۳۹۰۹



دکتر شریف
دکتر البزال
دکتر دالیوال
دکتر لیندا عطار

Dr. Sharif
Dr. Albazzal
Dr. Dhaliwal
Dr. Linda Attar

تخفیف ویژه برای

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪
بیماران جدید ۱۰٪

Montreal

(514) 731 1443

5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,
Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

Clinique.Dentaire.Soleil

www.cliniquedentairesoleil.com

info@cliniquedentairesoleil.com

Brossard

(450) 926 2622

7801-2 Taschereau Blvd
Brossard QC, J4Y1A3

info@cliniquedentaire
soleil-brossard.com



RE/MAX
3000

Tranquillité **بی‌همه منحصر به فرد**

هایک هارتونیان MBA

مشاور و متخصص املاک مسکونی و درآمدزا در استان کبک

(514) 574 6162

موفقیت ما محصول رضایت شماست



- مشاوره رایگان حضوری و تلفنی
- ارزیابی رایگان ملک شما
- تهیه وام با بهترین بهره و شرایط بانکی
- خرید، فروش، اجاره
- **پروژه رایگان برای خریداران**

Hayk Hartounian MBA Residential Real Estate Broker

Haykhartounian@yahoo.com

9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

کازم تهرانی

Kazem Partow Tehrani
Real Estate Broker

مشاور رسمی املاک در کبک
خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری



سالن تجاری برای فروش یا اجاره

مساحت: ۱۴۰ مترمربع
در منطقه شلوغ Jean-Talon.

واقع در ساختمان تجاری، مسکونی، در میان ۳۰۰ کانده،
دلاری تهویه مطبوع سرد و گرم، انباری، اتاق برق، برق سه فاز،
سال ساخت ۲۰۱۷

برای مشاغلی چون فروشگاه (دلاری cold room)، دفترکار،
کلینیک، آنتیه و غیره
این ملک با ملکی دیگر در تهران و یا شمال هم معاوضه می‌شود

قیمت فروش: ۶۸۸ هزار دلار (بعلاوه مالیات)
قیمت اجاره: ۶۱۰۰ دلار (بعلاوه مالیات)

Centris No: ۲۵۵۹۹۴۴



اکازیون - رستوران-بار

قیمت فروش: ۱۲۹۹۰۰ دلار - بعلاوه مالیات

مساحت: ۳۷۱ مترمربع

محل: نزدیک به مرکز خرید در Boul Decarie
(یک دقیقه تا مترو Cote-Vertu) درآمد خوب از بار،
امکانات: درآمد عالی از ۵ ماشین Loto-Quebec،
امکان گسترش صندلی‌های رستوران به ۶۰ نفر،
درآمد از ماشین ATM، جواز برای الکل، و...
تمامی وسایل مربوط به بار و رستوران واگذار می‌شود

۹۷۲ Boul. Decarie, Montreal (St. Laurent)

Centris No: ۹۳۹۴۳۹۰

- پیش فروش املاک در تمام مونترال
- مشاوره رایگان برای املاک درآمدزا
- ارزیابی رایگان منزل شما

۱۵۰۰ دلار هزینه محضر
هدیه ما برای خریدارن ملک

با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک به همراه یک تیم حرفه‌ای

Sutton

514 - 971 - 7407

Sutton



آرزو گتمیری مشاور املاک

AREZOU GATMIRI
Courtier Immobilier Résidentiel

agtmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

Cell: (514) 561-3-561

Groupe Sutton-Sur L'île
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8
Bureau: (514) 769-7010



Mojgan Rajabi

Senior financial
security adviser

- [bimeh.ca](https://www.bimeh.ca)
- [bimeh.ca](https://www.bimeh.ca)
- 514-296-7306
- bimeh.ca@gmail.com

مژگان رجبی

مشاور و مدرس بیمه
طرف قرارداد با بزرگترین کمپانی های کانادا

- بیمه عمر Life insurance
- بیمه وام مسکن Mortgage insurance
- انواع بیمه های مسافرتی Travel insurance (دانشجویی-ویزیتوری-سوپرویزا)
- حساب پس انداز بازنشستگی - RRSP
- حساب تحصیلی فرزندان RESP
- حساب معاف از مالیات TFSA
- بیمه از کار افتادگی Disability insurance
- بیمه بیماریهای خاص Critical illnesses
- تدریس و آماده سازی برای لایسنس بیمه

بیمه همیشه ضامن آرامش است.



داستان: نویسنده: الیزابت بوون

ترجمه: مریم حسینی
بعد از ظهر یک شنبه

شعر: نانا والاجم

«به نام زن» و «پائیزی برای بوسه»

سینما: مصطفی عزیزی

بازیگران عنکبوت مقدس چگونه انتخاب شدند

گفت و گو با علی عباسی کارگردان عنکبوت مقدس

مهدیس مختاری

عکس‌ها: مهناز زنجیرزنی

به میزبانی هفته در کافه ترنج انجام شد:

دیدار رهبر جدید حزب محافظه کار کانادا با فعالان ایرانی مونترال

گروه خبر هفته

اولین ایرانی بریتیش کلمبیا در یک شورای شهر

گزارش: پگاه نیایی

خیزش زنانه

گزارشی از راهپیمایی پانزده اکتبر در تورنتو

گروه ترجمه هفته

پلیس در جستجوی عامل شاعرنویسی روی یک مسجد در تورنتو

پگاه شریفی

پرونده‌ای درباره «شروین حاجی پور» و «برای»
ترانه‌ای که فریاد سه نسل شد

پگاه نیایی

یک تحلیل کانادایی از ترانه «برای» و آنچه آن را ماندگار کرده است

نانا والاجم

آهنگ «برای...» در مقایسه‌ای گذرا با سرودهای انقلابی ۵۷

رضا کاظمی، سارا سربزیدی، علیرضا شمس

سه نگاه از شاعران سه نسل درباره «برای»؟

ناشر: مجله‌ی هفته

هفته - سال پانزدهم - شماره ۷۰۲

پنجشنبه ۵ آبان ۱۴۰۱ / ۲۷ اکتبر ۲۰۲۲

بها: ۲/۵ دلار

اشتراک سالانه: ۱۶۰ دلار / دانشجویی: ۹۰ دلار

اشتراک سالانه برای موسسه‌ها: ۳۲۰ دلار

تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۲ میلادی:

پنجشنبه ۶ ژانویه، پنجشنبه ۲۴ مارچ

پنجشنبه ۷ جولای، پنجشنبه ۱۳ اکتبر

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
www.hafteh.ca
info@hafteh.ca
news@hafteh.ca
ad@hafteh.ca
ISSN 1918-4379 Hafteh

Head Office:
1980 Sherbrooke St. W.
Suite: 900
Montreal, Quebec, H3H 1E8

■ هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.
■ لطفا مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار ورد) نگاه دارید.
■ هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطلب‌های رسیده آزاد است.
■ استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
■ درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

صورت آواز مرغ است آن گل‌ام
غافل است از حال مرغان مردخام

۴۲ گفت‌وگوی ویژه



گفت‌وگو: آرش محبی

دیوید وست، شهردار ریچموند هیل در گفت‌وگوی اختصاصی با هفته:

از حضور مرتضی طلایی در ریچموند هیل شگفت‌زده شدم

۴۸ سیاست، اقتصاد و جامعه



یادداشت: احمد زیدآبادی
عصیان، انقلاب یا جنبش

سیاست: گروه ترجمه هفته

گفت‌وگوی ژورنال دو مونروئیل با نیما مشعوف
تحولات این روزهای ایران، بزرگ‌ترین انقلاب فمینیستی جهان را رقم خواهد زد

سیاست: گروه ترجمه هفته

درگیری لفظی رهبران دو حزب اصلی کانادا و حمایت تمام‌قد داک فورد
محافظه‌کار از ترودوی لیبرال

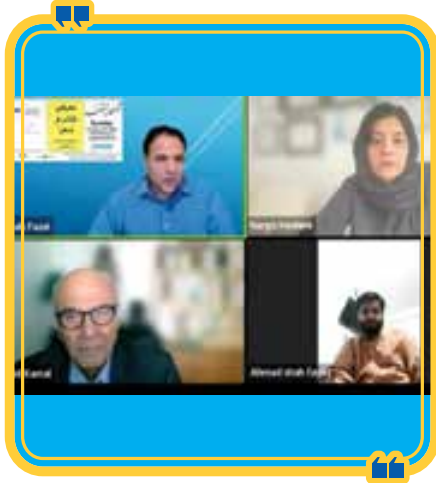
اقتصاد: آرمین آریان‌پور

تازه‌واردان، طعمه‌های لذیذ برای جعل اسناد و تقلب در وام مسکن

جامعه: گروه ترجمه هفته

محدودسازی اسلحه‌های سبک در کانادا اجرایی شد

۶۲ آریانا



آریانا، گزارش: هفته

معرفی کتاب شناسنامه شاعران معاصر افغانستان در انجمن ادبی نوای نیستان

احمدشاه فایض: «این اولین بار است که یک بانو تذکره‌شعرا می‌نویسد»

آریانا، مقاله: حبیب عثمان

خواجه مستان شاه کابلی

۵۶ جامعه

دیدگاه: بابک فرزانی

ارزش‌های مشترک، کلید تغییر

خوانندگان: علی مهاجرانی، تورنتو

هیچ درستی با توسل به غلط محقق نمی‌شود

۱۶ مهاجرت



مقاله: معصومه علی محمدی

زنجیره مهاجرین موفق در کانادا را چه کسانی تشکیل می‌دهند؟

سردبیر: خسرو شمیرانی

سردبیر آنلاین: آرش محبی

مدیر بازرگانی: محمد پرورنده

طراح و صفحه‌آرا: آتلیه هفته

کاریکاتوربست: سیروس یحیی آبادی

عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خبر هفته

اخبار با همستان: سیده صالحی

آریانا: ترگس هاشمی

مهاجرت: معصومه علی محمدی

ادبیات: گروه ادبیات هفته

سلامت‌ساز: دکتر الهام گرامی

حقوق: نیوشا ریاحی

اقتصاد: آرمین آریان‌پور

گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، نگین پرورنده

مدیر فنی وب‌سایت: بهمن عسگری‌پور

۶۸ خانواده و سرگرمی

آشپزی: مهسا عباس‌پور

املت خرما

سخن ستارگان، برای تفنن

سرگرمی: خاطره تجویلداری یکتا

طنز و حکایت و سرگرمی

پذیرش حق ابراز نظر مخالف «من» مهم‌ترین درس تحمل چهار دهه سرکوب؟



اما این نکته همچنان صادق است که خواندن ترانه آزادی و سرودن این واژه برای رسیدن به جامعه‌ای آزاد بی‌تردید کافی نیست. ما باید رواداری را زندگی کنیم تا به آزادی برسیم. در این راستا از شماره آینده در مجله و سایت «هفته» تریبون آزادی را باز خواهیم کرد برای گفت‌وگو درباره خیزش فعلی، نقاط قوت و ضعف آن و اینکه ما مردم ایران برای سرزمین‌مان چه آینده‌ای می‌خواهیم و لوازم ساخت آن آینده‌ی مطلوب چیست؟

در این صفحه نویسندگان مجاز خواهند بود به خدا و زمین و آسمان انتقاد کنند و یا آن‌ها را اساساً انکار کنند. آزادی در تریبون آزاد هفته تنها توسط قوانین کانادا محدود می‌شود و اخلاق روزنامه‌نگاری.

شما می‌توانید در ستایش افراد مهم و تأثیرگذار این جنبش بنویسید و یا از آن‌ها انتقاد کنید؛ شما می‌توانید جنبش فعلی را آسیب‌شناسی کنید و یا آن را کلارد کنید؛ شما می‌توانید در تأیید راه سرنگونی قهرآمیز بنویسید و یا اینکه چرا با سرنگونی قهرآمیز و یا اصلاً با سرنگونی مخالف هستید....

تردیدی نداریم که نوشته‌های تریبون آزاد هفته سبب هدف قرار گرفتن ما خواهد شد و احتمالاً بخشی از عزیزان به ما پشت خواهند کرد. احتمالاً برخی نیز غرض‌ورزانه با بهره‌برداری گزینشی از نوشته‌های این بخش «هفته» را زیر ضرب خواهند برد و نزد این و آن شکایت خواهند کرد که «هفته» چنین است و چنان است. اما ما به آزادی بیان و به نیاز به تمرین آزادی باور داریم و می‌دانیم برای رسیدن به جامعه‌ای آزاد پذیرش حق ابراز نظر مخالف یک باید است. ما باید مهارت پذیرش «دیگری» را تمرین کنیم، برای زن، برای زندگی، برای آزادی.

انقلابی تو را به خدا از این نوشته ناراحت نشوید و از آن برداشت اشتباه نداشته باشید!

ما در «هفته» در روزهای داغ و بحرانی تابستان ۱۳۸۸ با این معضل روبرو شدیم. هفته در آن روزها تازه یکساله شده بود. حامیان انگشت‌شمار بودند و بیشتر همکاران دانشجویان و جوانان داوطلب.

بخش خوانندگان «هفته» در آن روزها تریبون آزادی بود که به تمامی دیدگاه‌های مختلف و متضاد فضای بیان داده بود. اما این روش را نه راست برمی‌تابید و نه چپ؛ نه جوانان «سبز» که شعارشان «رای من کجاست»؛ و نه نسل قدیم که شعارش قاطعانه «مرگ بر جمهوری اسلامی» بود. چپ‌ها می‌گفتند «هفته» سلطنت‌طلب است برای اینکه نامه یک خواننده را در دفاع از شیروخورشید منتشر کرده و در آن سوی گفته می‌شد که «هفته» اصلاح‌طلب است برای اینکه مطالب جوانان «سبز» را منتشر می‌کند. نتیجه این شد که در آن تابستان بسیاری از حامیان مالی و نویسندگان جوان با «هفته» قهر کردند و روزهای سختی بر «هفته» گذشت.

به هر روی آن روزهای داغ گذشت. جنبش «رای من کجاست» سرکوب شد و جامعه به سکوت واداشته شد. دوران «خاموشی اجباری» فرصتی ایجاد کرد تا هیجان‌ها فروکش کنند. بعد از تأملی که خواه‌ناخواه در جامعه صورت گرفته احترام «هفته» بیشتر شد و اعتماد به آن نیز.

از آن روز بیش از یک دهه گذشته و در این مدت سرکوب و تحقیر توسط حکومت ابعاد نوبنی به خود گرفت. این شیوه حکومت اجزای جامعه و خطوط سیاسی آن به مخرج مشترکی نزدیک‌تر کرده و قتل ناجوانمردانه‌ی مهسا امینی جرقه‌ی خیزشی را زد که بسیاری از ما امیدواریم بر سرکوب چهار دهه نقطه پایان بگذارد.

تو گویی واژه آزادی در ترانه‌ی «برای»ی شروین حاجی‌پور، در پایان این ترانه، طنین تمامی خواسته‌های مردم تحقیرشده سرزمین‌مان را در خود جای داده است. و شاید یکی از دلایلی که سبب شده این ترانه امروز فریاد خیزش مردمی سرزمین‌مان شود همین امر باشد. اما می‌دانیم که خواندن ترانه آزادی و سرودن این واژه برای رسیدن به جامعه‌ای آزاد بی‌تردید کافی نیست. برای اینکه به آزادی و جامعه‌ای آزاد برسیم ناچاریم پذیرش حق ابراز نظرات مخالف و متضاد را تمرین کنیم. همچنین ناگزیریم به بدیهی‌ترین و عمومی‌ترین قوانینی که کشورهای آزادتر، از جمله کانادا که امروز به آن پناه آورده‌ایم، روی آنها به توافق رسیده‌اند گردن بنهیم. یادداشت کوتاهی از آقای علیرضا مهاجرانی که در همین شماره در بخش «از خوانندگان»، منتشر شده است، هم جای خوشحالی داشت و هم غمگین کننده بود.

خوشحالی از این رو که این نوشته نشان می‌دهد به آن سو می‌رویم که از گذشته درس بگیریم و می‌دانیم که برای جلوگیری از تکرار تاریخ باید، باید و باید از گذشته درس بگیریم. بعلاوه نویسندگان این یادداشت شهادت به خرج می‌دهد و حرفش را عیان و آشکار در یک رسانه جمعی (هفته) بیان می‌کند. اما سوی غم‌انگیز ماجرا چیست؟ آقای مهاجرانی برای اینکه خودش را از تیر افراد هیجان‌زده و سوپر انقلابی امروز محفوظ بدارد ناچار است ابتدا توضیح بدهد که: دوستان



اخبار
گزارش‌ها



نویسنده: مهدیس مختاری
عکسها مهناز زنجیرزنی



به میزبانی هفته در کافه ترنج برگزار شد:

دیدار رهبر جدید حزب محافظه کار کانادا با فعالان و شخصیت‌های جامعه ایرانی مونترال

پییر پوالیور: جامعه ایرانی ترودو را در فضای مجازی تحت فشار بگذارد

در ادامه نیز به وضعیت سربازان مشمول خدمت در سپاه پرداخت. حزب محافظه کار که این روزها در رقابتی تنگاتنگ با لیبرال‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، در تلاش است تا توجه و رأی ایرانیان را به سمت سوی خود معطوف کند. لذا از اتفاقات جاری در ایران بهره برده و هفته را که رسانه‌ای فراگیر در جامعه پارسی‌زبان کاناداست، به‌عنوان پلی ارتباطی با ایرانیان انتخاب کرد. در همین راستا جمعه گذشته، ۱۴ اکتبر به مدت یک ساعت، کافه ترنج به همت خسرو شمیرانی، سردبیر و مدیرمسئول مجله هفته، به‌اتفاق جمعی از مدعوین، میزبان پییر پوالیور بود. ضمن تشکر برای این فرصت پیش آمده انعکاس این گفت‌وگو را به حضورتان می‌رسانیم. این نشست با خوش آمدگویی خسرو شمیرانی به رهبر حزب محافظه کار کانادا و شخصیت‌های ایرانی شروع

پییر پوالیور، رهبر حزب محافظه کار کانادا که روز جمعه ۱۴ اکتبر برای گفت‌وگو با جامعه ایرانی به مونترال آمده بود، با گروهی از فعالان و شخصیت‌های باهمستان ایرانی گفت‌وگویی پرسش و پاسخ محور داشت. او ضمن حمایت خود از جنبش اخیر این روزهای ایرانیان، مردم را به پایداری در اعتراضات تشویق کرد. او اذعان داشت سپاه و اعضای تروریستی آن مجرم‌اند و راه کسب درآمدشان باید قطع شود. او افزود تحریم‌ها باید هدفمند باشند و عموم مردم را در برنگیرند. پوالیور، رهبر محافظه کاران کانادا همچنین در ارتباط با موضوعات اخیر ایران به نحوه عملکرد دولت فعلی اشاره کرد و تصمیمات ترودو درباره سپاه و نحوه تحریم‌ها را که حائز اهمیت برای ایرانیان است، به چالش کشید.

حمایت می‌کنم. چیزی که در حال حاضر اهمیت دارد این است که باید عکس‌العمل سریعی داشته باشیم. سپاه باید مجرم شناخته شود و تمام حرکت‌های تروریستی‌اش متوقف شود. این سازمان یکی از مرگبارترین سازمان‌های تروریستی جهان است که تاکنون ۸۵ شهروند کانادایی را به قتل رسانده. تاکنون هیچ سازمان تروریستی دیگری این تعداد از مردم ما را نکشته! من باور دارم که دولت‌ها باید قدم مستحکمی در این راستا بردارند. البته که محدود شدن به کلمات کافی نیست و در عمل باید خودمان را ثابت کنیم. در دولت فعلی هنوز این قانون وجود دارد که از سازمان تروریستی حمایت می‌کند و برای آن‌ها پول جمع‌آوری می‌شود. البته بعد از فشاری که حزب محافظه‌کار وارد کرد دولت ترودو اقداماتی نمادین مبنی بر قرار دادن اسامی تعدادی از آن‌ها در فهرست تحریم‌ها انجام داد که صرفاً کاری انجام داده باشد این کار در دولت ترودو صرفاً یک تصمیم سیاسی است تا بتواند رأی‌دهندگان را حفظ کند، به جای آنکه از رساندن پول به این سازمان جلوگیری کند و از مردم و اعتراضاتشان علیه ایران حمایت کند. حزب ما به حمایت کامل از اعتراضات علیه رژیم ادامه خواهد داد و تا زمانی که دولت ترودو عقب‌نشینی کند پافشاری خواهیم کرد.

یکی از اولین سوالات درباره چرایی تاکید بر تحریم‌های گسترده بود. یکی از حاضران پرسید: آیا هیچ نمونه‌ای وجود دارد که طی آن تحریم به سرنگونی یک دیکتاتور منجر شده باشد؟

پوالیور: تحریم کامل علیه آپارتاید آفریقای جنوبی جواب داد و علیه ایران هم جواب می‌دهد

از برایان مولرونی، نخست‌وزیر پیشین محافظه‌کار و جان دیفن بیکر، رهبر حزب محافظه‌کار پیش‌رو که بعدها نخست‌وزیر شد تشکر می‌کنم چون هر دوی آن‌ها علیه آپارتاید آفریقای جنوبی ایستادند و این رهبری منتج به پایان سیستم آپارتاید شد. پس نتیجه می‌گیریم که این سیستم جواب می‌دهد. تحریم‌ها به اقتصاد و بدنه کشور صدمه می‌زند و بهای آن را همه می‌دهند حتی کسانی که در بازی سیاست نیستند. وقتی می‌گوییم سپاه را تحریم کنیم برای این است که می‌خواهیم هدف‌گذاری درستی انجام دهیم.

تحریم‌ها شامل موارد پزشکی هم می‌شود؟

پوالیور در پاسخ به سؤال یکی از حاضران که پرسیده بود این اقدامات و تحریم‌ها به پشتیبانی و کمک‌های پزشکی و دارو هم تعمیم داده شده یا فقط محدود به تحریم‌های اقتصادی شده، پاسخ داد. مطمئن نیستیم که تحریم‌های دولت کانادا شامل دارو هم می‌شود یا نه. (اما یکی از حاضران نظر داد که دارو در هیچ زمانی و در هیچ دولتی در فهرست تحریم‌ها نبوده.)

بعد از حمایت زبانی، می‌توانید چه کمک‌هایی به ما بکنید؟

سؤال بعدی را حاضر دیگری که در این نشست بود پرسید. می‌دانم شما این اعتراضات را حمایت میکنین و از این بابت هم متشکریم اما بیشتر از حمایت برای کمک به ما چه می‌کنید؟

خب در حال حاضر ما باید فشار بیشتری روی دولت لیبرال بیابوریم. در مجلس عوام با تمام تلاشی که من و جامعه داشتیم اما دولت لیبرال هیچ کاری انجام نداد. من فکر می‌کنم هشت بار این سؤال را از جاستین ترودو پرسیدیم که آیا به نظر تو سپاه یک سازمان تروریستی است؟ اما او طفره می‌رفت و به سؤال جواب نمی‌داد. ولی چند روز پیش بالاخره متوجه شدم که دولت کانادا، سپاه را تروریست اعلام کرد و این همان فشاری است که محافظه‌کاران و جامعه به دولت لیبرال آورد، پس ادامه خواهیم داد. پیشنهاد



شد و سپس رهبر حزب محافظه‌کار سخنان خود را آغاز کرد.

پییر پوالیور: سپاه باید مجرم شناخته شود و تمام حرکت‌های تروریستی‌اش متوقف شود

از اینکه در جامعه پارسی‌زبان کانادایی حضور پیدا کردم، قدردانی می‌کنم. من دوست جامعه ایرانیان در کانادا هستم. وظیفه و هدف من از رهبری حزب محافظه‌کار این است که آزادی این کشور را تضمین کنم و سلامت شهروندان را تأمین کنم. پیش از گفتن هر چیز باید اذعان کنم که من به آزادی ایمان دارم و این آزادی باید همه جای دنیا را در برگیرد. از جنش جوانانی که جان خود را به خطر انداختند و در مواردی هم متأسفانه جان خود را از دست دادند،



پیگیری شد این بود که: همه مهاجران برای چند هزار دلار واریز به حسابشان باید به دولت کانادا جوابگو باشند و چندین فرم پر کنند و گاهی حتی بی دلیل حسابشان بسته می شود چون ایرانی هستند. چطور می شود که کسی مثل خاوری با اختلاس ۳ میلیارد دلار به راحتی سال ها اینجا زندگی می کند در حالی که پلیس اینترپل هم دنبال اوست و پسرش هم اتفاق به عنوان کار آفرین برتر سال انتخاب می شود. همه از محل زندگی او باخبرند اما کسی کاری نمی کند.

من به شما پایداری در اعتراضات است. اشتراک گذاشتن پست ها در فضای مجازی و مهم تر از همه تحت فشار قرار دادن اعضای لیبرال پارلمان برای آنکه اهرم فشاری باشند برای جاستین ترودو بلکه نظرش را عوض کند و حتی از مواضعش عقب نشینی کند و به نفع مردم عمل کند.

تأثیر تحریم ها بر ویزای کانادایی مقامات و خانواده هایشان و اوضاع سربازان مشمول خدمت در سپاه

وی در پاسخ به سؤال یکی دیگر از مخاطبان درباره چگونگی تأثیر تحریم ها بر اقامت کانادای فرزندان مقامات و افرادی که وابسته به رژیم هستند، همین طور پرسش درباره اینکه تکلیف سربازانی که ناچار به خدمت در سپاه هستند چه می شود، این طور پاسخ داد که حدود ۱۹ سال پیش یعنی از سال ۲۰۰۳ سپاه مجرم شناخته شد. بسیاری از گروه های تروریستی دنیا با دولت هایی که آن ها را حمایت می کنند در هم تنیده شدند. درباره تحریم ها مسئله ای که وجود دارد این است که در فهرست قرار دادن اسامی سپاه به عنوان تروریست محدودیت های مؤثری وجود دارد مخصوصاً برای کسانی که در کانادا زندگی می کنند و می خواهند که کارهای دلخواهشان را اینجا انجام دهند. من درباره افراد بی گناه و سربازانی که ناخواسته در سازمان سپاه بودند آگاه نیستم. اما اگر به ناچار دوران سربازی شان را در سپاه گذرانده باشند و در کارها و تصمیمات آن ها شرکتی نداشته باشند، کسی نمی تواند آن ها را مجرم بداند چون مجبور بودند. درست مثل این است که برای دزدی از بانک به زور اسلحه را روی سر کسی بگذارند و او را مجبور به این کار بکنند او ناچار به اطاعت است اما مسئول آن اقدام نیست. این موضوع در تمامی قوانین جزایی هم به رسمیت شناخته شده است.

پولی که خاوری با خود به کانادا آورد می توانست خرج مردم ایران شود
یکی از سؤالات که توسط چندین نفر از حاضران پرسیده و در ادامه نیز

فعالان و شخصیت های ایرانی زیر در این نشست شرکت داشتند.
دکتر راضیه رضوی نیا؛ رئیس انجمن ادبی مونترال و بنیانگذار «جشنواره هنر مونترال»
دکتر بهروز شریف نائینی؛ فعال سیاسی و فرهنگی پیشکسوت؛ بنیانگذار انجمن دوست داران زرتشت
آرش میری؛ بنیانگذار گروه فرهنگی هنری شهرزاد
دکتر تینا فرشاد گهر؛ عضو هیئت مدیره خانه ایران
سرور فرخ احمدی؛ رئیس انجمن دانشجویان ایرانی مک گیل (میسا)
زهرا زارع؛ رئیس انجمن دانشجویی کاسپین
سعید عبدالهیان؛ فعال دانشجویی، (کاسپین)
فرنوش برومند؛ رئیس اتاق بازرگانی ایرانیان کبک
علی پاکنژاد؛ بنیان گذار IBNG، شبکه همبستگی بازرگانان ایرانی و بنیانگذار برنامه فرهنگ و دارایی در «رادپو سنتر ویل»
حمید نژاد؛ مجری برنامه رادیویی فرهنگ و دارایی در «رادپو سنتر ویل»
سمر اسماعیلی؛ فعال فرهنگی
علی اسماعیلی؛ تهیه کننده فیلم
آتنا بارفروش؛ فعال اجتماعی
علی رضا احمدی سیماب؛ از بنیان گذاران گروه دایره
جلال زارع؛ از بنیان گذاران گروه دایره

پلیس در جستجوی عامل شعار نویسی روی یک مسجد در تورنتو



پلیس منطقه یورک گفته به دنبال مظنونی است که هفته قبل، چند گرافیتی اعتراضی روی دیوار یک مرکز اسلامی در منطقه تورن هیل واقع در یورک انتاریو، کشیده است.

پلیس می گوید که در ۱۳ اکتبر، یک مظنون مرد با اسپری روی سه قسمت از مرکز اسلامی امام مهدی در منطقه تورن هیل، رنگ پاشی کرده و با نوشته‌های فارسی، مطالبی نوشته که البته مخاطب پیامش حکومت ایران بوده است. او سپس ملک این مرکز اسلامی را ترک کرده، ولی تصاویر او در دوربین مداربسته، ثبت شده است.

گفته شده است که این مرد تقریباً لاغر، پنج فوت قد داشته و صورتش را پوشانده بوده است. پلیس منطقه یورک، بعد از تماس این مرکز اسلامی مبنی بر خرابکاری مالی انجام شده در این مرکز، به محل حادثه رفت. این مرکز اسلامی هم در واکنش به این حادثه بیانیه‌ای منتشر کرده و گفته است: «وندالیسم نشان دهنده افزایش وحشتناک اسلام هراسی است که مرکز اسلامی امام مهدی در چند هفته اخیر با آن مواجه بوده است. این واکنش شدید علیه مسلمانان، به دنبال حوادث چند هفته اخیر در ایران رخ داده است.»

نادیا حسن، مدیر اجرایی شورای ملی مسلمانان کانادا (NCCM) هم گفته است: «یکبار دیگر، شاهد هستیم که جامعه اسلامی به دلایل اشتباه و غلط در کانون تهدیدات قرار گرفته است. مثلاً با طرح اتهامات بی اساس می گویند که این مرکز اسلامی، عامل حکومت ایران است. حتی این مرکز اسلامی، تهدید به بمب گذاری شده و اعضای این مرکز هم تهدید شده‌اند.» شورای ملی مسلمانان کانادا هم در واکنش به این حادثه گفته است: «جامعه مسلمان در کانادا فقط در چند روز گذشته قربانی بیش از هزار پیام اسلام هراسانه در توییتر بوده است. تهدید به مرگ، تهدید به خشونت و آزار و اذیت، بخشی از این پیام‌ها بوده است. این موارد باید متوقف شود.» نیره اکبرزاده از اعضای قدیمی این مرکز اسلامی هم می گوید که می داند چرا مردم در ایران از حکومت خود عصبانی و خشمگین هستند، ولی او تأکید دارد که باید در کانادا، گفت و گوی مسالمت آمیز در جریان باشد، نه خرابکاری و تهدید به خشونت. او می گوید: «باید همدیگر را درک و مدارا کنیم. باید به فرزندان خودمان هم یاد بدهیم که انصاف و عدالت واقعی، چگونه محقق می شود.»

اکبرزاده می گوید که سایر اعضای این مرکز اسلامی در خفا به او گفته‌اند که به دلیل مسائل امنیتی، به این مرکز اسلامی نیاید، در عین حال، او می گوید که این مرکز اسلامی در تورن هیل در حال ارتقای موارد امنیتی است.

منابع: وبسایت شبکه‌های سی تی نیوز، رادیو کانادا و tribune

ایرانیان بریتیش کلمبیا برای نخستین بار صاحب صدایی در شورای شهر شدند



هنگامی که «شروین شهریاری» در انتخابات شهری نورث ونکوور در سال ۲۰۱۸ در جایگاه یازدهم قرار گرفت و به آن چه که می خواست دست نیافت، برخی ایرانی‌بودنش را علت ناکامی‌اش برشمردند و سخنانی دلسردکننده بر زبان راندند.

شروین اما از پای ننشست و دلسرد نشد و در انتخابات ۲۰۲۲ هم نامزد گردید تا نه تنها به اهدافش در امر سیاست‌ورزی دست یابد که الگویی شود برای دخترش و همه کسانی که به او امید بسته بودند. چنین، زمانی که شروین در انتخابات ۱۵ اکتبر پیروز شد و سوگند یاد کرد، به الگویی بدل گردید.

او گفته است: «گویا من نخستین کانادایی زاده ایران هستم که در بریتیش کلمبیا انتخاب شده‌ام و این نه تنها برای من که برای باهمستان ایرانیان کانادا هم دلگرم کننده است.»

نسرین فیلسوف، رئیس بنیاد ایرانیان کانادا، هم خاطر نشان کرده که این دستاوردی است که مدت‌ها باهمستان ایرانیان در نورث شور منتظرش بوده است.

او افزوده است که همه از انتخاب شدن او شادمان‌اند. کانادا کشوری چندفرهنگی است. در این جا از ملیت‌های گوناگون زندگی می کنند که صدایشان آن طور که باید شنیده نمی شود و مهم است که آن‌ها کسانی را داشته باشند که صدایشان باشد.

بر پایه واپسین سرشماری، نورث شور جایگاه یکی از بزرگ‌ترین باهمستان‌های ایرانیان کاناداست و کوه‌هایش یادآور کوه‌های شمال تهران. فیلسوف می گوید که ایرانیان سلیقه بسیار خوبی دارند.

هم شهریاری و هم فیلسوف اذعان دارند که تا این اواخر ایرانیان چندان درگیر مسائل شهری نبوده‌اند و این روند البته تغییر کرده است.

شروین شهریاری می گوید که زمان زیادی، به ویژه برای نسل جوان، طول کشید تا به اینجا برسیم. اکنون می توانید تفاوت ایجاد کنید و در انتخابات شرکت کنید. هنگامی که در انتخابات شرکت کردید، بدیهی است که سیاستمداران توجه خواهند کرد و نیازها و خواسته‌های شما بیشتر شنیده خواهد شد.

شهریاری اذعان دارد که اگرچه گروهی از ایرانیان را در تیم خود داشته است، لیک بیشتر آرای او از بیرون از باهمستان ایرانیان بوده است.

شهریاری می گوید که بی صبرانه منتظر است تا به کل جمعیت نورث ونکوور خدمت کند و توانمندی‌هایش را در این راه به کار گیرد.

منبع: وبسایت شبکه نورث شور نیوز

پگاه نیکی

خیزش زنانه گزارشی از راهپیمایی پانزده اکتبر در تورنتو



یکی از نکات مثبت این گردهمایی هماهنگی گروه‌های مختلف برای برگزاری آن و جلوگیری از برگزاری چند گردهمایی کوچک در زمان‌های مختلف بود. همین موضوع باعث شد تا گردهمایی امروز ایرانیان بار دیگر از یک جمعیت درخور و قابل توجهی برخوردار باشد.

در این تجمع پلاکاردهای زیادی در حمایت از دانش‌آموزان ایرانی نیز وجود داشت و همچنین محکومیت حمله عوامل حکومتی به مدارس و... گردهمایی به تدریج تبدیل به یک راهپیمایی بزرگ شد و تعداد جمعیت نیز به قدری افزایش یافت که صدای شعار دادن‌هایشان در چند خیابان اطراف نیز شنیده می‌شد.

حاضران در این گردهمایی شعارهایی علیه جمهوری اسلامی و مقام‌های ارشد آن از جمله رهبر جمهوری اسلامی و رئیس‌جمهور آن سردادند و از طرفی با صدازدن نام مهسا امینی و به‌عنوان رمز خیزش و تکرار آزادی، آزادی، آزادی همبستگی خود را با داخل ایران اعلام کردند.

حامد اسماعیلیون هم امروز در میان مردم بود. او که به تازگی از سفر بازگشته بود و خسته هم به نظر می‌رسید خودش را لابه‌لای جمعیت قرار داد و در راهپیمایی شرکت کرد. عده زیادی از خانواده‌های جان‌باختگان هواپیمایی اوکراین در این تجمع حضور داشتند امیرعلی علوی یکی از این افراد بود که برای چند دقیقه‌ای هم صحبت کرد و او هم با اشاره به جنایت‌های مکرری که جمهوری اسلامی به شکل مکرر مرتکب شده، مشخصاً به کشتن دبیرستانی‌ها اشاره کرد. مردم ایران لایق یک زندگی سالم هستند. او همچنین تأکید کرد که انجمن جان‌باختگان برای اعمال تحریم‌های بعدی باز هم دولت کانادا را تحت فشار قرار خواهد داد.

در مسیر راهپیمایی تعداد بی‌شماری از غیر ایرانی‌ها از صف‌طویل این اعتراض شگفت‌زده شده بودند و مدام فیلم و عکس می‌گرفتند. به گزارش خبرنگار هفته، خیلی از زنان ملیت‌های دیگر از دلیل این راهپیمایی و اعتراض‌ها باخبر بودند و حتی خودشان را بخشی از این جنبش می‌دانستند، دختری اهل تورنتو از شجاعت زنان و دختران ایرانی گفت و آن‌ها را تشویق به ادامه دادن کرد در سویی دیگر، تعداد زیادی از آقایان از این راهپیمایی و علتش بی‌خبر بودند، با این حساب یک بار دیگر می‌توان گفت که این خیزش و انقلاب ریشه و ماهیتی زنانه دارد که با شعار آن هم بسیار همسوس و زنان را از سراسر دنیا گرد هم آورده. زیبایی این جنبش در همراهی آقایان و حضور پررنگ آن‌ها در زنان هم هست.

پانزدهم اکتبر گردهمایی و راهپیمایی بزرگ دیگری از ایرانیان تورنتو در حمایت از خیزش مردم ایران شکل گرفت. به تعبیر یکی از ایرانیان «پاییز امسال تورنتو قابل تحمل‌تر و کمتر دلگیر است چراکه بوی بهار آزادی می‌دهد.»

به گزارش خبرنگار هفته، این گردهمایی و راهپیمایی از ساعت حدود ۳ بعدازظهر در کوئینز پارک آغاز شد. در ابتدا سرودهایی مانند «برای» و «ای ایران ای مرز پرگهر» و... با همخوانی حاضران پخش شد. بخشی از دانشجویان تورنتو به همراهی گروه دیگری از جوانان این گردهمایی را ترتیب داده بودند. سارا شریعتی یکی از دانشجویان دانشگاه تورنتو آغازکننده برنامه بود. در این تجمع که به‌قصد راهپیمایی تا میدان نیتن فلیپس بود با صحبت‌های شاپرک شجری زاده، از دختران انقلاب شروع شد. او با نام بردن تک تک دختران ایران، مدرسه شاهد اردبیل، شهرهای مظلوم کردستان، سیستان و با نام آزادی تمام حاضران یک‌صدا آزادی سر دادند. شجری زاده گفت این روزها در جواب یک احوالپرسی ساده می‌توانیم بگوییم ممنون یا باید بگوییم از شنیدن اخبار سرزمین مادری‌مان هر روز در حال منهدم شدن هستیم. او گفت پیام دوستانم از ایران این است این بار اعتراض نیست این بار انقلاب است. سخنران بعدی گیتا بنان، استاد دانشگاه یورک بود که صحبت‌هایش را با بخشی از ویدیو ساری‌نا یکی از جوانان کشته‌شده این روزها شروع کرد، مردم یک کشور چه انتظاری باید از کشور خودشان داشته باشند و خودش در جواب می‌گوید رفاه، رفاه، رفاه نمی‌توانم از ذهنم بیرون کنم که این دختر چه تفکر درخشانی داشت. به مدارس کشورمان این روزها فکر می‌کنم در تمامی شهرها بندرعباس، اردبیل تکرار می‌کنم «دبیرستان» دولت جمهوری اسلامی حتی آموزش و پرورش را هم به بخشی نظامی تبدیل کرده. نوجوانان معترض را به مرکز روانشناسی بردند تا بعد از اینکه آن‌ها را یکسان‌سازی ذهنی کردند به مدارس برگردانند. همه ما خوب می‌دانیم که مدارس در ایران یکی از بخش‌های بسیار خشنونت‌بار این سیستم است. با همه این اخبار تلخ من صمیمانه امیدوارم که آینده ایران به دست همین دختران و زنان شجاع روشن شود. در ادامه تجمع متأسفانه خبر مربوط به حمله و آتش‌سوزی گسترده زندان اوین منتشر شد که قجری زاده آن را از روی پیامی که آتنا دایمی در توئیترش منتشر کرده بود خواند. او توضیح داد با توجه به درخطر بودن جان گروه‌های مختلف در ایران لازم است که ایرانیان خارج از کشور فعالیت بیشتری داشته باشند و توجه بازبگرن بزرگ‌تر مانند دولت‌ها را با انواع فعالیت‌ها از جمله نامه‌نگاری به خیزش مردم ایران جلب کنند.

عبدالله صفوی
مشاور مالی

بیمه و سرمایه‌گذاری

مشاوره رایگان
اگر روز تماس بگیرید،

(514) 467-8491



بیمه عمر، از کار افتادگی

بیماری‌های خاص و...

پس‌انداز تحصیلی

برنامه‌ریزی بازنشستگی و...

بیمه مسافرتی و سوپرویزا

ABDOLLAH SAFAVI

Financial Security Advisor

Office:

(514) 931-4242 ext. 2567

abdollah.safavi@canadalife.com

www.safavifinancial.com

scan me for
free ebook!



Sahar Samadaei

Courtier immobilier résidentiel

sahar.samadaei@gmail.com

Cell: 514.625.2525

سحر صمدایی

مشاور رسمی املاک مسکونی

مونترال

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه‌گذاری املاک در آمریکا

L'AGENCE IMMOBILIERE INC.
Real Estate Agency

882 - 1 Pl. du Commerce,
Be-des-Coeurs, Quebec H0E 1A1

clo L'Agence



EQUIPE
AMY ASSAAD
CREATIVE IMMIGRATION AGENT | QUALIFIED REAL ESTATE BROKER

مشاوره تخصصی انواع ملک، با ۲۷ عضو مسلط به ۱۸ زبان
خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری و درآمدزا
اخذ وام مسکونی و تجاری از بانکها و موسسات مالی



10% PREMIER DES COURTIERES
AU CANADA
AVEC NOTAL LEPAGE

در زمره ۱۰٪ مشاورین برتر املاک در کانادا

AMYASSAAD.CA

امی اسد

مانیا نیازی



AMY ASSAAD

INFO@AMYASSAAD.CA

514 884 8000

MANYA NIAZI

MANYA@AMYASSAAD.CA

514 222 2293



AMY ASSAAD INC. 1485 AV. 381KUR, MONTRÉAL, H3H 5C4 | ROYAL LEPAGE DU QUARTIER - AGENCE IMMOBILIERE

Sutton

مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ
مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



Minoo Eslami Real estate broker
meslami@sutton.com

514 967 5743

پگاه شریفی
پگاه نیاکی
نانا والاجم
علیرضا شمس
رضا کاظمی
سارا سریزدی

پرونده‌ای درباره «شروین حاجی پور» و «برای»

ترانه‌ای که فریاد سه نسل شد

**یک تحلیل کانادایی از ترانه «برای»
و آنچه آن را ماندگار کرده است**



**آهنگ «برای...» در مقایسه‌ای گذرا
با سرودهای انقلابی ۵۷**

**سه نگاه از شاعران سه نسل
درباره «برای»؟**

**پرونده
هفته**

وقتی همه چیز از رؤیاها آغاز...؛ نه! ادامه می‌یابد...

روسی سفیدش را بر چوب زد و آرام و صبور ایستاد، بی‌نگاهی حتی به کسانی که خیره‌اش شده بودند.

خلاصه‌اش اینکه، امروز ایرانی که از دور می‌بینیم، به زخمِ مهاجرتی اجباری یا پناهندگی بی‌راهِ پس‌وپیش و یا حتی «مهاجرتی» از روی دل‌خوش و سیر دنیا، میوه رسیده بغضی است جان‌گرفته که یکی آن را می‌نویسد، یک روی برگه نقاشی می‌آوردش و یکی هم مانند «شروین حاجی پور» به ترانه ترجمه‌اش می‌کند.

اما سؤال اینجاست که چرا این ترانه به چنین جایگاه و مقبولیتی می‌رسد؟ چطور در عرض ۴۸ ساعت، ویژگی‌های یک ترانه انقلابی را پیدا می‌کند و او از سوی ۹۵ هزار نفر کاندید می‌شود تا جایزه گرمی در بخش «بهترین آهنگ برای تغییر اجتماعی» را بگیرد.

• «برای» چطور پایش به اسکارِ موسیقی باز شد؟

می‌خواهیم اول را از آخر شروع کنیم. از تیرتی که برایتان نوشتیم. اینکه چطور آهنگ «برای» راه باز می‌کند به‌سوی مهم‌ترین جایزه دنیای موسیقی؛ «Grammy» که آن را از نظر درجه اهمیت به‌اندازه اسکار دنیای سینما می‌دانند، اگر تفکر جمهوری اسلامی گونه نداشته باشیم و همه این‌ها را پای غرض‌ورزی دنیای غرب نگذاریم؛ جایزه گرمی در لیست جوایز جانبی‌اش برای سال ۲۰۲۳، جایزه «دست‌آورد ویژه: بهترین ترانه برای دگرگونی اجتماعی» را نیز اضافه کرده است.

زمانی که آهنگ «برای» از شروین حاجی‌پور، با این حجم از استقبال قرار



«برای» نوشتن از «شروین حاجی‌پور» جوان ۲۵ساله ایرانی، آهنگساز و خواننده ترانه اعتراضی «برای» که تنها در طی ۴۸ ساعت، با انتشار در یک صفحه شخصی اینستاگرامی، بیش از ۴۰ میلیون بار شنیده شد، ترانه‌ای که تیغ سانسور آن را از صفحه شروین پاک کرد و سلاخان تیغ به دست، ترانه‌سرا را به زندان انداختند تا ادامه مرام عربده‌کششان باشند، باید به زبان ویسلاو شیمبورسکا، شاعر لهستانی پناه ببرم. شاعری که نوبل ادبیات سال ۱۹۹۶ را گرفته بود و او را «موتسارت دنیای شعر» نام داده بودند.

شیمبورسکا در پایان شعر «عشق در نگاه اول»، می‌نویسد: «بالاخره هر آغازی/ فقط ادامه‌ایست/ و کتاب حوادث/ همیشه از نیمه آن باز می‌شود...» کتاب حوادثِ اخیر ایران و بازتاب جهانی ترانه «برای» - چه دوستش داشته باشم و چه منتقدش باشم- هم از طرف که باز کنیم، ادامه است و فرقی ندارد سر این «ادامه» را کجا بدانیم؛ جنبش مشروطه ۱۱۷ساله یا انقلاب ۴۳ساله؟! یا نه اصلاً ادامه یک درخشیدن زنانه، وقتی که «قمرالملوک وزیری» بدون حجاب، پله‌های صحنه را بالا رفت و خواند؛ «آتشی در سینه دارم جاودانی/ عمر من مرگی است نامش زندگانی» ... ترانه‌ای از حسین پُژمان بختیاری، پسر مادری که نامش عالم‌تاج قائم‌مقامی بود، یکی از اولین زنان طرفدار حق رأی و شاعری که از زندگی و آزادی می‌گفت: «برده‌ام‌ای دوست و آزادی بود مولای من/ بسته در زنجیر آزادیست سر تا پای من/ از توگر برتر نباشد جنس زن مانند توست/ گو، خلاف رأی مغرور تو باشد، رأی من»

شاید هم به هیچ‌کدام از این «آغاز» ها دل نمی‌دهید و باورتان برای ایران امروز به ویدا موحد است، دختری است که بر تقاطع «انقلاب» و «وصال»

شما نداشت. هیچ شباهتی به سلطنت بی‌رحم اما پوسیده شما نداشت. در این زمانه که بچه‌های زیبا و دلیر مملکت را به خاک و خون می‌کشید نام از تختی آوردن که سراسر زندگی و وجودش عشق به آن‌ها بود نهایت بی‌شرفی و رذالت است.»

بابک تختی که سال‌هاست از ایران مهاجرت و در امریکا زندگی می‌کند درباره شروین هم گفت: «شروین بهترین شعر و موسیقی بعد از ۵۷ را ساخته و حالا معلوم نیست کجاست. نه شهامت دارید آزادش کنید و نه شهامت دارید به دستگیری او اعتراف کنید. حالا هم حق مؤلف او را در دیدید و هم از تختی نام می‌برید... شرمندان بیاد از این بی‌شرفی.»

خلاصه اینکه همه این‌ها دست‌به‌دست هم داد تا پیامی در فضای مجازی از این صفحه به آن صفحه شود که: «به شروین برای گرفتن جایزه گرمی رأی بدهید.» که البته اوایل بیشتر سروشکل شایعه داشت تا واقعیت.

• گرمی هم شروین را دوست دارد

حمید سعیدی، نوازنده و آهنگساز ایرانی که در سال ۲۰۱۹ با گروه موسیقی «افیون ماه» برنده جایزه گرمی شده بود، در مصاحبه‌ای با صدای امریکا اعلام می‌کند که ترانه «برای» مورد توجه آکادمی گرمی هم قرار گرفته است اما یک مشکل بزرگ و البته قانونی سر راه بوده است.

این موزیسین توضیح می‌دهد: «علی‌رغم اهمیت چنین حمایتی، یک مشکل قانونی باعث شده بود تا این درخواست‌های نامزدی بی‌نتیجه باشد، چراکه براساس قوانین آکادمی، ترانه ابتدا باید به‌صورت تجاری در آمریکا منتشر شده باشد ولی اثر شروین حاجی‌پور چنین شرایطی نداشت. اما این چالش بزرگ با تلاش کتی امیری یونسی، وکیل ایرانی تبار ساکن لس‌آنجلس برطرف شد و او مدیران ارشد آکادمی را قانع کرد که به دلیل شرایط خاص ایران، انتشار آهنگ «برای» در «ساوندکلاد» را به‌عنوان انتشار تجاری در آمریکا بپذیرند و فرصت نامزدی جایزه گرمی را از شروین حاجی‌پور دریغ نکنند.»

حمید سعیدی که نوازنده چیره‌دست سنتور است؛ عنوان می‌کند که مدیران آکادمی گرمی هم از تعداد زیاد پیشنهادهای نامزدی برای آهنگ «برای» شگفت‌زده شده‌اند و هرچند که این درخواست‌ها تأثیر عملی در گزینش نهایی ندارد ولی از نظر خبری اهمیت دارد و تأثیرگذار است. او بهترین راه حمایت از شروین و ترانه «برای» را، اشتراک‌گذاری آن و استفاده از هشتگ اسم و نام ترانه به زبان انگلیسی می‌داند.

• برای شروین و آزادی...

چهاردهمین روز اکتبر، زمان رأی دادن به پایان رسید و نه هزار و پانصد نفر به شروین و ترانه او رأی دادند. حالا باید منتظر شد تا ماه نوامبر که اسامی نامزدهای جوایز آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط گرمی، اعلام می‌شود.

آن روز می‌تواند روز بزرگی «شده» باشد، «برای» شروین، «برای» ایرانی، «برای» دختر مدرسه‌ای‌ها که زیبایی موهایشان باورکردنی نیست، «برای» خاطره نیکا، اسم سارینا و نگاه حدیث، «برای» سعید، محمد، میلان، پارسا «برای» رقص معصومانه ابوالفضل و همه آن جان‌های تازه‌ای که به گلوله جنگی، نه در جنگ که در خیابان‌های شهرشان کشته شدند.

و «برای» مردمی که آرزوهای ساده و بزرگی داشتند به نام «آزادی»... رؤیایی که شاملو برایش نوشت:

«آه اگر آزادی سرودی می‌خواند کوچک

همچون گلوگاه پرنده‌بی

هیچ کجا دیواری فروریخته بر جای نمی‌ماند...»

می‌گیرد و به‌نوعی ترانه اعتراضات مردمی ایران در این روزها می‌شود؛ نیروهای امنیتی او را به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «ترغیب و تحریک افراد به اعمال خشونت‌آمیز» بازداشت می‌کند. خبری که طبق معمول، خبرگزاری‌های وابسته به دولت جمهوری اسلامی مدعی می‌شوند نادرست است و او اصلاً بازداشت نشده است. درحالی‌که خواهر شروین اعلام می‌کند او در بازداشت «اداره اطلاعات ساری» است و امیر رئیسیان، وکیل مطلع از پرونده شروین در تأیید بازداشتش اعلام می‌کند او با قرار بازداشتی که دادسرای ساری صادر کرده، در بازداشتگاه اداره اطلاعات ساری است و از همان جا با خانواده تماس کوتاهی گرفته است.»

اما زمانی که او در زندان بود، ویدیوی «برای» با تصویر او و آرزوهایی که خط به خط می‌خواند تا به «آزادی» برسد؛ مرزهای اسارت را درنوردیده بود و صدایش همان قدر بلند در تورنتو و ونکوور و مونترال و برلین و لس‌آنجلس شنیده می‌شد که در شهرش، بابلسر و در دیگر شهرها مانند تهران، اصفهان، شیراز، خوزستان و... ساده‌اش کنیم: همه ایران.

شهرتش چنان جهانی شد که گولی مانند راجر واترز برای «شروین» پیام فرستاد و خواهان آزادی‌اش شد. او تویییتی با الهام از آهنگ «THE WALL» گروه پینک فلویدی که او یکی از ستاره‌هایش بود؛ نوشت: «هی آیت‌الله بچه‌ها را به حال خود رها کنید!»

توماج صالحی، خواننده رپ ایرانی که پیش‌تر از سوی مقامات امنیتی جمهوری اسلامی دستگیر شده بود، از بیماری شروین حاجی‌پور خبر داد و توییت زد: «شروین حاجی‌پور سیاسی نیست، هنرمند با احساسیه که نتوانست در مقابل غم و وطنش سکوت کنه، جمهوری اسلامی از ترس اون رو گروگان گرفته، شروین بیماری داره که بازداشتش اونو تشدید می‌کنه، یا فوراً آزادش می‌کنید یا فراخوان جدیدی برای پیوستن طرفدارانش به تظاهرات می‌دیم.»

محمد اصفهانی، خواننده سرشناس ایرانی هم در اینستاگرامش از شروین به‌نام دوست خود که در مسابقات عصر جدید- مسابقه ایرانی خوانندگی- با او آشنا شده، یاد کرد و نوشت: «شروین جوانی فوق‌العاده با استعداد، معصوم، خجالتی و با احساس بود.»

گلشیفته فراهانی، توییت زد: «آیا شروین از انفجار آهنگش باخبر است؟ راستی این پسر کجاست؟ حکومتی که خواننده و کارگردان و هنرمند را در قفس می‌کند، قطعاً نفس‌های آخر را می‌کشد.»

صفحه سازمان غیردولتی حقوق بشر در ایران هم ضمن اشاره به دستگیری شروین حاجی‌پور، از او به‌عنوان فعال حقوق بشر یاد کرد.

محبوبیت مهارنشده این موزیسین جوان که پیش‌ازاین دایره محدودی او را می‌شناختند - و البته همان‌ها به استعداد ویژه او باور داشتند- باعث شد تا بعد از چند روز و با سپردن وثیقه یک‌صد میلیون تومانی آزاد شود.

بابک تختی: برای آقا تختی؟ شرمندان بیاید از این بی‌شرفی!

در این میان؛ جالب و اسفناک اینکه صداوسیمای جمهوری اسلامی در واکنش به انتشار آهنگ «برای...»، ویدئویی ساخت که طبیعتاً محتوایی در دفاع از ایدئولوژی‌های چند دهه اخیر جمهوری اسلامی را تبلیغ می‌کرد و در آن تصاویر چهره‌های مشهور ایران دیده و روی تصویرها خوانده می‌شد: «برای ستارخان، برای قیام جنگل، برای چادرهای شاهد گوهرشاد، برای نفتی که ملی شد، برای هفده شهریور و برای آقا تختی، شهید مطهری و شریعتی...» بابک تختی، نویسنده و پسر پهلوان غلامرضا تختی یکی از کسانی بود که به این ویدیو تاخت و در صفحه فیسبوکش نوشت: «تختی هیچ ربطی به



یک تحلیل کانادایی از ترانه «برای» و آنچه آن را ماندگار کرده است

در کانادا کمک می‌کند، می‌گوید: «یک نفر در زمانی که ایرانی‌ها دارند همین شرایط را تجربه می‌کنند آهنگش را ساخته و خوانده؛ به همین دلیل است که در قلب افراد زیادی رسوخ کرده است. این آهنگ همه ایرانی‌ها را در هر جایی که هستند به هم وصل می‌کند.»

سحر که هیچ‌وقت در ایران زندگی نکرده و خانواده‌اش ایران را قبل از اینکه او به دنیا بیاید ترک کرده‌اند، می‌گوید: «من با ایران احساس پیوستگی دارم؛ چراکه همیشه خانواده‌ام از سختی‌هایی که در ایران متحمل شده‌اند تعریف می‌کنند و بعضی اوقات کار به جایی می‌رسد که با خودم می‌گویم، باید کاری در مورد ایران انجام بدهم و این آهنگ برای من تداعی همان لحظه تصمیم‌گیری را دارد...»

برخلاف انقلاب قبلی در ایران، این جنبش با کشته‌شدن، مهسا امینی تبدیل به جنبشی زنانه شده است. سال ۲۰۲۰ حدود ۳۷ درصد از جمعیت ایران، زیر ۲۵ سال سن داشتند و به عبارتی تعداد قابل توجهی از این شهروندان در جریان انقلاب ۱۹۷۹ ایران یا حتی جنگ ایران و عراق از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ هنوز متولد نشده بودند؛ اما آن‌ها امروز منتقد این رژیم هستند.

شیوا بلاغی، مورخ فرهنگی خاورمیانه در دانشگاه کالیفرنیا سانتا باربارا درباره این ترانه می‌گوید: «این آهنگ برای بسیاری از ایرانیان پرمفهوم است زیرا به طرز شاعرانه‌ای طیفی از موضوعاتی را که به همه ما انسان‌ها مربوط می‌شود؛ در آن می‌شنوی و حس می‌کنی.»

او درباره این نسل معترض هم توضیح می‌دهد: «این نسل ساده لوح نیست. آن‌ها به خطرهایی که به جان خود می‌خرند آگاه‌اند اما برای ایجاد یک تغییر اساسی همدیگر را تقویت و مصمم‌تر می‌کنند.»

نسیم نیک‌نفس هم موافق این موضوع است و تأکید می‌کند: «آهنگ «برای» گواهی بر آرزوهای جوانان امروز است. آن‌ها امیدوار به زندگی بهتر هستند و این موضوع در موسیقی‌شان هم منعکس شده است. آن‌ها امید دارند...»

منبع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا

با افزایش اعتراض‌ها علیه حکومت ایران؛ آهنگی در میان جوانان طنین‌انداز شده که ایرانیان را در سراسر جهان متحد کرده است. ترانه‌ای که از به دست آوردن حقوق اولیه بشر می‌گوید. ترانه «Baraye» که در فارسی «به خاطر» ترجمه می‌شود و توسط ده‌ها هزار معترض در تظاهرات، پس از کشته‌شدن «مهسا امینی» توسط پلیس تهران -گشت ارشاد- خوانده می‌شود.

این آهنگ در خیلی از پست‌های رسانه‌های اجتماعی مربوط به اعتراضات هم استفاده و به نمونه‌ای از قدرت موسیقی در جنبش‌های اجتماعی تبدیل شده است. موسیقی که توانایی متحدکردن مردم را برای یک هدف دارد.

شروین حاجی‌پور، خواننده ایرانی این آهنگ را در تاریخ ۲۸ سپتامبر در حساب اینستاگرام خود منتشر کرد. متن ترانه متشکل از ده‌ها توییتی است که توسط ایرانیان ارسال شده و دلایل اعتراض آن‌ها به شرایط موجود را بیان می‌کند و هر کدام از این توییت‌ها با کلمه و هشتگ «برای» شروع می‌شود.

نسیم نیک‌نفس، دانشیار دانشگاه موسیقی در دانشگاه تورنتو که متخصص رابطه آموزش موسیقی و عدالت اجتماعی است، می‌گوید: «حاجی‌پور رنج‌های روزمره مردم را وارد موسیقی‌اش کرد. بخشی از طنین قدرتمند ترانه در میزان احساساتی است که در آن وجود دارد. این یک تجربه دور از ذهن برایش نبوده، او هم هرروز در حال تجربه کردن تمام این وقایع بوده است و حالا این تجربه، منبع الهامش در موسیقی شده است. بند اول این ترانه می‌گوید: برای هر وقت که ترسیدیم/ برای کسانی که دوست داریم در خیابان‌ها ببوسیم و... که اشاره به محدودیت‌های دارد که در فضای اجتماعی ایران حاکم است و یا جمله دختری که آرزو داشت پسر باشد و اشاره به محدودیت‌های جامعه‌ی ال‌جی‌بی‌تی کیو دارد.»

او توضیح می‌دهد: «تولید موسیقی بخشی جدانشدنی از زندگی مردم در ایران است و با اینکه پس از انقلاب ۱۹۷۹ که نهادهای رسمی اجازه نداشتند موسیقی کلاسیک غربی یا موسیقی عامه‌پسند مانند جاز، راک، متال و... داشته باشند، ساخت موسیقی و ترانه جریان داشت.»

سحر گلشنی، پادکستر و اکتیویست ایرانی تبار کانادا که به برگزاری اعتراض‌ها



آهنگ «برای...» در مقایسه‌ای گذرا با سرودهای انقلابی ۵۷

انقلاب را مرور می‌کنم.

سیاسگزار خواهیم شد آن‌ها که دستی بر این آتش دارند، کم و کاستی‌ها را ببخشند و چنان‌چه شما خواننده‌ی ارزشمند نکته‌ای را به یاد آوردید با من و ما در میان گذارید تا به رسم این خیزش، «همبسته و همراه» شویم.

در خیزش-انقلاب منتهی به برپایی جمهوری اسلامی در سال ۵۷ سرودها و ترانه‌های ماندگاری از احزاب و نگرش‌های سیاسی و اجتماعی متفاوت در همه جا شنیده می‌شد. بر اثر تکرار واژگان، برگزیدن موضوع و تنظیم آهنگ بر ریتم‌های حماسی که بیشتر برگرفته از موسیقی انقلابی امریکای لاتین بود، در یاد مردم جای گرفت و هیجان انقلاب را زنده نگه داشت. در بررسی آهنگ‌های انقلاب ۵۷ و بررسی آن با آهنگ‌های انقلاب ۱۴۰۱ (همانند: «رقص آزادی» از دریا دادور، «برای» از شروین حاجی‌پور، سرود «زن» از مهدی یراحی، «ایران من» از حامد نیک‌پی و...) چند نکته قابل توجه بود که آن‌ها را با شما درمیان خواهیم گذشت.

نخستین ویژگی؛ دسته‌بندی تولیدات هنر موسیقی در بحبوحه انقلاب ۵۷ بر اساس گرایش‌های اجتماعی و به راستی «جهان‌بینی» - ایدئولوژی - سازندگان آن‌هاست. گروه‌هایی که به تولید آثار موسیقایی - چه در ایران و چه در خارج از ایران - فعالیت می‌کردند با دو گرایش اصلی بودند: جریان فکری مذهبی - اساساً منظورمان اسلامی و شیعی است - و جریان فکری غیرمذهبی. مذهبی‌ها یعنی جمعیت فدائیان اسلام، سازمان مجاهدین خلق، و غیرمذهبی‌ها که عمدتاً چریک‌های فدایی و توده‌ای‌ها بودند. از میان جهان‌بینی غیرمذهبی می‌توان به شکل‌گیری دو گروه هنری مهم اشاره کرد: کانون چاووش به هدایت هوشنگ ابتهاج (ه. الف. سایه) و گروهی که با آلبوم انقلابی «شراره‌های آفتاب» فعالیت داشتند و از چریک‌های فدایی خلق بودند.

روز ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۲ از طریق دوستان هنرهای نمایشی ایران، آهنگی از شروین حاجی‌پور را شنیدم. روزها چون زنی زاده‌ی ایرانشهر، امید بستم، امید بریدم، آرزو کردم، دل بُریدم، ای کاش گفتم، کوله‌بار بستم، پا به ناشناخته‌های هجرت گذاشتم، اشک ریختم و روزی که شروین، آهنگ «برای...» را به پاس جنبش و خیزش «زن، زندگی، آزادی» خواند، با هر «برای...» که از دهانش خارج شد، به‌ناگاه و ناخودآگاه جان و رمقم سرشار از تمام آن آرزوهای دل‌بُریده و امیدهای ای کاش گفته، گردید! انگار تمام عمر را در برابر خود دیدم.

روز ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۲، دو روز پس از انتشار آهنگ، ناگهان پستی در اینستاگرام دیدم که خبر از دستگیری شروین می‌داد! من و ما شوکه شدیم! ما که هنوز سوگوار دخترانمان بودیم! من و ما و آینده‌مان که اکنون به تمام رویدادها گره‌خورده و «برای...» شروین انگار همه‌مان را از گذشته تا حال، زن و مرد را خانه به خانه، کوچک و بزرگ، پیوسته و متحد کرده بود! ما که هزاران «برای» غیرتکراری تجربه کرده بودیم و منتظر بودیم یکی بیاید یک به یک، آن‌ها را نه با خشم که با آرامش صدایش، خط به خط به آن‌ها بگوید! ... و حتماً آن‌ها هم خط به خط سال‌های زندگی ما را شنیده و از بر بودند... به‌عنوان کسی که سال‌ها سوگواره‌ها را بر جانم، به هر گوشه‌ی دنیا کشیده‌ام، می‌نویسم - نه به‌عنوان یک موسیقی‌شناس یا شاعر - که به‌عنوان یک مخاطب عام. به‌عنوان کسی که تیر ۷۸ را تا تیر ۱۴۰۱ به درد، نفس کشیده و خون‌های بر زمین ۸۸ را به چشم دیده، پرواز اکراینی و «خطاهای پرتکرار انسانی»؛ کاخ رؤیاهایش را فروریخته، کشتار و دادگاه و زندان آدم‌حسابی‌های ایرانشهر؛ خواب و خوراکش را ربوده، گرچه زاده‌ی انقلاب ۵۷ نیستم، و از جنگ نیز نیامده‌ام اما برای هم‌خوانی نسل‌ها و فرزندان ایران‌بانو، ترانه‌ها و سرودهای دو

انسان‌یست... بارها به‌عنوان مخاطب، لذت بردم که تأثیرگذارترین شعار را، شروین در پایان ترانه می‌آورد تا اثر ماندگارتری را در ذهن داشته باشد. انگار ما همه‌ی این سال‌ها، تمام «برای» ها را آمدیم تا به نقطه‌ی عطف‌مان، این شعار ویژه‌ی جامعه‌ی مدرن برسیم!

ویژگی سوم، ساختار است. به ریتم و سازها در آثار انقلاب ۵۷ دقت کنید!

ساختار حماسی و ایجاد احساس هیجان از مهم‌ترین ویژگی‌های شنیداری موسیقی انقلابی و اعتراضی در تمام دنیاست. حتی زمانی که سازها این هیجان را ایجاد نمی‌کنند، مردم انقلابی در ۵۷ بر زمین پا می‌کوبند! در ۵۷ از موسیقی انقلابی آمریکای لاتین بهره برده شد. چرا که می‌توانست هیجان یک خیزش را در مردم ایران، دوباره زنده کند و یادآور یک امید انقلابی باشد. از این میان «برپا خیز» شهرتی ویژه دارد. آهنگ آن از ساخته‌ی آهنگ‌ساز شیلیایی، سرخو اورتگا اقتباس شده و علی ندیمی همسو با باورهای کمونیستی‌اش بر آن ترانه‌ای گذاشت.

از ساختار موسیقی انقلابی ایران می‌توان به استفاده از همسرایان و گروه کر اشاره کرد. محمدرضا لطفی در این خصوص اشاره می‌کند که آن‌ها ترانه‌ها را به‌صورت کر و چندصدایی اجرا می‌کردند تا نیروهای حکومتی نتوانند از روی صدای خواننده، او را شناسایی کرده و به گروه‌شان دست پیدا کنند.

چنان‌چه بخواهیم دنبال چیزی همانند این ساختار حماسی در ترانه‌های امروزی و آهنگ‌های انقلابی بگردیم، چیزی عایدمان نمی‌شود. خبری از سازهای کوبه‌ای، ریتم حماسی، شعرهای ایدئولوژیک، گروه کر و همسرایان و... وجود ندارد! این دنیای عریان امروز و تأثیر شبکه‌های اجتماعی باز و آزاد و همچنین تربیت جهانی پذیرش نقد هنری است که گرچه روی هنرمندانی همانند شروین اثر داشته اما نیروهای حکومتی را تربیت جهانی نکرده است.

ویژگی چهارم، روند تولید!

کانون چاووش که همزمان با استعفای گروهی هنرمندان گروه شیدا به سرپرستی محمدرضا لطفی تشکیل شد، توانستند آثاری را در خانه‌های شخصی و با امکانات محدود شخصی تولید کنند.

این گروه همزمان با کشتار ۱۷ شهریور ۵۷ از رادیو تلویزیون ملی ایران استعفا دادند و پشتیبانی معنوی و روحی گروه را نیز هوشنگ ابتهاج برعهده داشت. او بود که پیشنهاد استعفای گروهی را عنوان کرد تا یک شخص مورد سوتنظن حاکمیت قرار نگیرد. نامه‌ی استعفای گروهی نیز به قلم محمدرضا شجریان نگاشته شد... اسفندیار منفردزاده اشاره می‌کند که با محدودیت مکانی و نیرو مواجه بودند و موسیقی را با نواختن ساز توسط خودش و همسرش ساخته و به سرانجام رسانده است! محمدرضا لطفی، هوشنگ ابتهاج، پرویز مشکاتیان، محمدرضا شجریان، حسین علیزاده و خیلی از اساتید با بودجه شخصی و بدون حمایت مالی به تولید آثار مشغول بودند. اما آن‌ها یک گروه منسجم با باورهایی مشترک بودند که حتی برای استعفا از رادیو پس از کشتار ۱۷ شهریور پست یکدیگر ایستادند و آثار بی‌ظنیری همانند «همراه شو عزیز» ساخته پرویز مشکاتیان و «ایران، ای سرای امید» ساخته محمدرضا لطفی با صدای استاد محمدرضا شجریان را تولید کنند.

شراره‌های آفتاب اما وضع بهتری دارد. مهرداد بران با همکاری سعید سلطان‌پور و داوود شراره می‌توانند در آمریکا و دور از عواقب هنرمند انقلابی بودن، آهنگ‌های بی‌ظنیری همانند «آفتابکاران جنگل» را بسازند و آلبوم‌شان پس از ورود به ایران، فروشی میلیونی داشته باشد. (همان‌طور که می‌دانیم

اما در تولیدات امروزی، پشتیبانی احزاب سیاسی یا جهان‌بینی‌های مذهبی و غیرمذهبی معنایی ندارد. همچنان که در خیزش کنونی، سرودها و ترانه‌های پیشین بدون توجه به تفکر سیاسی سازندگان اثر - همچنان زنده است، ترانه‌ها و آثار جدید نیز اضافه‌شده و مطمئناً بیش‌تر از پیش نیز خواهند شد.

ویژگی دوم؛ محتوای آثار!

محتوا و حتی ساختار موسیقایی اثر انقلابی، ترجمه‌ی احساسات مردم است. در انقلاب ۵۷ این هیجان‌ات و احساسات در نتیجه‌ی جهت‌دهی گروه‌های فعال و حزب‌ها، گاهی بیش از آن‌که باور فردی انقلابی باشد، نشانه‌ای از خیزشی ناخودآگاه در وجود او بود. حقیقتی که با باور عامه‌ی مردم پیوند داشت و توانست جمعیت زیادی را به هیجان و حرکتی انقلابی وادارد. محتوایی چون «باور به آزادی»، «رها شدن از استبداد»، «پرورش امید برای انقلاب»، «ظلم‌ستیزی»، «خداپاوری اسلامی»، «همبستگی و برابری اجتماعی»، «تقابل روشنی و تاریکی یا همان مبارزه با ظلمت شاهنشاهی در ایران» است. بدین دلیل است که در این ترانه‌ها، واژه‌هایی همسو با این باورها به چشم می‌خورد.

زنده نگه‌داشتن امید در میان جمعیت انقلابی و معترض:

«هوا دلپذیر شد، گل از خاک بردمید/ پرستو به بازگشت زد نغمه‌ی امید/ به جوش آمدست خون درون رگ گیاه/ بهار خجسته فال خرامان رسد ز راه» (بهاران خجسته باد)

«فردا که بهار آید/ صد لاله به بار آید/ صد لاله به بار آید/ از خون شهیدانت» (الله الله)

«قفس را بسوزان، رها کن پرندگان را، بشارت دهندگان را/ که لبخند آزادی، خوشه‌ی شادی، با سحر بروید/ سرود ستاره را، موج چشمه با آهوان بگوید/ ستاره ستیز و، شب گریزد و، صبح روشن آید» (خون ارغوان‌ها)

خداپاوری اسلامی و استفاده از واژه‌های الله، لاله الله و جملاتی برای همبستگی مسلمانان در کنار هیجان ایرانی بودن از ویژگی‌های اصلی گروه‌های اسلامی‌ست! برای مثال گمانم همه‌مان «الله الله» با صدای رضا رویگری را که حزب اسلامی تولید کرده و تا اکنون از صداوسیما جمهوری اسلامی پخش شده، می‌شناسیم.

چنان‌چه بخواهیم ترانه‌های امروز انقلاب ۱۴۰۱ را مرور کنیم همه بر پایه‌ی شعار نخستین جنبش، یعنی «زن، زندگی، آزادی» بیان‌شده است. یعنی تمام فراموش‌شده‌های چهل‌وسه‌ساله‌ی اخیر! یعنی تمام آن‌چه ما امروزه به‌عنوان حقوق اولیه‌ی انسانی می‌شناسیم! و شروین در ترانه‌ی «برای...» که ایده‌پرداز و دادخواهانش همان مردم هستند، به خوبی مفهوم هر سه واژه را به نمایش می‌گذارد. چرا می‌گوییم با ایده‌پردازی و دادخواهی مردم؟! چون همه‌ی آن‌چه مردم در توثیق به‌عنوان همراهی با جنبش «زن، زندگی، آزادی» می‌نویسند، جان‌مایه‌ی ترانه‌ی «برای» می‌شود. و راستش را بخواهید این همان چیز است که همه‌مان را همراه این ترانه کرده. خالی بودن از هر گونه شعار ایدئولوژیک و جنگ همیشگی جهان‌بینی مذهبی‌ها و غیرمذهبی‌ها - گرچه آن‌ها با عنوان یک مذهب و دین بر ما تسلط یافته‌اند اما ما خوب می‌دانیم که چنان‌چه «آزادی» و اراده در انتخاب وجود داشته باشد، کسی با دین‌داران بی‌آزار کاری ندارد.

وقتی حقوق اولیه‌مان زیر سؤال است، دیگر چه اهمیت دارد مذهبمان چیست! قوم و زبانمان چیست! مهم آزادی برای انتخاب ساده‌ترین حق‌های

سه نگاه از شاعران

سه نسل درباره «برای»؟



ترانه‌ی «برای...» برآمده از دل یک اتفاق عامدانه‌ی دهشتناک و خشم‌برانگیز است. برآمده از دل یک هم‌نوایی و همدلی جمعی، که بنابه شرایط خاص و در زمان خاص نوشته و خوانده و به‌سرعت هم فراگیر شده است. بجا و درست هم فراگیر شده. راجع به ارزش ادبی آن بحث نمی‌کنم چراکه در این زمان و در این بحبوحه بحثی بیهوده‌ست. مهم این است که این ترانه تأثیر‌گذاری بسیاری داشته و باعث همبستگی مردم شده است. همین برای ارزشمند بودنش کافی‌ست. ترانه‌ی «برای...» از جمله‌بندی‌ها و سطرهای ساده و صمیمی، بدون تکلف و بندهای فخر فروشانه تشکیل شده است و آنچه آن را مهم و تأثیرگذار می‌کند این است که هر مصرع آن یک اتفاق ناگوار، یک حسرت جمعی، یک حق طبیعی، و و را فریاد می‌زند. و جالب این که انتهای این ترانه به قدر ۴۳ سال ظلم و ستم این حکومت باز است. شما می‌توانید ۴۳ سال «برای...» به آن اضافه کنید و تا این حکومت برچیده نشود ادامه دهید.

علیرضا شمس، کانادا



ترانه‌ی «برای» را نه از دیدگاه ادبیاتی و نه از دیدگاه موسیقی باید مورد توجه قرار داد. مقایسه این ترانه با سرودها و ترانه‌های زمان انقلاب ۵۷ شاید کار عبثی باشد چراکه آن آثار ساخته‌وپرداخته‌ی مشاهیر ادبیات و هنر ایران بودند که امروز یا جایشان خالی‌ست و یا زبان سخن گفتن ندارند. آن آثار ماندگار گرچه خرج تفکر اشتباهی شدند اما هنوز پس از چهار دهه قابل‌شنیدن و حتی تعمیم به جنبش حاضر ایران هستند. پس ترانه‌ی «برای» را باید فارغ از این دیدگاه بررسی کرد. آنچه این اثر را چنان فراگیر کرده است، زمزمه‌ی بغض فروخورده‌ی نسلی است که هیچ‌گاه فرصت و عرصه برای بیان دغدغه‌هایش نیافته است. این ترانه احساسی است که از دل برآمده، و لاجرم بر دل می‌نشیند. پر بیراه نیست که هر جنبش و انقلابی نیازمند ترانه، سرودهایی است که مطالباتش را به نحوی بیان کند که ورد زبان‌ها گردد و سینه‌به‌سینه منتقل شود. «برای» از این جنس آثار است.

سارا زارع سریزدی، ایران



در مورد ترانه‌ی برای، فقط می‌توانم همین را بگویم: زیباترین جلوه‌ی شکست سکوت بود و بلندترین فریاد آزادی.

«شراره‌های آفتاب» در آمریکا ساخته و تولید شد و به صورت یک آلبوم کامل به بازار ایران آمد.

اما اکنون کاملاً وضع متفاوت است. ساختار شبکه‌های اجتماعی به گونه‌ایست که راه فراری برای یک هنرمند انقلابی باقی نمی‌گذارد. چنان‌چه با رسانه‌های اجتماعی همانند اینستاگرام یا فیسبوک در ارتباط باشید و هنرتان را به نمایش عموم گذارید، به راحتی شناسایی و پیامد هنر انقلابی‌تان را خواهید دید. همانطور که برای خیلی از افراد جامعه چه ورزشکاران، چه هنرمندان و چه فعالان اجتماعی... اتفاق افتاد و خواهد افتاد. شروین حاجی‌پور، تنها در مقابل دوربین نشست و اثری که باید می‌گذاشت را بر همه‌ی ایران و جهان و به چندین زبان مختلف و چندین ملیت گذاشت. گمانم همین تک جمله کفایت بکند.

ویژگی پنجم؛ سرود یا آهنگ!

شاید شما هم همانند من علاقمند به دانستن کاربرد واژه‌ی «سرود» برای موسیقی انقلابی سال ۵۷ هستید.

واژه‌ی «سرود» از زبان پهلوی آمده و در اساس تلفظ «سروت» را دارد. در ایران باستان زرتشت را سراینده «گاتها» می‌دانند و بدان سرود می‌گویند. در زبان پارسی، آواز دلنشین پرنده‌ها و همخوانی گروهی، نیز «سرود» نام دارد. می‌گوییم «سرود ملی»، نمی‌گوییم «آهنگ ملی»!

به همین دلیل واژه‌ی «سرود»، کلامی آسمانی را به خاطر می‌آورد و از کسی پوشیده نیست که گمان معترضان ۵۷ و پیروان انقلاب اسلامی به انتظار یک انفجار نورانی و آسمانی بودند!

خداوندگار و مردم را سپاس که امروز برای ساختن یک ملت همسو و با هدفی مشترک و ساختن کشوری آزاد، پاهای همه‌مان روی زمین است و به فکر روشن کردن تکلیف انسانی‌مان هستیم. از همین رو نیز ترانه‌ی «برای» برای نسل جدید آسان و قابل درک است. چون از روزمرگی خودمان می‌گوید. از پاهایی که روی همین زمین راه رفته‌اند، زمین خورده و تکرار تجربه کرده‌اند.

بر شمردن یک به یک کاستی‌های زندگی روزمره است، آن چه ما را به مرگ تدریجی روح و جان‌مان راضی کرده بود و پیش از این، چاره‌ای جز تن دادن بدان نمی‌دیدیم... اکنون فریاد آزادی‌خواهی زنان ما، جوانان ما و همه‌ی ایران -در داخل و خارج از سرزمین مادری- فقط به دلیل همین احساس خفقان، در انجام همین روزمرگی‌های ساده است. اکنون ما می‌ایستیم برای برای‌های شروین...

برای توی کوچه رقصیدن، برای ترسیدن به وقت بوسیدن... برای خواهرم خواهرت خواهرامون، برای تغییر مغزها که بوسیدن برای شرمندگی برای بی پولی، برای حسرت یک زندگی معمولی... برای کودک زباله گرد و آرزوهاش، برای اقتصاد دستوری... برای این هوای آلوده برای ولیعصر و درختی فرسوده... برای پیروز و احتمال انقراضش، برای سگ‌های بی گناه ممنوعه! برای گریه‌های بی وقفه، برای تصویر تکرار این لحظه... برای چهره ای که می‌خنده، برای دانش آموزا برای آینده... برای این بهشت اجباری، برای نخبه‌های زندانی... برای کودکان افغانی برای این همه «برای» غیر تکراری! برای این همه شعارهای تو خالی، برای آوار خونه‌های پوشالی... برای این همه احساس آرامش، برای خورشید پس از شبای طولانی! برای قرصای اعصاب و بی خوابی، برای مرد میهن آبادی... برای دختری که آرزو داشت پسر بود، برای زن زندگی آزادی برای آزادی!



فریبا علیزاده

مشاور ارشد امنیت مالی و بیمه
Financial Security Advisor

سائها تجربه موفق در زمینه مالی و بیمه
فخرغ التحصیل ارشد مدیریت از
John Molson Concordia

Sun Life Financial

ارائه خدمات مالی و بیمه برای:

- اشخاص، شرکت ها، مشاغل آزاد و حرفه ها
- بیمه عمر، از کار افتادگی و بیماریهای خاص
- بیمه دانشجویی، بیمه سفر و بیمه سلامت
- بیمه وام مسکن
- انواع سرمایه گذاری

KRSP, RESP, TFSA, RRIF, LIF, GIA

همکاری با بیش از ۲۵ موسسه مالی و بانکی به منظور ارائه بهترین خدمات

<https://advisor.sunlife.ca/fariba.alizadeh> fariba.alizadeh@sunlife.com

438-345-5066

به همراه گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات مربوط به اخذ مجوزهای اقامت دائم و یا سوخت کانادا برای کسبه برنامه های مهاجرتی فدرالی و استانی از طریق سرمایه گذاری، استارت آپ، تخصصی، کار آفرینی، خوشاوندی، دانشجویی... و همچنین مشاوره و تایید رسمی مدارک، تهیه سوخت نامه و دعوتنامه رسمی می باشد.

معصومه علیمحمدی
مشاور رسمی
مهاجرت

info@icpimmigration.com
icpimmigrationtocanada
icpimmigrationtocanada
@ICPimmigrationTOCANADA
WWW.ICPIMMIGRATION.COM

Canadian Association of Professional Immigration Consultants
L'Association Canadienne des Conseillers Professionnels en Immigration
عضو انجمن مشاوران متخصص مهاجرت و شهروندی کانادا

CICC CCIC
College of Immigration and Citizenship Consultants
Collège canadien de l'immigration et de l'établissement
عضو رسمی انجمن مشاوران رسمی مهاجرت و شهروندی کانادا

Tehran
Office: 021-2288-1684
Mobile: 0937-489-6676

جهت مشاوره و تعیین وقت
فبلی با دفتر ما در مونترال
تماس حاصل فرمایید.

Montreal
Office: 514-289-9011 / 514-289-9044
WhatsApp: 514-778-9011
Address: 1117 Ste. Catherine West,
511#, Montreal, Qc. H3B 1H9

EXPERTFX

Bureau de Change
Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6
info@expertfx.ca www.expertfx.ca
(514) 844 - 4492

Residential Real Estate Broker

شهره شهبان

مشاور املاک در کلان شهر مونترال

- خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
- مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری
- ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق مختلف مونترال جهت خرید
- هزینه محضر هدیه من به خریداران

514-290-2210
shahrianrealtor@gmail.com



مهاجرت



سعید ملک‌پور از نگرانی‌هایش درباره آتش‌سوزی اوین می‌گوید



بازگشت وی به کانادا هموار کردند تشکر کرد. او می‌گوید: «زمانی که دستگیرم کردند دو سال مرا در سلول انفرادی انداختند. در دو ماه اول شب و روز، جسمی و روحی، شکنجه‌ام کردند.» ملک‌پور بدترین شکنجه را شکنجه روانی می‌داند و می‌گوید: «به من گفتند خواهرت، همسرت، مادرت را دستگیر کردیم. صدای فریاد زنی را از دور می‌شنیدم و نمی‌دانستم کیست. آن‌ها به من می‌گفتند که این می‌تواند صدای یکی از عزیزانت باشد و این بدترین قسمتش بود.»

نیا می‌گوید که بسیاری از زندانیان اوین به علت جرائمی که در هیچ قانون بین‌المللی به رسمیت شناخته شده نیست، زندانی‌اند.

او می‌افزاید که هیچ مبنایی برای زندانی کردن آن‌ها وجود ندارد و با حادثه اخیر جامعه جهانی باید برای آزادی آن‌ها پافشاری کند. بر اساس شواهد عفو بین‌الملل، نگرانی‌های جدی وجود دارد که مقامات به بهانه آتش‌سوزی و جلوگیری از فرار زندانیان دست به سرکوب خونینی زده‌اند.

ملک‌پور می‌گوید که به نظرش این آتش‌سوزی کار خود رژیم است و رژیم این را رد می‌کند. به‌هرحال، هرچند معلوم نیست که علت آتش‌سوزی چه بوده، ولی آن چه مشخص است این است که این موضوع به‌طور بالقوه معترضان در بند شده را با خطر مواجه کرده است.

منبع: وب‌سایت گلوبال نیوز

در سلول‌ها هستند. اوین یک زندان معمولی نیست. گیسو نیا، وکیل مدافع حقوق بشر، می‌گوید که به دلیل بازداشت گسترده دانشجویان و زندانی کردن آن‌ها در اوین، به این زندان لقب «دانشگاه اوین» را داده‌اند.

گفتنی است که ایرانیان سرشناس فراوانی از دانشمندان و هنرمندان و نویسندگان و روزنامه‌نگاران گرفته تا وکلای حقوق بشر و وبلاگ‌نویسان و دوتابیی‌ها در این زندان در بند هستند.

در این میان بسیاری از معترضان جنبش اخیر نیز در اوین زندانی شده‌اند.

ملک‌پور نیز پس از دستگیری در آن جا نگهداری می‌شده است.

او در ویکتوریا زندگی می‌کرد و نرم‌افزار متن باز به زبان فارسی می‌نوشت. ملک‌پور می‌گوید بدون اینکه او بداند، شخص دیگری از آن برای یک سایت پورنوگرافی استفاده کرده است و این موضوع سبب شده بود تا ملک‌پور را که در سال ۲۰۰۸ برای دیدار پدر در حال احتضارش به ایران رفته بود، دستگیر و ۱۱ سال در اوین زندانی کنند.

او را به اعدام محکوم کردند که به ابد تغییر کرد و بعد هم با گذاشتن وثیقه توانست از زندان بیرون بیاید و سپس از ایران فرار کند. او از خانواده‌اش و حامیان بین‌المللی حقوق بشر که راه را برای

جمهوری اسلامی اعلام کرده است که در آتش‌سوزی زندان اوین در ۱۵ اکتبر هشت تن کشته شده‌اند. البته که این آمار می‌تواند بیشتر از این باشد، چون هیچ رسانه یا نهاد مستقلی امکان راستی‌آزمایی این آمار ارائه‌شده جمهوری اسلامی را ندارد.

سعید ملک‌پور که در تبعید در ونکوور روزگار می‌گذراند و ۱۱ سال از عمرش را پشت میله‌های زندان اوین سپری کرده است، با نگرانی ویدئوهای منتشرشده از آتش‌سوزی اوین را می‌بیند.

دیدن دودی که از اوین برمی‌خیزد او را به یاد روزهای تیره زندانی بودنش در اوین می‌اندازد.

ملک‌پور می‌گوید که دوستان زیادی در اوین دارد که نگران حالشان است. او می‌افزاید که از این رویداد خیلی ناراحت است.

ملک‌پور می‌گوید که بر اساس گفته منبعش در زندان، دوستانش زنده‌اند، ولی سپاه به آن‌ها شلیک کرده است.

او می‌افزاید که آن‌ها خوشبختانه زنده‌اند، ولی بیشترشان گلوله در بدن دارند و وضعیتشان خوب نیست.

در برخی از ویدئوهای منتشرشده از زندان صدای آژیر و شلیک شنیده می‌شود.

جمهوری اسلامی مدعی است که آتش‌سوزی در انبار زندان با شورش یک زندانی آغاز شده است، ولی ملک‌پور می‌گوید که هیچ زندانی‌ای نمی‌تواند نیمه‌شب در آن جا باشد، چراکه همه



شاهزاده رضا پهلوی در نشست خبری:

ایرانیان کانادا موجب شدند که کانادا مقام‌های سپاه را تحریم کند

آینده، «هیچ نقشی» برای خود نمی‌بیند و به دنبال رسیدن به پستی خاص نیست. او گفت که در میان نظام‌های سیاسی، «هیچ کدام» برایش بر دیگری اولویت ندارد و تنها مسئله مهم برای او این است که نظام سیاسی بعدی دموکراتیک و سکولار باشد.

او تأکید کرد: «دولت موقت باید مقبولیت ملی داشته باشد. آلترناتیو رژیم ایران، یک نظام سیاسی دموکراتیک خواهد بود و بیش از هر چیز، دولت موقت بعد از سقوط جمهوری اسلامی باید موردقبول همه باشد. تغییر رژیم ایران، خواست مردم ایران است و ارتباطی به خواسته‌های کشور دیگر ندارد. باین‌حال کشورهای دنیا باید از نیروهای دموکراسی‌خواه در ایران حمایت کنند.» شاهزاده رضا پهلوی گفت: «جنبش مردمی نیاز به رهبری فرد محور ندارد. درعین‌حال، نفاق بین نیروهای مخالف فقط عمر جمهوری اسلامی را افزایش می‌دهد. همچنین در فردای براندازی حتی یک نفر نباید بدون محاکمه دقیق، و اجرای کامل قانون، مجازات شود.»

او تأکید کرد که در نظام سیاسی بعدی، دستگاه قضایی باید کاملاً از سیاست مستقل باشد. او از وکلا و حقوقدانان دعوت کرد که در ارتباط با استقلال قوه قضائیه از همین حال ایده‌هایشان را مطرح کنند.

باشد که بعد از سقوط جمهوری اسلامی سر کار بیاید. از دبیرکل سازمان ملل خواستم تا از تشکیل کمیسیونی ویژه در شورای حقوق بشر سازمان ملل برای بررسی اتفاقات ایران حمایت کند. همچنین در نامه‌ای از یونیسف خواستم تا تحقیقات ویژه‌ای را درباره کشتار کودکان و سرکوب دانش‌آموزان انجام دهد.»

شاهزاده رضا پهلوی، آنچه در اردبیل رخ داد را به‌عنوان مصداق جنایت علیه بشریت و کودک‌آزاری سیستماتیک دانست.

او ادامه داد که به‌زودی صندوق‌هایی برای کمک به معترضان در ایران راه‌اندازی می‌شود. به گفته او، مسیر حمایت مالی از معترضان، «آخرین مراحل قانونی» را طی می‌کند.

همچنین شاهزاده رضا پهلوی گفت: «با هراس‌افکنی از خطر تجزیه، انگشت اتهام را به‌سوی هموطنان کرد و بلوچ دراز کردند.» او خطاب به معترضان گفت که با شعارهایشان، پاسخ این تبلیغات منفی را داده‌اند: «شما شعار ژن، ژیان، آزادی را از کردستان به سراسر کشور بردید.»

او گفت بسیار خوشحال است از اینکه، «اتحاد سراسری هم‌میهنان» شکل گرفته است و ادامه داد: «می‌خواستند زن، برده مرد باشد، اما شما زنان، با پشتیبانی همسران، پدران و پسرانتان اولین انقلاب زنان تاریخ را رقم زدید.»

شاهزاده رضا پهلوی گفت که در نظام سیاسی

شاهزاده رضا پهلوی، در روز ۲۰ اکتبر در نشست خبری خود در واشنگتن ضمن همبستگی با معترضان در ایران گفت: «تظاهرات ایرانیان خارج از کشور در کانادا از جمله تظاهرات ۵۰ هزار نفری در تورنتو موجب شد تا این کشور، مقام‌های سپاه را تحریم کنند.» او تأکید کرد: «پول‌های اختلاس شده آقازاده‌ها در کانادا را بدهید به کارگران که با خیال راحت‌تر بتوانند اعتصاب کنند.» همچنین شاهزاده رضا پهلوی گفت به دنبال تشکیل نظامی است که شهروندان «مانند آمریکا و کانادا» از آزادی و حقوق برخوردار باشند.

به گزارش هفته، شاهزاده رضا پهلوی در ادامه این نشست تأکید کرد: «اعتراض‌های اخیر، خونی تازه در رگ‌های مخالفان جاری کرده است. باید از هم‌اکنون برای دولت انتقالی بعد از سقوط جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی کنیم. بالاترین مرجع تصمیم‌گیری مجلسی است که نمایندگان مردم بتوانند در آنجا تصمیم بگیرند. اکثر نیروهای دموکراسی‌خواه بر سر این توافق دارند که تئوری اداره حکومت در مجلس مؤسسان تصمیم‌گیری شود.»

پهلوی تأکید کرد که به دنبال رسیدن به هیچ مقامی در آینده ایران نیست و از هیچ حزب و گروهی حمایت نخواهد کرد.

وی تصریح کرد: «بعد از سقوط جمهوری اسلامی، برگزاری همه‌پرسی و تعیین شکل حکومت سکولار آینده باید از جمله وظایف دولت موقتی



راتنا امیدوار، سناتور کانادایی:

اموال مقامات جمهوری اسلامی به نفع قربانیان ضبط شود

مقامات خارجی فاسد را مصادره کند و این اموال مصادره شده را در مسیر حمایت از قربانیان آزار و ظلم، هدایت کند. حال در این شرایط، اگر واقعاً دولت کانادا برای کمک به آزادی زنان ایرانی، عزم جدی دارد، می‌تواند از همین بند قانونی برای مصادره اموال و دارایی‌های افراد و نهادهای وابسته به جمهوری اسلامی اقدام کند و سپس این دارایی‌های توقیف شده می‌تواند از طریق سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه حمایت از حقوق زنان ایرانی، صرف امور بشردوستانه شود و همچنین این دارایی‌های مسدود شده می‌تواند برای حمایت از پناهندگان ایرانی نیز به کار برود. واقعیت این است که برای مدت طولانی، مقامات فاسد جمهوری اسلامی، اقداماتشان بدون مجازات باقی‌مانده است. آن‌ها به مردم خود ظلم می‌کنند و ثروت هنگفتی را از همان مردم، می‌دزدند. آن‌ها حق رأی را از مردم گرفته‌اند و به زنان ایرانی دیکته می‌کنند که چه پوششی داشته باشند، چه چیزی را مطالعه کنند و یا حتی به چیزی فکر کنند. به همین دلایل است که می‌گویم قرار دادن سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریستی هم کافی نیست، بلکه آن‌ها باید مجبور به پرداخت بهای بیشتری باشند. در این مسیر، آآن دولت کانادا از یک ابزار قانونی منحصر به فرد برخوردار است که می‌تواند از آن بهره‌برد. من هم از دولت فدرال خواهم خواست که در این زمینه، اقدامات فوری داشته باشد.»

منبع: وبسایت شخصی ratnaomidvar و گلوب اندمیل

چطور به‌سختی از مرز ترکیه بیرون رفتیم. ترس از پاسداران انقلاب اسلامی در آن لحظات خروج از کشور را به‌طور شفاف در خاطر دارم. این همان ترسی است که امروز هم زنان شجاع ایرانی، آن را حس می‌کنند.

کنترل کردن پوشش و افکار مردم ایران بخصوص زنان ایرانی از سوی جمهوری اسلامی، یک داستان واقعی است. در پاسخ به این ظلم و ستم تاریخی، اخیراً دولت کانادا، ورود هزاران تن از اعضای ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به خاک کانادا را ممنوع کرد و همچنین ۲۵ مقام جمهوری اسلامی و ۹ نهاد وابسته به رژیم نیز به دلیل سرکوب اعتراضات مردم، تحریم شدند. پیش‌تر هم ۴۱ مقام دیگر و ۱۶۱ نهاد وابسته به جمهوری اسلامی از سوی دولت کانادا تحریم شده بودند. با این وجود، این تحریم‌ها کافی نیست، چون ما ابزارهای دیگری برای مقابله با جمهوری اسلامی در اختیار داریم.

مثلاً طبق یک اقدام قانونی جدید که در ژوئن به‌عنوان بخشی از لایحه C-۱۹ توسط پارلمان کانادا به تصویب رسید، می‌توانیم از این اقدام جدید برای تشدید تحریم‌های در نظر گرفته‌شده در قانون Magnitsky و قانون اقدامات ویژه اقتصادی (SEMA) بهره‌بریم. این اقدامات تازه بر اساس لایحه‌ای است که من در سنا با عنوان تغییر کاربرد دارایی‌های فریز شده و مسدود شده، مطرح کردم. مقررات جدید در لایحه C-۱۹ به دولت فدرال کانادا، این اختیار را می‌دهد تا دارایی‌های

راتنا امیدوار، سناتور کانادایی برای بسیاری از ایرانی‌های مقیم کانادا، نامی آشناست. این سناتور هندی‌تبار، همسرش ایرانی است و سال‌ها در ایران زندگی کرده است. او شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر ایران را از نزدیک دیده؛ اگرچه در نهایت به گفته خودش در بحبوحه اوایل دوران انقلاب اسلامی مجبور به گریختن از ایران شده است. این سیاستمدار کانادایی در مقاله اخیر خود که در رسانه گلوب‌اندمیل منتشر شده، از معترضان در ایران دفاع کرده و خواستار توقیف اموال مقامات جمهوری اسلامی به نفع قربانیان رژیم شده است. امیدوار در این مقاله ضمن همبستگی با معترضان در ایران، نوشته است: «وضعیت فعلی ایران، به‌گونه‌ای است که می‌توان گفت هم الهام‌بخش و هم ترسناک است. این روزها زنان شجاع ایرانی برای به دست آوردن آزادی به خیابان‌ها آمده‌اند، روسری خود را دور انداخته و آتش می‌زنند. گروهی از آن‌ها در حرکتی نمادین، موهای خود را به نشانه اعتراض بریده‌اند. آن‌ها با این اقدامات شجاعانه، خودشان و خانواده خود را در معرض خطرات بزرگ و قابل توجه قرار می‌دهند. من هم در حمایت از این زنان شجاع، شعار آن‌ها، یعنی «زن، زندگی و آزادی» را تکرار می‌کنم.

حدود چهار دهه پیش نیز من با خانواده‌ام از ایران فرار کردم، چون نمی‌خواستم دخترم تحت ظلم و سرکوب پس از وقوع انقلاب اسلامی، زندگی کند. تصمیم به رفتن از ایران در آن نیمه‌شب، پر از خطر و ترس بود. هنوز به خاطر دارم که



زنجیره مهاجرین موفق در کانادا را چه کسانی تشکیل می‌دهند؟

کانادایی قبل از اخذ اقامت دائم داشته است. فاکتور سن نیز برای آنان که هنگام مهاجرت سن کمتری داشته‌اند نسبت به آنان که در سن بالاتر به کانادا مهاجرت کرده‌اند، نقش مهمی را بازی می‌کند. به طوری که جوان‌ترها پس از بالغ بر ۱۰ سال زندگی در کانادا دارای ۴۴ درصد درآمد بیشتر نسبت به آنان که در سن بالا مهاجرت کرده‌اند، بودند.

نداشتن تسلط به یکی از زبان‌های رسمی کانادا برای آنان که بالغ بر ۱۰ سال در کانادا زندگی کرده‌اند موجب ۳۵٪ کاهش درآمد شده است.

داشتن تحصیلات در حد کارشناسی در بدو ورود به کانادا، همچنان پس از گذشت بالغ بر ۱۰ سال فاکتور مهمی است و باعث ۲۳ درصد افزایش درآمد شده است.

بنابراین نتیجه این تحقیقات، نشانگر این واقعیت است که مهاجرت در سنین بالا اثر منفی و تحصیلات دانشگاهی در بدو ورود اثر مثبت در درآمدسازی مهاجرین در این کشور خواهد داشت. در عین حال تسلط به زبان و داشتن سابقه کار در کانادا قبل از اخذ اقامت دائم در اوایل بسیار تأثیرگذار ولی با گذشت زمان اثر آن کم‌کم کاهش می‌یابد.

مهاجرت در سنین کم، داشتن سابقه کار و تحصیل در کانادا و تسلط به دو زبان رسمی در این کشور رمز موفقیت بیشتر مهاجرین، محسوب می‌شود.

آنان که دارای زبان مادری متفاوتی بودند به میزان قابل توجهی در کسب درآمد اثرگذار بوده است. این در حالی است که آن دسته از مهاجرین که فقط انگلیسی صحبت می‌کردند با ۲۹ درصد درآمد کمتر، در مقابل افرادی که به هر دو زبان رسمی کانادا تسلط داشتند، مواجه بودند. آن دسته از مهاجرینی که دارای تحصیلات در حد کارشناسی بودند به میزان ۱۲ تا ۲۴ درصد افزایش درآمد نسبت به آنان که فقط تحصیلات متوسطه را تکمیل کردند، داشتند.

فاکتورهایی که در دوره دو تا پنج سال پس از مهاجرت موجب کسب درآمد بالاتری می‌شوند عبارت‌اند از:

این گروه از مهاجرین نیز، تنها با داشتن یک سال سابقه کار کانادایی قبل از لندینگ، با ۵۲ تا ۵۹ درصد افزایش درآمد در مقایسه با آنان که فقط تجربه کار در خارج را دارند، مواجه هستند. قابل توجه این است که فاکتور سن موجب پیشه گیری مهاجرین مسن‌تر به میزان ۲۷ تا ۳۵ درصد درآمد بیشتر نسبت به جوان‌ترها شده است. مهاجرینی که دو تا پنج سال در کانادا اشتغال داشته و به یکی از زبان‌های رسمی کانادا، همانند زبان مادری خود تسلط داشتند به میزان ۴۲ درصد بیشتر درآمدسازی کردند. در این گروه مهاجرینی که دارای تحصیلات در حد کارشناسی بودند در مقابل آنان که فقط تحصیلات متوسطه داشتند به میزان ۱۴ تا ۲۱ درصد بیشتر بوده.

فاکتورهایی که در درآمدسازی مهاجرینی بالغ بر ۱۰ سال در کانادا زندگی می‌کنند عبارت‌اند از:

دارا بودن سابقه کار در کانادا قبل از لندینگ همچنان پس از گذشت مدت‌زمان طولانی، فاکتور تأثیرگذاری محسوب می‌شود به طوری که ۴۵٪ افزایش در درآمد برای هر یک سال سابقه کار

بر اساس آمارهای به دست آمده سابقه کار قبل از مهاجرت به کانادا، دانش و تسلط به یکی از زبان‌های انگلیسی و فرانسه، تحصیلات و سن تعیین‌کننده میزان درآمد مهاجرین تازه‌وارد در کانادا است.

تحقیقات در زمینه‌ی برآورد میانگین درآمد مهاجران بر اساس این فاکتورها، در سه دوره پس از مهاجرت مورد بررسی قرار گرفته است

- دوره کوتاه‌مدت: (۱ تا ۲ سال)
- بازه زمانی متوسط: (۲ تا ۵ سال)
- دوره بلندمدت که بالغ بر ۱۰ سال اقامت مهاجر است

فاکتورهای ارزیابی این بررسی مقایسه‌ای، شامل موارد زیر است:

- داشتن سابقه کار کانادایی قبل از دریافت اقامت دائم در مقابل تازه‌واردینی که در بدو ورود فقط سابقه کاری در خارج از کانادا داشته‌اند
- مهاجرینی که در بدو ورود دانش زبان داشتند، در مقایسه با آنان که هنگام ورود از آن بهره‌مند نبودند
- مهاجرین جوان‌تر ۲۵ تا ۲۹ ساله در مقابل مهاجرین ۵۰ تا ۵۴ ساله
- مهاجرینی که دارای تحصیلات دانشگاهی هنگام مهاجرت به کانادا بودند در مقابل تحصیلات دوره متوسطه

فاکتورهایی که در دوره یک تا دو سال نخست مهاجرت موجب کسب درآمد بالاتری می‌شوند عبارت‌اند از:

داشتن سابقه کار کانادایی قبل از اخذ اقامت دائم، مهم‌ترین عامل مؤثر در کسب درآمد بالا در یک تا دو سال نخست پس از دریافت اقامت دائم بوده است. در واقع هر یک سال سابقه کار در کانادا قبل از لندینگ معادل ۸۴ درصد افزایش حقوق برای این مهاجرین تازه‌وارد، به ارمغان آورده است. در یک تا دو سال اول مهاجرت، داشتن دانش زبان در یکی از دو زبان رسمی کانادا، نیز برای



تماس با نویسنده: معصومه علی‌محمدی، مشاور رسمی مهاجرت. با او می‌توانید از طریق ایمیل info@icpimmigration.com و وبسایت www.icpimmigration.com در تماس باشید.

این صفحه توسط مؤسسه مهاجرتی آی.سی.پی. ICP Immigration حمایت شده است.



World Pharmacy

داروخانه World در تورن هیل

- مشاوره دارویی و درمانی رایگان
- تهیه داروهای شما با نسخه و بدون نسخه (OTC)
- قبول تمام بیمه‌ها
- پارکینگ رایگان
- بلیستر پک رایگان

تحويل رایگان

(905) 597-5150

(905) 597-5153

Parvaneh.vali@gmail.com

Unit 128, 7163 Yonge St, Thornhill, ON. L3T 0C8



Advanced
Computer

خدمات
کامپیوتری

بامدیریت بک یزی

تعمیر

فروش

نصب

آموزش

ویروس یابی

(416) 226-6939

(416) 471-7138

babakyazdi2@gmail.com

advancecomputer@rogers.com

6012A Yonge St. North York ON. M2M 3V9

کتاب فروشی سرای بامداد

کتاب «رودخانه سنت لوران»
را می‌توانید از کتاب‌فروشی سرای بامداد تهیه نمایید.



Tel: (647) 680-6462

7181 Yonge Street, Unit 127, Vaughan, ON L3T 0C7

کتاب فروشی پگاه

کتاب «جادوی عصاره گیاهان»
را می‌توانید از کتاب‌فروشی پگاه تهیه نمایید.



Tel: (416) 223-0850

5513 Yonge St, North York, ON M2N 5S3



ادبیات
فرہنگ
ہنر سینما



داستان: بعد از ظهر یکشنبه

بعد از ظهر فهمیدیم بسیاری از دوستان ما از دنیا رفته‌اند.»

هنری که انگشت‌هایش را به هم می‌زد گفت: «تازگی؟»

رونالد کاف با لحن خیلی خشکی که نشان می‌داد موضوع بسیار برایش خسته‌کننده است، گفت: «بله، از همه نظر» و با بی‌میلی ادامه داد: «بیا هنری ما منتظرت بودیم تا حواسمان را از این قضیه به‌جای دیگری معطوف کنی. این روزها تو برای ما کاملاً حکم یک قهرمان را داری. در واقع از همه آن چه که درباره لندن شنیده‌ایم، بهترین اتفاق این بوده که تو زنده هستی. آیا همه اتفاقاتی که آن جا می‌افتد همان قدر تکان‌دهنده است که می‌گویند - یا از این هم بدتر است؟»

یک نفر گفت: «هنری تردید دارد. مثل اسفها شده است.»

درواقع هنری داشت با این واژه دور و غریب: «تکان‌دهنده» که در ذهنش نقش بسته بود، کلنجر می‌رفت. دختر جوانی از در یک خانه بیرون آمد و از چمن‌زار گذشت. او ماریا، خواهرزاده خانم ویزی بود. روی بازوی لختش یک قالی چه انداخته بود. آن را روی زمین کنار پای خاله‌اش پهن کرد و روی آن نشست. دست به سینه درحالی که انگشتانش روی آرنج‌های نازک و نوک کشیده‌اش قرار داشت، بلافاصله چشمانش را به هنری راسل دوخت و با لحنی تمسخرآلود ولی تا حدی صمیمی گفت: «بعد از ظهر به خیر.» دخترک، هم چون یک حیوان جوان خانگی، انگار در این جمع به همه تعلق داشت. خانم رایا استور، حامی امور هنری، با بی‌قراری شنل خز خود را مرتب کرد و گفت: «تا حالا کجا بودی ماریا؟»

- «در خانه بودم.»

خورشید در زیر لبه چمنزار پناه گرفته بودند، به سرمای هوا اشاره‌ای نکردند. همگی بر سرما غالب بودند، یا آن را انکار می‌کردند. گویی هرکدامشان دچار بیماری‌ای بودند که سعی داشتند آن را از دیگران پنهان کنند. نوعی اندوه سخت گیرانه و متداول، نوعی انزوا در پشت شیشه، حس این دوستان پیر را که در سایه آن‌ها بزرگ‌شده بود، برای هنری توصیف می‌کرد. علاوه بر شادی بازگشت وی به میان آن‌ها، نوعی تابو یا هشدار وجود داشت - که او می‌توانست اندکی از آن سخن بگوید ولی نمی‌توانست چیز زیادی بگوید. وقتی روی صندلی‌اش نشست شوکی به او دست داد و احساس کرد در این سال‌های آخر چقدر بی‌تفاوت و ناآگاهانه، آن‌ها را و زندگی زیبایی را که آن‌ها به او داده بودند، ترک گفته است. در آن شرایط می‌توانست جذابیت معلق آن‌ها را احساس کند. وقتی به خیابان شاه بلوط که خانه خانم ویزی در آن قرار داشت رسیده بود، رایحه دمکراتیک اتوبوسی که با آن از دوبلین سفر کرده بود تا نزد آن‌ها بیاید، از بدن او گریخته بود. خانم ویزی در یک ویلای مدل ایتالیایی با پنجره‌های بلند زندگی می‌کرد. با اینکه ویلا به شهر نزدیک بود، می‌توانست شادابی دهکده را به نحو خاصی انعکاس دهد. اکنون، تحت تأثیر این بعد از ظهر روز یک‌شنبه، حس و حال زمان جنگ که زندگی درونی هنری را احاطه کرده بود، به‌طور آشکاری محو می‌شد.

هنری گفت: «اندوهگین هستید؟ کاملاً اشتباه می‌کنید.»

خانم ویزی با نگاهی که منظورش را آشکار می‌کرد گفت: «این روزها زندگی ما غیرواقعی به نظر می‌رسد. ولی بدتر از همه این است که امروز

خانم ویزی از تعجب فریاد زد و رو به شخصی که تازه از راه رسیده بود و به جمعی که روی چمن‌زار نشسته بودند می‌پیوست، گفت: آه... پس آمدی! و انگشتان سبک و خشکش را لحظه‌ای روی انگشتان او گذاشت. خانم ویزی ادامه داد: «هنری از لندن آمده است.» لیخندهای خاموش اطرافیان نشان می‌داد که همه از قبل همه‌چیز را می‌دانستند - خانم ویزی می‌خواست به هنری بفهماند که چه جایگاه مهمی در آن جمع دارد. از او پرسید: «تو این مدت چه کارهایی انجام داده‌ای؟ از تجربیاتت با ما صحبت کن. نگران نشو... هیچ اتفاق بدی نیفتاده: ما مدت‌هاست که اندکی اندوهگین هستیم.»

هنری راسل با لحن شخصی که صحبت کردن درباره امور شخصی موجب تشویش نمی‌شود، گفت: «متأسفم که این را می‌شنوم.» او یک صندلی حصیری آورد و به جمع ملحق شد. بعد با علاقه به چهره تک‌تک افراد نگاه کرد. همه را از نظر گذراند تا اینکه نگاهش به توده گل یاس بنفشی افتاد که پره‌های ارغوانی، صورتی - نقره‌ای و سپیدش را به درون درخشندگی بعد از ظهر می‌پراکند. خورشید در این بعد از ظهر اواخر ماه مه شعله می‌کشید ولی هنوز گرم نشده بود. یک نسیم خنک، چیزی ضعیف‌تر از یک باد، مثل یک نفس سرد، سطح همه‌چیز را لمس می‌کرد و می‌گذشت. وقتی نگاهش به پایان قلمرو یاس بنفش رسید، آن سوی مرغزار که خورشید آن را صیقل داده بود، کوه‌های دوبلین را دید که به پیش روی در مسیر خود که مه‌آلود و امروز اندکی بی‌رنگ بود ادامه می‌دادند. هیچ‌یک از هفت یا هشت نفری که هر کدام بخش زیبایی از سالمندی خود را می‌گذراندند و اینجا در نور

یک نفر گفت: «آه در این بعد از ظهر زیبا تو در خانه ماندی؟»

ماریا گفت: «فکر می‌کنید خیلی زیباست؟» و با بی‌حوصلگی روبه چمن‌زار اخم کرد.

قاضی باز نشستگه گفت: «حالا غریزه به ماریا یادآوری می‌کند که وقت چای است.»

ماریا مچ دستش را که ساعتی به آن بسته بود نشان داد و گفت: «نه این ساعت وقت چای را به

یادم می‌اندازد چون وقت را خوب نشان می‌دهد. متشکرم آقای ایزاک.» ماریا نگاهش را به هنری

باز گرداند و گفت: «چه داشتید می‌گفتید؟» - «تو توی حرف هنری پریدی. تازه داشت شروع

به صحبت می‌کرد.» ماریا گفت: «خیلی ترسناک است؟»

هنری گفت: «بمباران؟ بله. ولی میدانی، چون به باقی قسمت‌های زندگی ارتباطی ندارد، خیلی

دشواری می‌توان فهمید که یک نفر چه احساسی دارد. به نظر می‌رسد احساسات یک شخص هیچ

زبانی برای بیان چنین اتفاق غیرطبیعی ندارد. در مورد افکار -

ماریا به گونه‌ای تحقیرآمیز گفت: «افکار شما اصلاً جالب نیستند.»

یک نفر گفت: «ماریا این راهش نیست. این طوری نمی‌توانی هنری را ترغیب کنی که حرف بزند.»

ماریا پاسخ داد: «بعضی مسائل آن قدر مهم و پیچیده‌اند که هیچ‌کس نمی‌تواند در موردش

چیزی به دیگران بگوید. واقعا هیچ چیز. هر کسی باید خودش این چیزها را تجربه کند و بفهمد.»

رونالد کاف گفت: «شاید حق با هنری باشد. با توجه به اینکه این - این ظلم و تعدی اصلاً چیز

مهمی نیست و جزء تجربیات انسان به حساب نمی‌آید. ظاهراً هیچ جایی نمی‌تواند برای خودش

پیدا کند. هیچ ادبیاتی نخواهد داشت.» ماریا گفت: «ادبیات؟ آقای کاف مشخص است که

شما همیشه در امن و امان بوده‌اید!» خانم ویزی گفت: «ماریا گستاخی نکن.»

آقای ایزاک گفت: «ماریا چه می‌خواهد بداند؟» ماریا لبه یک علف را کشید و آن را کند. یک حس

حساب‌گر و سودایی در او ایجاد شده بود. انگار در خودش فرورفته بود. با لحن تندی به هنری گفت:

«تو باز خواهی گشت... مگر نه؟!» - «به لندن؟ بله - من فقط برای گذراندن

تعطیلات آمده‌ام. به‌رحال، هیچ‌کس نمی‌تواند مدت زیادی از محل کار و زندگی‌اش دور بماند.»

هنری که سریع و بدون اندیشه شروع به صحبت کرده بود، دریافت که حرف‌هایش چقدر آرام و

نامحسوس موجب رنجش دوستان پیرش شده بود. فهمید که موقعیت آن‌ها خیلی دشوارتر از

موقعیت خود او بوده است و او نمی‌توانسته چیزی ظالمانه‌تر از این بگوید. خانم ویزی با لبخند

زبردستانه خود که هیچ‌وقت خالی از عاطفه نبود، گفت: «در این صورت آرزو می‌کنیم اوقات خوشی

را در این جا بگذرانید. تعطیلات خیلی کوتاه است؟»

رایا استور گفت: «هنری مراقب باش که ماریا دزدکی توی چمدانت مخفی نشود وگرنه در یکی

از بندرهای انگلیس گیر می‌افتی! ما حس می‌کنیم که هر لحظه ممکن است ما را ترک کند.»

هنری بدون تغییر لحن گفت: «خوب چرا ماریا به طریق عادی سفر نمی‌کند؟»

- «اصلاً چرا ماریا می‌خواهد سفر کند؟ این روزها همه سفرها با خطر همراه هستند. به نظر ما سفر

برایش ضرورتی ندارد.» آقای ایزاک افزود: «به‌رحال ما می‌ترسیم این

همان سفری باشد که ماریا آرزوی آن را دارد.» ماریا درحالی‌که نگاهش را به پائین دوخته بود، با

سهل‌انگاری گریه‌مانندی روی چمن‌زار چنبره زد. نسیم سرد دیگری از سمت یاس‌های بنفش وزید

و بی‌صدا به‌صورت غنچه‌ها ضربه زد. زنی ناگهان و بی‌خبر لرزید و بعد شروع کرد به خندیدن. در

کلام خانم استور که بدون توجه به وقایع اطرافش صحبت می‌کرد، نوعی اشاره به عشق بود: - «ماریا

هیچ تجربه‌ای ندارد، از هیچ نوع. برای همین آرزو می‌کند با قهرمانان آشنا بشود. البته تا وقتی که

این جاست نمی‌تواند با هیچ قهرمانی ملاقات کند. برای همین امیدوار است که بتواند از این

جا برود... چراکه نه؟ هنری، او می‌تواند از تو یک قهرمان بسازد.»

ماریا که این صحبت‌ها را شنیده بود گفت: «این‌طور نیست.» خانم ویزی خم شد و شانه‌های

او را گرفت. او دخترک را به خانه فرستاد تا چای را آماده کند. به‌زودی همه بلند شدند و دو تا دو

تا یا سه تا سه تا به دنبال او راه افتادند درحالی‌که سرهایشان را راست گرفته بودند و سعی داشتند

احساساتشان را کنترل کنند یا اینکه سرهایشان را خم کرده بودند و در اندیشه بودند.

هنری می‌دانست که هوا به سردی می‌گرایید و دیگر به چمن‌زار بازمی‌گشتند. در اتاق پذیرایی

- که دیوارهای سفید و شیشه‌های روی تابلوها انعکاس تابستان را در خود نگه می‌داشتند - یک

بخاری دیواری بود که آتشی در آن می‌سوخت و آن‌ها از دیدنش بسیار لذت بردند. ماریا پشت

به گچ‌بری دور بخاری ایستاده بود و به آن‌ها می‌نگریست که دور میز کنار هم می‌نشستند.

او متوجه هیچ‌یک از حرف‌هایی که هنری گفت و دیگران شنیدند، نشد - در این چند دقیقه او

در خودش فرورفته بود و به مرحله تازه، پاک و دست‌نخورده‌ای از زندگی‌اش قدم می‌گذاشت.

آن قدر در خودش فرورفته بود که هنری متوجه شد او با بی‌رحمی گذشته را نادیده می‌گیرد،

حتی همین چند دقیقه قبل را. ماریا جلو آمد و دستش را روی دو صندلی گذاشت - تا نشان دهد

که برای هنری جا نگه‌داشته است. لیدی اوتری که به میز تکیه داده بود، گفت:

«می‌شود چیزی از شما بپرسم؟ شنیده‌ایم که شما همه چیز خود را از دست داده‌اید ولی امیدواریم این

خبر صحت نداشته باشد.» هنری با بی‌میلی گفت: «درست است. من آپارتمانم و همه چیزهایی که

در آن بود را از دست دادم.» خانم ویزی گفت: «هنری... همه چیزهای قشنگت

را؟» لیدی اوتری که نیرو گرفته بود گفت: «عزیزم، فکر می‌کردم چنین چیزی ممکن نیست. نباید

می‌پرسیدم.» رایا استور با نگاه منتقدانه به هنری نگریست.

«چهار شده است؟ با این اتفاق وحشتناکی که افتاده، تو این قدر آرامش داری؟»

- «خیلی وقت پیش این اتفاق افتاد و برای خیلی از مردم پیش‌آمده است.»

خانم استور گفت: «ولی نه برای همه. مثلاً من هیچ دلیلی نمی‌بینم برای من چنین اتفاقی

ببفتد.» سر ایزاک گفت: «نمی‌توانم جلوی خودم را بگیرم که به تو نگاه نکنم. ما را بیخوش که این چنین

حیرت‌زده شده‌ایم. ولی هنری آن وقت‌ها همه ما حس می‌کردیم که تو را خوب می‌شناسیم.

اگر سؤال کردن در رابطه با آن اتفاق باعث آزارت نمی‌شود، می‌خواهم بپرسم چرا چیزهای

ارزشمند خود را به بیرون شهر نفرستادی؟ حتی می‌توانستی آن‌ها را به ما بدهی تا برایت نگهداری

کنیم.» - «من به آن اشیاء وابستگی داشتم و می‌خواستم

با آن‌ها زندگی کنم.» خانم استور گفت: «حالا چه؟ دیگر هیچ وقت

چیزی نداری که با آن زندگی کنی. واقعا فکر می‌کنی زندگی همین است؟»

- «بله، این‌طور فکر می‌کنم. حالا از مسائل خیلی ساده خوشحال می‌شوم. وقتی آن مکان موردحمله

نقد داستان:

بعد از ظهر یکشنبه در حومه دوبلین اتفاق می‌افتد. هنری که خانه و همه وسایل خود را در بمبارانی در لندن از دست داده، به دوبلین آمده تا با دوستانش دیدار کند. دوستان آریستوکرات وی در دوبلین نمی‌دانند در رابطه با این فاجعه چه احساسی باید داشته باشند. یکی از میهمان‌ها که روی چمنزار سبز نشسته می‌گوید: «هنری تردید دارد... او مثل اسقف‌ها شده است...» در اینجا نویسنده - تحت تأثیر «هنری جیمز» - کند: «نسیم سردی از سمت یاس‌های بنفش وزید و بی‌صدا به صورت غنچه‌ها ضربه زد...»

الیزابت بوون نویسنده‌ای رومانتیک است. در همه داستان‌های او بارقه‌ای از عشق دیده می‌شود. حتی جنگ هم قادر نیست عشق را از بین ببرد. هنری به سختی می‌تواند در قالب عاشقانه ذهنش با خانم ویزی که از او بزرگ‌تر است یا با ماریای زیبا و پرشور که از او بسیار جوان‌تر و بی‌تجربه است، جفت شود. ماریا دزدانه به ساعت مچی‌اش نگاه می‌کند و هنری نمی‌تواند بفهمد چرا زمان برای ماریا این قدر مهم است.



روزهای یکشنبه می‌انداخت که همراه مادرش به این خانه می‌آمد. یا بعدها وقتی نوجوان شده بود و دیگر نمی‌توانست کیک بخورد و فقط می‌توانست به آن نگاه کند. وقتی نخستین بار تحت تأثیر زیبایی خانم ویزی قرار گرفت، فقط نوزده سال داشت در حالی که خانم ویزی در آن زمان به نیمه دوم عمرش نزدیک می‌شد. اکنون بهار همان زیبایی یا نوعی نبوغ جسمی را در ماریا، دختر برادر خانم دیزی می‌دید که حاصل ازدواجی دیرهنگام بود. ولی این زیبایی در وجود ماریا، بدون درنگ، بدون تردیدی بود که با خانم ویزی همراه بود - بله از زمانی که هنری یک پسرپچه بود، این زیبایی مردد با او و با نیم لبخند عجیب خانم ویزی همراه بود. هنری دخترک جوان را که او را تکان داده بود انتقام‌جویانه متهم کرد. انگار دخترک با پیش‌بینی قبلی، دستور جدید و فاجعه‌بار زندگی را - چنین سبانه و بی‌روح - اجرا می‌کرد. هنری در این سن، که بین دو نسل قرار داشت، خود را تنها می‌یافت. احساس می‌کرد خانم ویزی برای اینکه او را تنها گذاشته و به‌سوی جهانی رفته که در حال جنگ است، او

رومیزی زبردست او کشیده شد و گلبرگ شاخه گل صدتومانی چینی را که در جام وسط میز قرار داشت تکان داد و روی ظرف ساندویچ‌ها انداخت. مسن‌ترها با شیفتگی به این خرابی‌ها نگاه می‌کردند، نوعی دلجویی در رفتار آن‌ها وجود داشت، انگار اتفاقی که افتاده بود تضمینی بود برای عدم رخ دادن یک اتفاق بدتر.

رایاستور گفت: «هنری مثل تو جوان و خام نیست. زندگی هنری به نحوی با دلبستگی و وابستگی همراه است - یا بوده است.» او چشمان خود را از زیر پلک‌هایش به هنری دوخت: «نمی‌دانم چقدر از اموات طعمه آتش شده است.»

هنری گفت: «به نظر من نمی‌توان مقدارش را محاسبه کرد. شما روشی می‌شناسید که بتوان این مقدار را تخمین زد؟»

ماریا گفت: «کیک شکلاتی؟»

- «لطفاً.»

از زمانی که هنری پسری هفت یا هشت‌ساله بود، کیک‌های لایه‌ای شکلاتی‌ای که خانم ویزی می‌بخت معروف بودند. مدل و طعم لایه‌های قهوه‌ای‌رنگ کیک، هنری را به یاد بعد از ظهر

قرار گرفت، من خیلی اتفاقی بیرون از خانه بودم. ممکن است احساس کنید - و من به دیدگاه شما احترام می‌گذارم - که در آن سن باید ترجیح می‌دادم که با یک‌مشت شیشه‌خرده و یشم و یک دوچین قاب عکس به جهان جاودانه قدم بگذارم. ولی در واقع من خیلی خوشحال هستم که باقی ماندم تا وجود داشته باشم.»

- «در چه شرایطی؟»

- «در هر شرایطی.»

رونالد کاف گفت: «بیا هنری، حسی که تو داری نوعی تردید است که در تو خوشایند نیست. تو از سنت حرف می‌زنی؟ از نظر ما تو سنی نداری. تازه در سن بلوغ هستی.»

- «چهل‌وسه سال.»

ماریا از گوشه چشم بی‌علاقه نگاهی به هنری انداخت، گویی تازه دریافته بود که با همه این‌ها نمی‌توانست با هنری دوست شود، ولی بعد از او پرسید چرا دلش می‌خواست مرده بود؟ ژستی که گرفت چند استکان چای را روی میز تکان داد که باعث شد چای روی رومیزی بریزد و ماریا با دستمال خود به سستی آن را پاک کرد.

را نخواهد بخشید.

خانم ویزی شعله آبی زیر کتری را فوت کرد و دریچه نقره‌ای را با یک ضربه بست. بعد دقیقاً یکی از آن لیخندهای آشنا را به لب آورد - که از نظر هنری، درعین حال، لبخند دوست مادرش بود. رونالد کاف گلبرگ را از روی ساندویچ‌ها برداشت و آن را بین انگشتان خود چرخاند و منتظر بود خانم ویزی صحبت کند.

خانم ویزی گفت: «ماریا! یک هیزم دیگر در آتش بینداز... خانه سرد است. رایا! تو همیشه تأسف‌بارترین مسائل را مطرح می‌کنی. نباید فراموش کنیم که هنری دچار یک شوک شده است. هنری! بیا در مورد رویدادهای بهتری صحبت کنیم. تو از زمانی که جنگ شروع شده در یک اداره کار می‌کنی؟»

- «در یک وزارتخانه - یک اداره بله.»

- «خیلی سخت است؟ ماریا، اگر تو هم به انگلستان می‌رفتی باید همین کار را می‌کردی. باید توی یک اداره کار می‌کردی. می‌بینی که شبیه جنگ‌هایی که در تاریخ خوانده‌ای نیست.» ماریا گفت: «هنوز در تاریخ به این جنگ اشاره نشده است.» او اطراف دهانش را لیس زد تا باقی‌مانده طعم کیک شکلاتی را بجشد، بعد صندلی‌اش را اندکی از میز دور کرد. پنهانی به ساعت مچی‌اش نگاه انداخت. هنری تعجب کرد چرا زمان برای ماریا این‌قدر مهم بود...

وقتی هنری به سمت اتوبوس که در انتهای خیابان پارک شده بود می‌رفت، در سر راه خود دید که ماریا بین دو درخت بلوط به انتظار او ایستاده است و دریافت که چرا زمان برایش این‌قدر مهم بوده است. ماریا راهش را به سمت هنری کج کرد و دستش را داخل بازوی او قرار داد. پرچم‌های صورتی تیره که از گل‌های پژمرده بالای سر آن‌ها آویخته شده بود موهای ماریا را نوازش می‌کرد. ماریا گفت: «هنوز ده دقیقه وقت داری... واقعاً. آن‌ها ده دقیقه زودتر تو را بیرون فرستادند. می‌ترسیدند که تو از اتوبوس جا بمانی و بازگردی. بعد همه چیز از سر گرفته می‌شد. چون همیشه همه چیز همین‌طور است، نباید بررسی که برای عمه‌ام خیلی سخت باشد.»

هنری بازویش را به دست ماریا فشرد و گفت: «این‌طوری صحبت نکن. خیلی سنگ دلی. این لحن را دوست ندارم.»

- «خوب، پس ترا تا سمت دروازه همراهی می‌کنم و بعد بازمی‌گردم. آن‌ها درست می‌گفتند - من قصد دارم از اینجا بروم. آن‌ها باید بدون من

کارهایشان را انجام بدهند.»

- «ماریا چیزهایی که می‌گویی دوست ندارم. همه حرف‌ها مخرب و ترس‌آور است.»

- «مخرب است؟ فکر کردم برایت اهمیتی ندارد.»

- «من هنوز به دنبال روزهای گذشته‌ام.»

- «پس چقدر ضعیفی. وقتی چای می‌نوشیدیم تحسینات کردم. گذشته یعنی چه؟ تکرار کارهایی که قبلاً بارها و بارها انجام شده، با تقلا و زحمت، بیش از آنچه ارزشش را داشته باشد؟ هرچند دیگر وقتی برای این صحبت‌ها باقی نمانده. گوش کن هنری: من باید نشانی تو را داشته باشم. فکر می‌کنم حالا دیگر یک نشانی داشته باشی؟ ماریا درست در داخل دروازه سفید که قطره‌هایی سبز از آن می‌چکید هنری را نگهداشت. هنری بر پرچم گل‌ها که روی صفحه دفتر یادداشتش افتاده بودند دمید و آن‌ها را کنار زد. روی یک صفحه چیزی نوشت، آن را پاره کرد و به ماریا داد. ماریا گفت: «متشکرم. ممکن است اگر به پول یا چیزی احتیاج داشتم نزد تو بیایم. ولی خیلی کارها از من برمی‌آید. می‌توانم اتوموبیل برانم.»

هنری گفت: «از تو می‌خواهم درک کنی که من به هیچ‌وجه نمی‌توانم در این کار همراهی‌ات کنم.» ماریا شانه‌هایش را بالا انداخت و گفت: «باید از آن‌ها بخواهی که درک کنند.» به سمت خانه برگشت و نگاهی به آن انداخت. جذابیت معلق آن روز بعد از ظهر در کل دوران هستی هنری به کار افتاده بود و به بازگشت او به منطقه مرگ و احتمال اینکه دیگر هرگز نتواند این همه زیبایی را ببیند اعتراض می‌کرد. گل‌های چلیپا شکل یاس با رنگ ارغوانی زیبا و کوه‌های بی‌رنگ، پشت سر صورت خانم ویزی به او التماس می‌کردند. لحظه‌ای که از آن می‌هراسید و هوسی که به سوی او بازمی‌گشت، در این خیابان که مانند تونلی بود که موتورها با فش فش از آن می‌گذشتند و در طول جاده بیرونی حرکت می‌کردند، به او یورش آورده بودند. و ماریا ایستاده بود و به او می‌نگریست. هنری گروه رواقی مسلکی را که ترک گفته بود، با آن هراس‌های کوچک و تردیدهای بزرگشان، با ظرافت چیزی که دوباره تکرار شده بود، ستایش می‌کرد. با خود اندیشید، درحالی که چیزی جز شهامت بی‌رحمانه باقی نمانده است، ما چیزی جز افراد بی‌رحم نخواهیم بود.

ماریا پرسید: «موضوع چیست؟» هنری پاسخ نداد. آن‌ها برگشتند و پس‌وپیش دروازه قدم زدند. بر گیسوان و پیراهن ماریا سایه افتاده بود. وقتی

نگاه سرخورده هنری را روی خود احساس کرد، دوباره با ناآرامی پرسید: «چه شده است؟»

هنری گفت: «خودت میدانی. وقتی از اینجا رفتی، دیگر کسی اهمیت نخواهد داد که تو ماریا هستی. اصلاً دیگر ماریا نخواهی بود. آن نگاه‌ها، آن حرف‌هایی که به تو گفته شده - همین چیزهاست که به شخصیت تو شکل می‌دهد دخترک احمق. تو فقط تا وقتی که در افسون آن‌ها هستی، می‌توانی وجود داشته باشی. شاید فکر کنی فعالیت داشتن بهتر است - ولی وقتی فقط در حال فعالیت هستی، چه کسی به خودت اهمیت می‌دهد؟ تو می‌توانی یک شماره شناسایی داشته باشی ولی نمی‌توانی هویت داشته باشی. شاید فکر کنی می‌خواهی یک سرنوشت معمولی داشته باشی - ولی اصلاً سرنوشت معمولی وجود ندارد. و این حالت غیرمعمولی در سرنوشت هریک از ما چیزی است که فقط عمه‌ات می‌تواند خوب بشناسد و درک کند. من قبول دارم که دیدگاه او نسبت به زندگی بسیار شبیه دیدگاه من است - به همین خاطر است که من امروز این‌قدر حساس و بی‌تحرک شده‌ام. ولی ما باید به کجا برویم وقتی هیچ‌کس هیچ دیدگاهی نسبت به زندگی ندارد؟»

- «تو که توقع نداری من حرف‌هایت را بفهمم، درست‌ه؟»

- «حتی این حالت رام نشدنی تو، حتی این حالت بی‌اعتنایی و تمسخرت - بله، حتی این عادت‌های خود را هم از آن‌ها به ارث برده‌ای... آیا این اتوبوسی است که من باید سوار شوم؟»

- «اتوبوس تو در سمت دیگر رودخانه می‌ایستد. باید از پل بگذری.»

ماریا صورتش را بالا گرفت و گفت: «هنری!» هنری صورت ماریا را با بوسه‌های سرد و متفکرانه لمس کرد و گفت: «خداحافظ میراندا.»

- «ماریا»

- «میراندا این پایان توست. احتمالاً پایان خوبی هم هست.»

- «من به دیدنت خواهیم آمد.»

- «تو به در خانه من در لندن نزدیک خواهی شد درحالی‌که یک شماره جدید و کوچک به من دستت وصل شده است.»

- «مشکل تو این است که میان سال شده‌ای.» ماریا دوید و از دروازه گذشت و سعی کرد اتوبوس را متوقف کند. هنری وارد اتوبوس شد و به سرعت از آنجا دور شد. / پایان



دو سروده از نانا والاجم

«به نام زن» و «پائیزی برای بوسه»

از این همه نقش سراسر راه
سراسر جاده و دره.
ترسیده‌ام...
و چه تلخ هراسی از نور
به آزار چشم و به خشم تلالو.

بیا!

بخوان!

بمان!

برای فرار از تاریکی

برای کسر هراس

برای کسر دره

برای کسر عادت روزانه

برای کسر زیادت قدم و راه و نرسیدن.

بیا

بخوان

بمان!

این بار... خود رسیدن باش!

بمان و تکرار صدای آرزوهایم شو،

حتی نجوایی به روزنی.

باورت باشد یا نه

این التماس هزارپاره‌ی دل زنی‌ست

از دستان روئیده التهاب.

حتی اگر صدا نیستی،

نجوایی باش؛

ززمه‌ای به زُخداد یک نیمه‌ی ناتمام

که بزرگ‌ترین آمال زنانه را رقم زنی

در پیوند تکه‌های آینه

و یکپارچه‌شدن‌های من!

آن «من» هزارپاره‌ی موج‌دار و لکه‌شده‌ی

هراس آلود هزاران سال تاریخ این شهر!

باورت باشد یا نه

تو ناجی خواهی شد

ناجی آمال سقوط کرده و

نیمه‌جان بر روی دستانم -دستانم-

که مرا -ما را- می‌هراساند و من -ما-

به اجبار،

رویم را -رویمان را-

از خشم چشمانش باز ستانده‌ایم!

صدایم باش

-صدایمان باش-

ززمه‌وار!

شاید دوباره

۱
«پائیزی برای بوسه»

به دخترم گفتم

به وقت نجوای شبانه

و گاه لالایی کودکانه

بخوان «دوستت دارم»

و بوسه‌ای بر معشوق

و بوسه‌ای بر کودک‌کات هدیه کن.

به دخترم گفتم

دست در گیسوان‌ات ببر

چشمان‌ات را به دشت بدوز

رنگ را

لبخند بز

و

معشوق را

و فرزند را

در تعمید غسل باران ببوس.

به دخترم گفتم

به وقت هر پائیزی

امید رویش را زنده نگهدار.

و سوگند عشق را

به نوازشی پیوند شو:

«تا جهانی به صلح بماند»

۲۴ سپتامبر ۲۰۲۲

۲

«به نام زن»

رنگ است و نور و آینه.

تکه‌های دلم را که برداری

هزار پاره‌های وجودم

اتاق را فرا می‌گیرد؛

رنگ‌ها، نورها

و هزاران انعکاس موج!

می‌ترسم!

به ترس سالانه و سالیانه

به عادت ماهانه و روزانه

از آئینه‌ها ...

از رنگ و نور و قدم ...

از تکه‌های خرد و کوچک و حقیر.

ترسیده‌ام ...

از ترس تصویرهای پر لکه و موج!

به هر رهگذر که از شهری عبور کرد
نام ناجی ننهیم!

می‌دانی؛

زمانی که مرا به انتظار خوانده‌اند

گذشته است.

و تو ...

تو می‌توانی،

تو ... با من

با ما،

به وسعت قلب مادری که در آغوشت کشیده

و زنی که عاشقانه نام‌ات را در بستری بر زبان

آورده،

به پاس «عشق و زندگی»

می‌توانی ناجی یک آرزو باشی.

بازتاب آب زور در یک صدا

یک نجوا

و حتی زمزمه‌ای به روزنی ...

باورت باشد یا نه،

برای فرار از هراس تکرار شونده‌ی سالیان دراز

اتاق را با «من» اش

سراسر آئینه خواهم کرد؛

تو اگر زمزمه‌وار نجاتم دهی!

و این آئینه، به هزاران بار

در پژواک یک نجات

زنده می‌ماند و

من ...

ما ...

یک شهر ...

نفس می‌کشیم

پاک می‌شویم از موج.

یکپارچه می‌شویم و

«من» ...

یک زن می‌مانم؛

«بی‌هراس» ! ...

**((آب زور : آب مقدس))

۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲



» از چپ به راست: علی عباسی، زر امیرابراهیمی، بچستانی

بازیگران عنکبوت مقدس چگونه انتخاب شدند

گفت‌وگو با علی عباسی کارگردان عنکبوت مقدس

بخش ۲ از ۲

که خودت هم نمی‌دانی کجاست، بعد یک‌دفعه دو نفر آدمی که اصلاً...

آن وقت نوآر تر نمی‌شد؟
آن نوآر جور دیگری می‌شد...

زن فم‌فنتال نوآر نمی‌تواند خبرنگار باشد!

هامفری بورگارد چه کار می‌کند؟ او هم در حقیقت آدمی است که می‌خواهد یکسری سؤال بپرسد و ملت مدام می‌دواندش. دقیقاً همان کاری که زری می‌کند. منظورم این است که آن فانکشن یا عملکرد؛ فانکشن آدمی ست که به تو این امکان را می‌دهد که در سطح جامعه بروی و یکسری سؤال‌ها را بپرسی و در سوراخ‌های مختلف انگشت بزنی و ببینی از هر کدام چه چیزی بیرون می‌آید. منت‌ها این حرفت را قبول دارم و خودم هم ترجیح می‌دادم این‌قدر قهرمانانه نشود.

یعنی «زری» در خبرنگار شدنش نقش داشت؟

حقیقتش کستینگ اولیه در ذهن من یک هنرپیشه

همان‌طور که در مستند مازیار بهاری دیدیم، یکی از خانم‌های تن‌فروشی که از دست سعید حنایی فرار می‌کند و پلیس او را به خاطر کاری دیگر می‌گیرد و بعد او داستان را تعریف می‌کند. ولی شما کمی خبرنگار را قهرمان کرده‌اید که خودش را در معرض خطر و تجاوز و مرگ قرار می‌دهد؟

چرا همین فکر را هم می‌کنم؛ من یادم است یکی از مشکلات اصلی هم با انتخاب بازیگر و همچنین زری همین بود، چراکه فکر می‌کنم زری مثل همه هنرپیشه‌های خوب کارزمایی دارد که آدم احساس می‌کند هر نقشی به او بدهد هم خوشش می‌آید و هم به آن نقش کشش دارد. این باعث می‌شود آدم به طرفش کشیده شود. در صورتی که من خودم همیشه از نقش‌های خبرنگار در فیلم بدم می‌آید چراکه نقش‌هایی مثل خبرنگار، روانشناس، هنرمند این‌ها نقش نیستند فانکشن هستند.

ما یک ورژن از فیلم‌نامه داشتیم که واقعیت کیس سعید حنایی را دنبال می‌کرد. منتها چند مسئله وجود داشت؛ اول اینکه من احساس کردم در فیلم نوآر، بودنِ تم گذشته‌ها که داری به جایی می‌روی

تا کنون یک بخش از صحبت‌های من، مصطفی عزیزی، با علی عباسی کارگردان «عنکبوت مقدس» که در حاشیه جشنواره جهانی فیلم تورنتو انجام شد در ایندپندنت فارسی و مجله هفته منتشر شده است در این بخش که آخرین قسمت این گفت‌وگوست به موضوع بازیگری در عنکبوت مقدس پرداختیم امیدوارم نکات خوبی برای تان داشته باشد. این قسمت هم برای خواننده‌های علاقه‌مند به سینما مهم است هم برای کسانی که در کار ساختن فیلم هستند به‌ویژه در خارج از ایران که موضوع پیدا کردن بازیگر درست و به جا مسئله مهمی است.

در تمام متن هر جا صحبت از «زری» می‌شود منظور خانم «زهره امیرابراهیمی» که اکنون با نام «زر» شناخته می‌شوند است.



از چپ به راست:
سارا فضیلت زر
امیرابراهیمی و علی
عباسی

داخل ایران بود که اسمش را نمی‌برم، هنرپیشه بسیار خوبی هم است که من فکر می‌کردم حدود اوایل ۲۰ سالگی باشد و من می‌خواستم کمی حالت سیریش مانند و اذیت کننده و اینکه انگار می‌خواهد فقط خودش را ببیند داشته باشد و لزوماً آدمی کاریزماتیک نباشد. آن اذیت کننده بودنش ناخودآگاه کمی از قهرمان بودنش را می‌گرفت. اتفاقاً همان خانم هم آمد ولی ترسید و درنهایت همکاری نکرد و به ایران بازگشت...

از این که نه شنیدید ناراحت نشدید

نه ببینید من همیشه سعی می‌کنم یک‌دوره انصاف را رعایت کنم. بله من خودم همیشه از دست کسانی که به من نه می‌گویند عصبانی هستم، هیچ‌کس از چنین مسئله‌ای خوشحال نمی‌شود، ولی این را هم در نظر می‌گیرم که فیلم، زندگی و همه‌چیز من همین‌جاست ولی برای یکسری از آدم‌ها برعکس است و این عجیب نیست که برعکس باشد. من متوجه می‌شوم که ممکن است بازی در این فیلم برای کسی که در ایران است مسئله‌دار شود.

نکته مهم فیلم شما این است که زندگی واقعی را خیلی خوب بازتاب می‌دهد؛ یعنی هر کس در داخل ایران این فیلم را ببیند متوجه می‌شود خیلی واقعی و ملموس است. سؤال بعدی این است که انتخاب بازیگران چرا این‌قدر خوب بود؟ یکی از شگفت‌انگیزی‌های کار شما همین انتخاب بازیگران‌تان است. چون به هر حال یکی از مشکلات کارگردان‌هایی که می‌خواهند خارج از ایران کار کنند این است که بازیگران حرفه‌ای داخل ایران (به‌خصوص خانم‌ها، مردها وضعیتشان بهتر است) حاضر نمی‌شوند کار کنند. مثلاً اولین فیلمی که گلشیفته فراهانی در خارج از ایران بازی کرد («یک‌مشت دروغ» ساخته‌ی «ریدلی اسکات») در فیلم نقش پرستاری به نام «عایشه» را بازی می‌کند و روسری به سر داشت ولی باین حال تحمل نکردند در حالی که آقای پیمان معادی در یک فیلم هالیوودی بازی کرده و هیچ کاری هم به کارش نداشتند... همین موضوع هم جالب است که چطور هنرپیشه‌های مردم می‌توانند در فیلم‌ها هر کار دلشان بخواهد انجام دهند فقط کافی است صحنه سکسی

بنابراین آن بازیکن نباید در صحبت کردن فارسی لهجه داشته باشد.

نگاه من به موضوع به این صورت بود که من دارم یک فیلم علمی تخیلی فارسی با یک قبیله مثلاً آواتار می‌سازم. چون معمولاً مشکل اصلی فیلم‌های ایرانی که در خارج از ایران ساخته می‌شوند این است که همان‌طور که گفتید بسیاری از ایرانی‌ها (تقریباً ۹۰ درصد) همکاری نمی‌کنند و اکثر آن درصد باقیمانده در لوس آنجلس هستند. مثلاً سریال تهران که البته من ندیدمش...

از این نظر خیلی بد است!

بله اگر اشتباه نکنم آن موقع برای این سریال به من پیشنهاد شد و من گفتم چرا باید برای دولت پروپاگاندای اسرائیل کار کنم، برای دولت ایران ساختم که بروم برای اسرائیل بسازم؟!

البته این فیلم پروپاگاندای دولت ایران است چراکه این طرفی‌ها را بسیار خوب نشان می‌دهد!

اتفاقاً این به نظر من نوع جدید پروپاگاندای هالیوودی است. مثلاً می‌گویند پدرت را درمی‌آورند ولی آدم‌های

نداشته باشد و چهارچوب‌های رایجی که وجود دارد ولی اگر هنرپیشه زن همان کار را بکند دیگر نمی‌تواند برگردد!

به سؤال برگردیم؛ همه بازی‌ها در فیلم شما خوب بود که بخشی از آن به توانایی‌های خودت بازمی‌گردد ولی از طرف دیگر باید جوهرهایی وجود داشته باشد. از زهرا امیرابراهیمی (زر) امیرابراهیمی) که بگذریم که البته سال‌ها بود بازی نکرده بود، بقیه اعضا هم خوب بودند.

اینجا چند مسئله مطرح است؛ اول این که دیدید که مثلاً نصف اعضا تیم ملی فوتبال ما خارجی هستند...

بخشید میان کلامتان، همان‌طور که شما هم بهتر از من می‌دانید فرق تیم ملی فوتبال با بازی این است که کسی که می‌خواهد فارسی حرف بزند نباید لهجه داشته باشد. وقتی بنای ما بر این است که فیلمی بسازیم که در ایران گذشته و این‌ها مردم ایران هستند

خوبی هستند. جوهر و نگاه آن فیلم این است که اسرائیلی‌ها آن قدر تکنولوژی و شعورش از ما بیشتر است که هر کاری بخواهند انجام می‌دهند ولی ما هم آدم‌های بدی نیستیم.

من به این موضوع این‌طور نگاه کردم که چطور یک شخص استرالیایی می‌آید و لهجه تگزاسی یاد می‌گیرد! این به‌صورت کار است به اینجا می‌آیی، دیالوگ کج داری، روی آن کار می‌کنی و یکسری از مراحل را می‌روی تا به اینجا برسی. ما هم پیش خودمان مشخص کردیم، در درجه اول لهجه‌ای که روی آن کار می‌کنیم لهجه خراسانی مشهد و اطراف آن است. بعد از آن مشهد یک شهر خیلی بزرگ است و همه کسانی که داخل مشهد هستند مشه‌دی صحبت نمی‌کنند ترک، عرب، یزدی و غیره هم هستند. مثلاً آلیس (رحیمی) نقش سمیه را بازی می‌کرد و پدرش یکی از فیلم‌سازهای برجسته افغانستان است، خود او در اصل فرانسوی است ولی فارسی دری به گوشش خورده. من تلفظ خیلی از جمله‌ها را از پدرش پرسیدم بعد با آلیس نشستیم و آن‌ها را مرور کردیم، او معنی‌شان را می‌دانست ولی یکسری چیزها را به‌صورت فونتیکی یاد گرفت و با تمرین توانست آن لهجه را پیدا کند. من می‌دانستم این چیزها محدودیت دارد، مثلاً آلیس نمی‌تواند improvisation (بدیه‌گویی) کند، ولی او هنرپیشه است و کارش همین است که خودش را جای آدم دیگری بگذارد. من این‌طور فکر نکردم که او افغان است و حتماً لهجه و تلفظ و همه چیز را به‌راحتی یاد می‌گیرد...

ولی خیلی خوب بود؛ ببینید در بعضی از این فیلم‌ها آدم می‌بیند طرف یک جمله می‌گوید ولی همان یک جمله را آن قدر بد می‌گوید که همه ذهنیت تو را در مورد فیلم به هم می‌ریزد.

درست است؛ کار من همین است که به جزئیات دقت کنم. اگر این کار را هم نتوانم درست انجام دهم دیگر باید تعطیلش کنم.

شما خیلی خوب توانستید این کار را بکنید .

سپاس! موضوع دیگری که می‌خواستم بگویم این است که کار کست با من واقعاً کار سختی است و خودم هم این را می‌دانم. مثلاً دو سال طول کشید تا فیلم «مرز» را کست کردیم. چراکه اصلاً ۹۰٪ شیوه کار من این است که آدم‌ها را پیدا می‌کنم، با آن‌ها قرارداد می‌بندم، فیلم‌نامه می‌نویسم، آن‌ها

آماده می‌شوند و ۱۰٪ باقیمانده هم روی صحنه است؛ یعنی روی صحنه به این صورت نیست که من یک شگرد یا چوب جادو دارم که تکانش دهم و این‌ها سر جای خود قرار بگیرند. این است که پیدا کردن آن آدم بسیار اهمیت پیدا می‌کند و ما کم‌کم سه سال وقت گذاشتیم و دنیا را تکاندیم تا افراد موردنیاز را پیدا کردیم.

یک موقع می‌بینیم که طرف مثل آرش (آشتیانی در نقش شریفی) خودش دست‌اندرکار این حرفه است، یک‌وقت هم مثلاً آشنای من در دانمارک است که دو تا کیوسک دارد، ولی می‌دانستم این ظرفیت را دارد پس او را تست کردم و دیدم به درد این کار می‌خورد.

من فکر می‌کنم اگر در کستینگ باید این صحنه دربیاید خوب درمی‌آید و اگر همان مورد در کستینگ درنیاید روی صحنه هم درست در نمی‌آید؛ بنابراین همیشه در کستینگ‌هایم چندین بار بچه‌ها را زحمت می‌دهم که بیایند و تمرین کنند. روند پیشرفت کستینگ برای من به روند روی صحنه مرتبط است.

واقعاً می‌گویم اگر آدم، همراهی مثل خود زری (زهرا امیرابراهیمی) داشته باشد و تهیه‌کنندگانی که متوجه باشند بزرگ و معروف بودن و سرعت در کار زیاد هم مهم نیست و کمی هم شانس داشته باشد کارش درست پیش می‌رود. مثلاً مصباح (مصباح طالب در نقش علی) با این همه استعداد را واقعاً شانس آوردیم که پیدا کردیم. آن هم در حقیقت مجید مجیدی برای من پیدا کرد؛ یعنی مجید مجیدی او را برای یکی از فیلم‌هایش که بچه‌های دبیرستانی را کست کرده بود و نمی‌دانم به چه دلیل مصباح را برنداشته بود، حالا یا سنش یا هر دلیل دیگر.

او الآن کجاست؟

دقیقاً نمی‌دانم مصباح الآن کجاست! ولی می‌خواهم بگویم که ما شانس آوردیم وقتی داشتیم دنبال چنین شخصیتی می‌گشتیم یک نفر او را برایمان پیدا کرد. مثلاً یک نمونه کستی دیگر، ما خیلی از بچه‌ها را در اینجا چک کردیم ولی من در مورد او به زری گفتم بعید می‌دانم بچه‌ای که با منتالیتی اینجا بزرگ‌شده یک سری چیزهایی که این‌ها می‌فهمند بفهمد! یکسری تجربه‌های زندگی مثل زندگی کردن در شهرستان یا در فضای محدود یا مثلاً لهجه را درست بتواند پیاده کند. خیلی سخت است بتوانید یک بچه ۱۶ ساله پیدا کنید که از لحاظ تکنیک، بازی قوی باشد. این است که یکسری جاها باید به‌قول معروف اصل جنس را پیدا می‌کردیم.

در مورد آقای بجستانی و خانم امیرابراهیمی چه فکر می‌کنید.

مثل این می‌ماند که آدم بخواهد بگوید دخترش بهتر است یا پسرش! این است که نمی‌توانم در موردشان ابراز نظری کنم، ولی از آنجایی که زری (امیرابراهیمی) جایزه‌اش را گرفت و مطرح شد، مهدی (بجستانی) کمی در این قضیه گم شد. گاهی اوقات که این صحنه‌ها را می‌بینم مهدی واقعاً در این کارا کتر حل شده است!

بازی‌اش فوق‌العاده بود!

بله واقعاً و غیر از صحبت‌هایی مثل سیاست و... من فکر می‌کنم اگر دوباره زمان به عقب برگردد و دوباره من ۳۰۰ نفر را کست کنم و هر کاری بکنم، باز هم اگر مهدی از در وارد شود انتخاب می‌شود. مهدی دقیقاً همان کاراکتری بود که باید می‌بود؛ هم در آنجا زندگی می‌کرد، هم تجربه آن زندگی را دارد، هم بازیگر ماهری است و هم از هر لحاظ آدمی عالی بود؛ یک هنرمند واقعی یعنی می‌آمد سر صحنه کارش را می‌کرد و می‌رفت نه داستانی داشت و نه حرف‌وحديث و ادعایی و واقعاً از دید من یک بازیگر ایده‌آل است. می‌خواهم بگویم مهدی بهترین گزینه‌ای بود که می‌توانست آن تصویر دو بعدی داخل نوشته‌ها را به یک آدم واقعی تبدیل کند.



درباره اسپانسر
این مقاله توسط
خانم دکتر پروانه
والی مدیریت
داروخانه World در

تورن‌هیل پشتیبانی شده است.

ایمیل: Parvaneh.vali@gmail.com

تلفن: ۹۰۵۵۹۷۵۱۵۰

فکس: ۹۰۵۵۹۷۵۱۵۳

نشانی: World on Yonge

درباره نویسنده:

مصطفی عزیزی، کارگردان،

تهیه‌کننده و

نویسنده سینمایی است.

اینستاگرام:

mostafaazireviews





فروشگاه دانیکا افتتاح شد

انواع آجیل و محصولات ایرانی، برنج، کنسرو، سبزیجات خشک
انواع چای و دمنوش ایرانی



با قهوه و شیرینی
مهمان ما باشید

5571 Boul. de la Verendrye Montreal, QC H4E 3R6



A Plus Quality Nuts

وارد کننده خشکبار

توزیع کننده مواد غذایی ایرانی به صورت عمده و خرده فروشی



تلفن : 514-691-0002

اینستاگرام : @aplusqualitynuts

شنبه تا سه شنبه: ۹:۰۰ تا ۱۸:۰۰
چهارشنبه تا جمعه: ۹:۰۰ تا ۲۱:۰۰

1605 Louvain O, Montreal, H4N 1G6 دارای پارکینگ VISA Mastercard

بهروز باباخانی

Behrooz Babakhani

مشاور رسمی وام مسکن،
بیمه و برنامه‌های بازنشستگی

با بیش از ۱۴ سال سابقه موفق
در زمینه تهیه وام مسکن
در استان کبک

Mortgage Broker &
Financial Security Advisor

Behrooz@Babakhani.ca

514-606-5626



محمد تائبی

مشاور بیمه

Mohammad Taebi

Personal-lines Damage Insurance Broker, MIA

• بیمه منزل

• بیمه موتور

• بیمه اتومبیل

• بیمه مالکان خانه در برابر

کلاهبرداری

بهترین بیمه‌نامه را از
بین شرکت‌های مختلف بیمه می‌خواهید؟

با من تماس بگیرید!



514-866-BIME 800-361-1321 Ext:321



Mohammad.Taebi@jgfortin.com





استخدام

موسسه خدمات خانگی، یک شرکت کانادایی-کره‌ای با ۱۰ سال سابقه، استخدام می‌کند:
ما به تعدادی نیروی کار متعهد نیاز داریم و پرداخت ما عالی است.

- نوع کار: تمیزکاری منازل، نگهداری از کودکان و سالمندان و...
- شکل کار: فردی، تیمی یا خانوایی
- مشتریان: ۹۰ درصد کانادایی و ۱۰ درصد آسیایی متمدول
- ساعات کاری: روز یا شب، کاملاً منعطف

باحقوق عالی (به صورت نقدی یا چک)

Hiring by: Family Care Services
Please contact Ms. Anna Lee
514-690-7005
Resumes to:
4familycareservices@gmail.com

ROYAL LEPAGE
Du QUARTIER
AGENCE IMMOBILIÈRE

نازک سلیمانپور

مشاور رسمی املاک مسکونی در استان کبک

- ارزیابی رایگان ملک برای فروشندگان
- مشاوره رایگان برای خریداران
- همکاری با تیم حرفه ای جهت اخذ وام مسکن

(438) 872-7373



Nazak Soleimanpour

Courtier Immobilier Résidentiel
Residential Real Estate Broker

✉ soleimanpournazak@royalpage.ca

Office: 6971 Ch. Côte-de-Liesse, #C, Montréal (St-Laurent), QC H4T 1Z3

وکیل رسمی دادگستری کبک

Niousha Riahi LL.B., J.D., LL.M



Riahi Legal

نیوشا ریاحی

WWW.RIAHILEGAL.COM



مشاوره آن لاین و یا حضوری در دفتر ما
در مرکز شهر مونتreal

514-953-3570

RIAHI@RIAHILEGAL.COM

2001 Blvd. Robert Bourassa #1700 Montréal, Quebec H3A 2A6

+989912535922 تماس از تهران

- ✓ حقوق تجاری
- ✓ حقوق خانواده در کبک
- ✓ طرح دعاوی و دفاع در دادگاه های کبک
- ✓ مهاجرت به کانادا

آنچه رویای شماست، تلاش من خواهد بود

مشاور املاک مسکونی و تجاری

خریده، فروش، پیش فروش و اجاره کلیه املاک
مسکونی، تجاری و صنعتی
خرید و فروش بیزنس ها
کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ بهره
همراهی در کلیه امور مربوط به محضر



هلیا حارنی دوست

(514) 996-1065

helia_realtorIntl

helia@londonogroup.com

GRUPE IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC

Proxim

داروخانه پروکسیم شادی کبک



بیست سال تمام در خدمت جامعه ایرانی

در خیابان سن لوران

PROXIM PHARMACIE CHADI KABAK



دلیوری رایگان به منزل شما
در سراسر منطقه مونتreal بزرگ، لاول و ساوث شور

دسترسی شما به دارو همه روزه
و شبانه روزی توسط صندوق های هوشمند ما

Tel: (514) 288-4864

Fax: (514) 288-4682

4084 Saint-Laurent Blv, Montreal, Qc H2W 1Y8

kabakc@groupeproxim.org



گفتوگوی
ویژه





دیوید وست، شهردار ریچموند هیل در گفت‌وگوی اختصاصی با هفته: از حضور مرتضی طلائی در ریچموند هیل شگفت‌زده شدم

مهم است. من گفته‌ام در طول سالیان متمادی که در ریچموند هیل زندگی کرده‌ام، هرگز به یاد نمی‌آورم که گردهمایی در این اندازه دیده باشم. من خوشحال بودم که این اتفاق افتاد و فکر می‌کنم باید به برگزارکنندگان آن تبریک گفت. این یک گردهمایی پرمخاطب و پرمعنا بود و پلیس نیز عالی بود. آن‌ها همه‌چیز را برای همه ایمن نگه داشتند و همه‌چیز خیلی خوب پیش رفت.

آیا هیچ ایده‌ای دارید که در کشور ایران در حال حاضر چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟

در گردهمایی اول اکتبر مردم داستان‌های زیادی را درباره آنچه در ایران اتفاق افتاده بی‌عدالتی‌های رخ داده گفتند. جامعه ایران به حق از آنچه رخ داده خشمگین است. چیزهایی هست که شاید ما در کانادا آن را بدیهی می‌دانیم که مثلاً در صلح و امنیت زندگی کنیم اما این‌ها در حال حاضر در ایران اتفاق نمی‌افتد و مردم بسیار نگران این موضوع هستند. این‌ها چیزهای اساسی است که ما زندگی خود را بر آن بنا می‌کنیم و باید وجود داشته باشند. درباره دولت هم شما باید مطمئن شوید که آن‌ها از اصولی پیروی می‌کنند که باعث می‌شود مردم در زندگی خود احساس امنیت کنند.

وست در این گفت‌وگو اشاره کرده کاهش مالیات با توجه به فشارهای مالی این روزها بر زندگی مردم، مسکن مقرون‌به‌صرفه، امنیت و کاهش جرائم، ایمنی جاده‌ها، کاهش ترافیک، محیط زیست و بهره‌برداری از تنوع فرهنگی ریچموند هیل از اولویت‌های او برای حضور در انتخابات شورای شهر و شهرداری و ادامه کارش در شهرداری ریچموند هیل است.

وست همچنین برخی اختلافاتش به‌ویژه در حوزه مسکن را با دولت استانی انتاریو و داگ فورد انکار نکرده اما گفته است صرف‌نظر از اختلاف‌ها باید شهرداری و دولت استانی با هم کار کنند زیرا در نهایت هر دو در قبال شهروندان ریچموند هیل مسئولیت دارند. متن کامل گفت‌وگوی هفته با وست را بخوانید:

آقای دیوید وست من شما را در تظاهرات اول اکتبر در ریچموند هیل دیدم. از احساس خود درباره آن روز بگویید؟ آیا تا به حال چنین جمعیتی را یکجا دیده بودید؟

نه، من قبلاً هم گفتم رویداد بسیار جالبی بود. اولین تخمین این بود که ممکن است چند هزار نفر باشند؛ ۱۰۰۰۰ نفر یا ۱۵ یا ۲۰ هزار نفر اما من فکر می‌کنم در آنجا بیش از ۵۰ هزار نفر بود. می‌دانید؛ من واقعاً تعجب نکردم چون می‌دانم اتفاقی که افتاده برای جامعه ایرانی بسیار

گفت‌وگوی ما با دیوید وست شهردار فعلی منطقه ریچموند هیل چند روز قبل از انتخابات شورای شهر و شهرداری این منطقه انجام شده است.

وست از ژانویه ۲۰۲۲ به‌عنوان شهردار ریچموند هیل انتخاب شده و به دلیل سال‌ها فعالیت در کسوت صاحب یک کسب‌وکار، ریاست اتاق بازرگانی ریچموند هیل و ۳۰ سال زندگی، شناخت خوبی از ریچموند هیل دارد.

از اعتراض‌ها در ایران که با کشته شدن مهسا امینی توسط گشت ارشاد آغاز شده گفته است که کانادایی‌ها در امنیت و صلح زندگی می‌کنند و آن‌ها را امور بدیهی می‌دانند اما همین بدیهیات در ایران وجود ندارد و مردم را بسیار نگران کرده است.

او همچنین درباره حضور مرتضی طلائی، رئیس سابق پلیس تهران در ریچموند هیل گفته: «درواقع من از این موضوع آگاه نبودم و قبلاً در مورد آن چیزی نشنیده بودم، بنابراین واقعاً نمی‌توانم در مورد آن اظهار نظر کنم. فقط می‌توانم بگویم از شنیدن خبر آن شگفت‌زده شدم.»

شهردار ریچموند هیل درباره پیگیری طرحی که مرجان کثیرلو از فعالان جامعه ایرانیان داده تا با توجه به حجم زیاد اخبار دردناکی که ایرانیان این روزها از کشورشان می‌شنوند برای آن‌ها خدمت سلامت روان فراهم شود گفته است که طرح کثیرلو؛ طرح خوبی است و شهرداری در حال بررسی آن است.

معتقدم که گرد هم آوردن مردم و آشنا ساختن مردم با یکدیگر و غنی‌سازی فرهنگ دیگران راهی است که باید طی کرد. و بنابراین ما استراتژی تنوع، برابری و شمول را در شورای شهر ریچموند هیل به تصویب رساندیم. من واقعا سخت کار کردم تا آن ابتکار را پیش ببرم اما این فقط یک شروع است و راهی طولانی در پیش.

به افزایش جرم اشاره کردید. بسیاری از ایرانیان نگران این مسئله هستند. به طور مشخص درباره این موضوع چه خواهید کرد؟

بله. من فکر می‌کنم شما هم می‌دانید که تعداد زیادی قطعه وجود دارد که باید با هم ترکیب شوند تا با موفقیت به موقعیت‌هایی مانند کاهش جرم برسیم که واضح‌ترین آن‌ها پلیس است. منظورم این است که شما می‌دانید یکی از مسئولیت‌های اصلی پلیس رسیدگی به مسائل مربوط به جرم در صورت وقوع است. بنابراین ما باید مطمئن شویم که بودجه اداره پلیس و منابع آن‌ها را به درستی تأمین می‌کنیم. در عین حال نکات دیگری هم مربوط به جلوگیری از وقوع جنایت است از جمله برنامه‌های آموزشی و برنامه‌های اجتماعی برای کمک به جوانان تا به جای منحرف شدن راه درستی در زندگی پیدا کنند. اما هیچ یک از این موارد به‌صورت جداگانه مشکل را حل نمی‌کند و من و شما متخصص آن موضوع نیستیم. من می‌دانم که احتمالاً ده‌ها چیز وجود دارد که باید به یک‌باره اتفاق بیفتد و این یک تمرین دائمی است.

به نظر شما مهم‌ترین گامی که می‌تواند یک تغییر اساسی در ریچموند هیل ایجاد کند، چیست؟

اوه! شما می‌دانید این کمی خنده‌دار است زیرا من در این مدت در تمام مصاحبه‌هایی که انجام داده‌ام؛ مردم می‌خواهند پاسخ این پرسش را بدانند. با تمام احترام اما من فکر می‌کنم چیزهای زیادی وجود دارد که به‌اندازه هم مهم هستند و ما باید همه آن‌ها را با هم انجام دهیم، من فکر می‌کنم ما باید رشد را در جایی قرار دهیم که به آن تعلق دارد و نیازی نیست که رشد را در جایی قرار دهیم که به آن تعلق ندارد، زیرا این به ارزش جامعه چیزی اضافه نمی‌کند. باید برنامه‌ای را دنبال کنیم که رشد را در جایی قرار دهد که رشد مفید باشد و ما آن برنامه را

جمعیتی به بزرگی گردهمایی ایرانیان تورنتو در اول اکتبر ندیده بودم

باید برای مردم مالیات را کاهش و
مسکن مقرون‌به‌صرفه را افزایش
دهیم

مقرون‌به‌صرفه بودن یک چالش است از جمله درباره مسکن. می‌دانید، ما افراد زیادی از طیف‌های مختلف درآمدی داریم که باید موضوع مسکن آن‌ها را در نظر داشته باشیم. این یک موضوع توسعه اقتصادی است. می‌دانید که مجموعه‌های تجاری به کارمندی نیاز دارند که نزدیک به محل کارشان زندگی کنند، اما این یک مسئله اجتماعی نیز هست و حل آن آسان نیست. به هر حال ما باید آن را انجام دهیم. من فکر می‌کنم امنیت جامعه هم فوق‌العاده مهم است. شما می‌دانید که در طول چند سال اخیر متأسفانه انواع خاصی از جرائم رخ داده که باید به آن رسیدگی شود و ما باید مطمئن شویم که ادارات پلیس و سایر سازمان‌های مسئول این توانایی را دارند ما را ایمن نگه دارند از جمله در آتش‌نشانی. ایمنی جاده‌ها نیز مهم است، جوامع در حال رشد را می‌شناسید، خودروهای بیشتری در جاده‌ها وجود دارد، که این یعنی احتمال تعاملات بد بیشتر می‌شود؛ بین ماشین و ماشین و ماشین و دوچرخه‌سوار و ماشین و دوچرخه و... اما من فکر می‌کنم که ما واقعا باید به تمام الگوهای ترافیکی در سراسر شهر نگاهی دقیق بیندازیم و شروع به یافتن ابزارهای بهتر در جعبه‌ابزار خود برای مقابله با مشکلات ترافیکی کنیم. داشتن یک محیط سالم هم فوق‌العاده مهم است. ما همیشه در مدیریت محیط زیست در ریچموند هیل خوب بوده‌ایم اما می‌دانید که این موضوع در آینده نیز مشکل‌ساز خواهد بود و به‌ویژه در مواردی مانند تغییرات آب و هوایی و طوفان‌های بزرگ‌تر و... من همچنین به طور عمیق به نقش هنر و فرهنگ معتقدم. می‌دانید که ما قبل از شروع مصاحبه با هم گفت‌وگو کردیم و من اشاره کردم که غذا افراد را به لحاظ فرهنگی دور هم جمع می‌کند. همچنین ما می‌دانیم در یک جامعه فرهنگی بسیار متنوع زندگی می‌کنیم و گرد هم آوردن مردم نقطه قوت ماست. می‌دانید که اگر از نظر توسعه اقتصادی نیاز به تماس در هر کشوری داشته باشیم، احتمالاً فرد مؤثری در ریچموند هیل داریم که می‌تواند این ارتباط را برقرار کند. من واقعا

آیا تا به حال نام مرتضی طلائی را شنیده‌اید؟ او یکی از بنیان‌گذاران گشت ارشاد (پلیس اخلاقی) در ایران است و احتمالاً می‌دانید کمتر از یک سال پیش او در ریچموند هیل بود و ویدیویی از ورزش کردن او در یک باشگاه ورزشی منتشر شد. آیا شما از موضوع اطلاع داشتید؟

درواقع من از این موضوع آگاه نبودم و قبلاً در مورد آن چیزی نشنیده بودم، بنابراین واقعا نمی‌توانم در مورد آن اظهار نظر کنم. فقط می‌توانم بگویم از شنیدن آن تعجب کردم.

از خانم مرجان کثیرلو که یکی از فعالان جامعه ایرانیان کانادا است؛ شنیدیم که از شما درخواست کرده با توجه به حجم زیاد اخبار دردناکی که ایرانیان این روزها از کشورشان می‌شنوند برای آن‌ها خدمت سلامت روانی فراهم کنید. آیا گامی برداشته شده است؟

بله من به‌تازگی با مرجان کثیرلو صحبت کرده‌ام و فکر می‌کنم او به نکته خوبی اشاره کرده و این چیزی است که من مطمئناً فکر می‌کنم باید به دنبال آن باشیم. یکی از وظایف دولت‌های شهری و منطقه‌ای در یورک فراهم کردن این حمایت‌ها برای افرادی است که این نوع موارد را تجربه می‌کنند. اینها دقیقاً همان چیزهایی هستند که، یک اداره بهداشت عمومی منطقه‌ای یا یک دولت شهری باید برای آن‌ها تأمین کند. بنابراین من قطعاً به دنبال این خواهیم بود. ما باید این پیشنهاد را بررسی کنیم و کارکنان من در حال حاضر دقیقاً همین کار را انجام می‌دهند.

آقای وست به نظر شما شهر ریچموند هیل این روزها چه نیازهای و اولویت‌هایی دارد؟

من در پلتفرم خودم به هفت مسئله اشاره کردم که باید آن‌ها را مدیریت کنیم. اولین و مهم‌ترین چیزی که من از مردم می‌شنوم موضوع مالیات است از این جهت که در حال حاضر بر خانواده‌ها از جهت هزینه‌های مالی از جمله هزینه گاز و سوخت فشار زیادی وارد می‌شود و ما هم همین فشار را در شهرداری‌ها تجربه می‌کنیم. منظورم این است که بسیاری از صورت‌حساب‌هایی که خانواده‌ها دارند؛ بنابراین ما باید مالیات‌ها را به اندازه خودمان پایین نگه داریم زیرا خانواده‌ها واقعا قادر به تحمل آن نیستند. از طرفی من فکر می‌کنم در حال حاضر

گفت‌وگوی لاپرس با هما هودفر درباره تحولات ایران: نگاه کلیشه‌ای غرب به زنان خاورمیانه، برای من همیشه عجیب بوده



شدن مه‌سای ۲۲ ساله، شعله‌های قیام در ایران به‌رغم سرکوب شدید همچنان ادامه دارد. خانم هودفر می‌گوید: «خشونت‌ها در ایران واقعاً برای من نگران‌کننده است. از یک‌طرف، دیدن این همه زن و مرد جوان که در کنار هم برای احقاق حقوق بنیادین زنان به خیابان‌ها می‌آیند و شعار «زن، زندگی، آزادی» سر می‌دهند، هیجان‌انگیز است. این نشان‌دهنده بلوغ فرهنگ سیاسی جامعه ایران است. از سوی دیگر، من می‌دانم که این رژیم تا چه حد می‌تواند دست به وحشیگری و خشونت بزند.»

هما هودفر تحولات و اوضاع کنونی ایران را یک نقطه عطف مهم در تاریخ مدرن ایران می‌داند. به گفته او، از زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۹ سه نسل طول کشید تا این دگرگونی در فرهنگ جمعی سیاسی ایران شکل بگیرد.

خانم هودفر می‌گوید جوانان ایرانی که امروز فریاد اعتراضشان در خیابان‌های ایران طنین

آخرین بار که هما هودفر را ملاقات کردم، زمانی بود که او به گفته خودش یک دوره جهنمی را پشت سر گذاشته بود. آن دیدار به اکتبر سال ۲۰۱۶ برمی‌گردد. این پژوهشگر انسان‌شناس ایرانی-کانادایی که در مونترال زندگی می‌کند، در آن زمان به اتهام یک رشته اقدامات فمینیستی یک دوره تاریک و دردناک را در زندان اوین تهران سپری کرده بود.

اکنون با گذشت شش سال، ایران صحنه یکی از بزرگ‌ترین جنبش‌های اعتراضی است که در پی کشته شدن مهسا امینی در بازداشت پلیس ارشاد تهران به اتهام پوشش نامناسب شکل گرفت. بسیار مایل بودم بدانم هما هودفر به‌عنوان یک کارشناس و پژوهشگر مطالعات فمینیستی درباره جنبش اعتراضی کشورش که با کشته شدن ده‌ها دختر و پسر جوان همچنان ادامه دارد، چه دیدگاهی دارد. خانم هودفر که به گفته خودش با نگرانی و البته با امید تحولات کشورش را دنبال می‌کند، معتقد است که با گذشته بیش از چهار هفته از کشته

داریم. این برنامه رسمی ماست. ما در حال حاضر روی آن کار می‌کنیم و در این دوره شورای شهر تکمیل خواهد شد. به طور خلاصه، مورد دیگری که قبلاً به آن اشاره کردم، مقرون‌به‌صرفه بودن مسکن بود. من می‌دانم که این چیزی نیست که بیشتر مردم بخواهند در مورد آن صحبت کنند. اما من واقعاً معتقدم که بدون پرداختن به موضوع مقرون‌به‌صرفه بودن مسکن به مسکن‌سازی ادامه دهیم در آینده با نتایج منفی روبرو خواهیم شد. در عین حال باید توجه کنیم که اگر شرایطی ایجاد نشود که افراد شاغل در ریچموند هیل در جایی نزدیک آن زندگی کنند؛ کسب‌وکارها متضرر خواهند شد و ما هم متضرر خواهیم شد.

مردم از اختلاف‌نظرهای شهرداری ریچموند هیل با دولت استانی می‌پرسند؟ داستان این اختلاف‌نظرها چیست؟

من فکر می‌کنم دولت فعلی و سایر دولت‌های استانی که ما داشته‌ایم، رک و پوست‌کنده، مسئول بسیاری از چیزهایی هستند که امروز وجود دارد. شکی نیست که تمرکز دولت روی ایجاد مسکن زیاد است و مکان‌هایی برای زندگی مردم در آینده پیدا می‌کند و بسیاری از چیزهایی که ما در مورد آن‌ها با هم صحبت کردیم از جمله در مورد مقرون‌به‌صرفه بودن مسکن. به هر حال کارهایی است که این دولت انجام داده و من با آن موافق نیستم و شما می‌دانید که وظیفه من به‌عنوان شهردار این است که به طور خاص به منافع جامعه خودم توجه کنم، من فکر می‌کنم که در مقیاس بزرگ‌تر، دولت استانی و فدرال هم به نوعی دیگر در تلاش برای انجام این کار هستند و من با آن مخالف نیستم اما سؤالاتی درباره جزئیات نحوه اجرای برنامه‌های آن‌ها وجود دارد. به هر حال شکی وجود ندارد که ما باید در آینده با رشد سازگار باشیم. هیچ شکی وجود ندارد که ما باید مسکنی را فراهم کنیم که برای افراد بیشتری مقرون‌به‌صرفه باشد و در این حوزه‌ها اختلافی نیست اما درباره راه‌های رسیدن به آن با برخی از جزئیات موافق نیستم. صرف‌نظر از این ما باید با دولت استانی کار کنیم زیرا در نهایت شهروندان ریچموند هیل افرادی هستند که من مسئول آن‌ها هستم و همچنین دولت فورد مسئول آن‌هاست و ما در واقع برای آن‌ها کار می‌کنیم.

آقای دیوید وست برای وقتی که در اختیار هفته گذاشتید از شما سپاسگزاریم.

افکنده است، چه مذهبی و چه غیرمذهبی دوست دارند آن‌طور که می‌خواهند زندگی کنند. آن‌ها نمی‌خواهند دولت در شیوه زندگی آن‌ها دخالت کند. آن‌ها آن‌قدر که طرفدار یک دولت سکولار هستند، مخالف دین و مذهب نیستند.

این انسان‌شناس ایرانی تأکید می‌کند امروز در خیابان‌های ایران زنان محجبه و زنان بی‌حجابی را در کنار هم می‌بینیم که به وضعیت موجود اعتراض دارند. خواسته اصلی همه آن‌ها این است که آن‌ها باید اجازه داشته باشند برای خودشان تصمیم بگیرند و حکومت دیگر مسائل مربوط به بدن یا حقوق فردی آن‌ها دخالت نکند.

درست است که در گذشته نیز جنبش‌های اعتراضی دیگری در ایران دیده شده است، اما این جنبش به خاطر جنبه وحدت‌بخش خود متمایز است. این جنبش زنان و مردان ایرانی را از همه طبقات اجتماعی، از شهرهای بزرگ و کوچک و از گروه‌های قومی مختلف گرد هم آورده است و خواسته‌های معترضان بسیار فراتر از اعتراض به حجاب اجباری است که رژیم حاکم از آن به‌عنوان نمادی برای تحمیل هویت و ایدئولوژی خود بر بدن زنان انتخاب کرده است.

هما هودفر همیشه از تصویر کلیشه‌ای و همیشگی غرب از زن ایرانی به‌عنوان یک «موجود درمانده و مطیع» که در انتظار نجات و رهایی است، ابراز خشم کرده است. خانم هودفر در سال ۱۹۵۱ در تهران در خانواده‌ای متوسط به دنیا آمد و در محیطی که توسط الگوهایی از زنان بسیار قوی محصور شده بود، رشد کرد.

او می‌گوید: «برای من، نگاه کلیشه‌ای غرب به زنان خاورمیانه به‌عنوان قربانی همیشه عجیب و غریب بوده است. نه مادر بزرگم، نه مادرم و نه خاله و عمه‌هایم هیچ‌کدام زن‌های مطیع نبودند!»

پدر خانم هودفر یک روشنفکر و شاعر ملی‌گرا و فمینیست بود که در جنبش ضد بریتانیایی شرکت داشت. مادرش اما به جنبه معنوی اسلام صوفیانه علاقه داشت. البته او چادر سر نمی‌کرد، دخترانش هم همین‌طور. او می‌گوید: «یادم هست یک‌بار به یک مهدکودک رفتم و از من خواستند چادر سر کنم اما پدرم عصبانی شد.»

والدین هما هودفر که اندیشه‌های سکولار داشتند، فرزندان خود را تشویق کردند که به عقاید یکدیگر احترام بگذارند. او می‌گوید: «مایه تأسف است که امروزه پذیرش سکولاریسم به معنای بی‌دین بودن یا ضد دین بودن است. در آن زمان، سکولاریسم فقط به این معنی بود که شما نمی‌خواهید دین و

سیاست را با هم مخلوط کنید.»

فمینیسم در دهه ۱۹۶۰ و زمانی که هما ۹ سال بیشتر نداشت، وارد زندگی او شد. او از شنیدن سخنان معلمش مبهوت شد که می‌گفت: «دیوانه‌ها، جنایتکاران و زنان» در ایران حق رأی ندارند. او با اینکه سن و سالی نداشت اما اطمینان داشت که این حرف‌ها کاملاً اشتباه است. از خودش می‌پرسید چرا زنان نمی‌توانند رأی بدهند؟

اما این یک واقعیت بود. همای نوجوان در بازگشت به خانه، از پدرش پرسید که نظر او چیست. پدرش به او جواب داد که این کاملاً ناعادلانه است و او باید برای تغییر آن بجنگد.

پدرم به من گفت: «فعالاً درست را بخوان، بعداً مبارزه خواهی کرد. اما من گفتم نه نمی‌توانم منتظر بمانم، من می‌خواهم از همین حالا مبارزه کنم.»

سه سال بعد، در سال ۱۹۶۳، حق رأی به زنان ایرانی داده شد.

همای جوان در سال ۱۳۵۰ در سن ۲۰ سالگی برای ادامه تحصیل به انگلیس رفت. این تصمیمی بود که با تشویق والدینش گرفت چراکه آن‌ها می‌ترسیدند دختر سرکششان در ایران دچار مشکل شود.

هما در انگلیس با یک ایرانی ازدواج کرد که می‌خواست پس از اخذ مدرک دکترای به ایران بازگردد. چند ماه بعد، وقتی هما متوجه می‌شود که همسرش قصد ندارد به او اجازه ادامه تحصیل در انگلستان را بدهد، پای در مسیر طلاق می‌گذارد. هما می‌گوید: «باوجود اینکه طبق قوانین بریتانیا ازدواج کرده بودم، نمی‌توانستم بدون اجازه شوهرم این کشور را ترک کنم!»

این بی‌عدالتی با اینکه دو سال از عمر هما را در پیچ‌وخم‌های اداری و راهرو دادگاه‌های ایران تلف کرد، اما در عوض یک بیداری فمینیستی بزرگ برای او به ارمغان آورد: «من برای طلاقم یک جشن بزرگ برگزار کردم. روز بعد با مادرم به لندن پرواز کردم.»

بعد از انقلاب هنگامی که حجاب برای زنان ایرانی اجباری شد، هما متوجه شد که پدرش که به شدت مخالف رژیم اسلامی بود، درک و تشخیص درستی داشته است: پدرم به من می‌گفت تو نمی‌دانی چگونه حکومت می‌تواند دین را علیه مردم و به‌طور خاص علیه زنان به کار گیرد.

چگونه ممکن است در سال ۲۰۲۲ یک رژیم زن‌ستیز که حقوق نیمی از جمعیت خود را زیر پا می‌گذارد، برای مدتی طولانی بدون اینکه جامعه

بین‌المللی بتواند آن را اصلاح کند، دوام بیاورد؟ بخشی از پاسخ این سؤال در این واقعیت نهفته است که حقوق زنان اغلب توسط قدرتمندترین کشورها به‌عنوان یک دستاویز مورد استفاده قرار می‌گیرد بدون این‌که آن‌ها نسبت به این قضیه نگرانی واقعی داشته باشند. این کار به آن‌ها اجازه می‌دهد هر زمان که به نفع خودشان باشد، افکار عمومی را با خود همراه کنند. مثلاً وقتی آن‌ها می‌خواهند در افغانستان مداخله کنند، خیلی راحت می‌گویند برای زنان است.

هما هودفر که آرزوی دیدن جهانی است که حقوق بشر به‌طور عام و حقوق زنان به‌طور خاص بخشی از معیارهای اصلی آن در روابط بین کشورها باشد، از جنبش بین‌المللی همبستگی با زنان ایرانی استقبال می‌کند و برخلاف برخی اقدامات، نمادین گیسو بریدن زنان ایرانی و برخی شخصیت‌های مشهور خارجی مثل ژولیت بینوش را در همبستگی با زنان ایرانی به‌هیچ‌وجه تمسخرآمیز نمی‌داند.

هما هودفر در بخش سؤال‌های خودمانی هم خیلی راحت از خودش و علایقش می‌گوید.

نوشتندنی مورد علاقه شما چیست؟

من بیشتر چای و جوشانده گل سرخ می‌نوشم اما همیشه بوی قهوه را دوست داشته‌ام.

از افراد زنده یا مرده، دوست دارید چه کسی را سر میز خود داشته باشید؟

من خانواده، خواهرانم و دوستان فمینیستم را از سرتاسر جهان را که می‌توانند جنبه مثبت همه‌چیز را ببینند، گرد هم می‌آوردم. بعد از همه مشکلات و سختی‌هایی که از سر گذرانده‌ام (انقلاب، جنگ، تحولات، زندان)، باید ببینم چه چیزی در این دنیا زیباست تا بتوانم آنچه را که زیبا نیست، تغییر دهم.

کتاب به یادماندی که خوانده‌اید؟

کتاب «قرارداد جنسی» نوشته فمینیست بریتانیایی کارول پتمن، منتشرشده در سال ۱۹۸۸. این کتاب در مورد منشأ نابرابری جنسیتی و دلایل تداوم آن است.

فیلم مورد علاقه شما کدام است؟

چند تا هست اما می‌توانم بگویم دکتر ژیاگو (دیوید لین، ۱۹۶۵) که در نوجوانی دیدم، برایم جذاب‌تر بوده است. من این فیلم را ابتدا برای موسیقی آن دوست داشتم اما به این دلیل که این فیلم جنبه انسانی انقلاب را نشان می‌دهد، من را تحت تأثیر قرار داد.

منبع: وب‌سایت خبری لاپرس

BMO  **Bank of Montreal**

مهرداد مرادخانی
مشاور وام مسکن

با مناسب ترین نرخ بهره
و
در سریع ترین زمان ممکن
در سرتاسر کانادا

**Top Performer
of years
2020 & 2021**

514-834-8053
mehrdad.moradkhani@bmo.com



ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

**انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری
با توجه به انتخاب شما**

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزنس و انفرادی
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفتری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزنس

Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd.
Montreal, QC H4B 2L9

<http://elanaccounting.ca>
info@elanaccounting.ca



VANTAGE

همراه با شما در خرید آکاسانه
همکام با شما در فروش موفقیت آمیز

آتوسا تنگستانی فر
مشاور املاک و متخصص وام مسکن

سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

514 995 3041
atosa.tfar@gmail.com

8250 Boul. Décarie # 150
Montréal, QC H4P 2P5



نینوس گیورگیزنیا
مشاور املاک مسکونی و تجاری
عضو دائمی کانون بین المللی مهندسين نفت

Century 21
Century 21 Unique

- مشاوره و ارزیابی رایگان با تجربه های طولانی
بین المللی در امور سرمایه گذاری و مدیریت
- اخذ وام بانکی با بهترین نرخ و کمترین
پیش پرداخت حتی برای تازه واردین
- برای خرید ساختمان های مسکونی، تجاری،
صنعتی، هتل و مزرعه با ما تماس بگیرید.

برنده جایزه مشاوران موفق و شناخته شده املاک در سرتاسر کانادا

(514) 816-4080
Ninous Givargiznia B.Sc
Professional Real Estate Broker

(514) 916-1151
Amlie Hong

ngivargiznia@gmail.com
www.Century21.ca/ninous.givargiznia
203 Boul Hymus, Suite 208, Pointe - Claire, Qc, H9R1E9





سیاست
اقتصاد
جامعه

عصیان، انقلاب یا جنبش

اعتراض‌هایی که در هفته‌های اخیر در شهرهای مختلف ایران صورت گرفته است؛ از منظر جامعه‌شناسی تحولات سیاسی، چه نامی می‌توان به آن داد؟

تاکنون از این اعتراض‌ها، تحت عنوان انقلاب، جنبش و عصیان یاد شده است اما کدام یک از این نام‌گذاری‌ها تناسب عینی‌تری با آن دارد؟

پاره‌ای از محافل اپوزیسیون، اعتراض‌های خیابانی را مصداق انقلاب می‌دانند و هدف نهایی آن را براندازی نظام جمهوری اسلامی قلمداد می‌کنند.

شاید افراد خاصی با هدف انقلاب و براندازی در اعتراض‌ها حاضر شوند، اما درک عمومی جامعه‌ی ایرانی از این اعتراض‌ها، انقلاب نیست.

با هر شهروند عادی ایرانی که باب گفت‌گو گشوده شود، ابتدا بر این نکته انگشت می‌گذارد که انقلاب مستلزم وجود تشکیلات فراگیر، رهبری مشخص، حمایت بسیار گسترده و مؤثر توده‌های، پشتوانه‌ی مالی قدرتمند و رسانه‌ی تحت اختیار است که اعتراض‌های کنونی فاقد همه‌ی آن‌هاست و بنابراین، حتی اگر هدف برخی معترضان براندازی باشد با این وضعیت ره به جایی نمی‌برد.

درواقع ایرانیانی که انقلاب سال ۵۷ را از نزدیک تجربه کرده‌اند، هر حرکت مدعی انقلاب را با آن الگو مقایسه می‌کنند و چنانچه حرکتی فاقد ویژگی‌های آن الگو باشد، آن را قرین موفقیت نمی‌دانند.

برخی مدافعان بحث انقلاب بودن اعتراض‌های اخیر اما الگوی انقلاب‌های اصطلاحاً کلاسیک را منسوخ شده می‌دانند و بر این باورند که در دنیای کنونی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌توان اتحاد لازم را بین معترضان به یک نظام پدید آورد و علیه حکومت بسیج کرد بدون آنکه به یک تشکیلات مشخص سیاسی و یا رهبری واحد و شناخته شده نیاز باشد.

این بحث اما دواشکال مهم دارد. نخست آنکه نمونه‌ای از این نوع انقلاب‌ها در جهان یافت نمی‌شود که بتوان به آن استناد کرد. درواقع تاکنون جهان ما، انقلابی با این مشخصات تجربه نکرده است که بتواند قابل الگوبرداری باشد. مدافعان این بحث اما بعضاً به انقلاب‌های رنگی در برخی کشورهای حوزه‌ی اوراسیا یا بعضی کشورهای عربی در بهار عربی اشاره می‌کنند و آن‌ها را مصداقی برای ادعای خود می‌دانند.

واقعیت این است که آنچه به عنوان انقلاب‌های رنگی در جهان شهرت یافته است هیچ‌کدام به معنای «تغییر

رژیم» و یا انقلاب نبوده و معمولاً در قالب منازعه‌ای بین دو نیروی رقیب سیاسی بر سر کنترل پارلمان یا ریاست جمهوری اتفاق افتاده و عمدتاً هم به تغییر پایدار و معناداری در آن کشورها منجر نشده است.

در انقلاب‌های موسم به بهار عربی نیز گرچه تشکیلات و رهبر واحدی آن‌ها را هدایت نمی‌کرد، اما در دو مورد مصر و تونس، ائتلافی از تشکل‌های گوناگون به صورتی چراغ خاموش، صحنه گردان حوادث بود و موضوع فقط به یک حرکت توده‌وار منحصر نمی‌شد. ناکامی هر دوی این حرکت‌ها و بازگشت سریع آن‌ها به ماهیت «رژیم سابق» نیز که در حقیقت موفق‌ترین نمونه‌های حرکت بهار عربی به شمار می‌رفتند، خود گواه دیگری بر نقص این نگاه به انقلاب است.

دوم آنکه، شبکه‌های اجتماعی به هیچ‌وجه وسیله‌ی مطمئن و قابل اتکایی برای استفاده‌ی معترضان از آن‌ها نیست. در حقیقت تکنولوژی به همان اندازه که به کمک شهروندان مستقل برای ابراز نظرات و دیدگاه‌های مخالف خود و ایجاد ارتباط و همبستگی بین آن‌ها آمده است به همان اندازه هم حکومت‌ها را برای کنترل و نظارت بر شهروندان یاری رسانده است. قاعدتاً ابزاری که کلید قطع و وصل آن در دست دولت‌هاست، نمی‌تواند به‌طور مؤثر مورد استفاده‌ی مخالفان آن قرار گیرد زیرا دولت به‌محض احساس خطر سوئیچ آن را قطع کند.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که اعتراض‌های جاری در ایران نه از جنس انقلاب است و نه منطقاً می‌تواند به انقلاب منجر شود.

در مورد اینکه آیا این اعتراضات کنونی جنبش به شمار می‌روند یا عصیان هم نظرات متفاوتی وجود دارد.

واقعیت این است که از نوع حضور معترضان و شعارهای آنان در خیابان یا پشت‌بام‌ها و منازل مسکونی می‌توان دریافت که جنس اعتراض‌ها تلفیقی از جنبش و عصیان است.

به‌عبارت‌دیگر، برخی حرکات و نشانه‌ها از سوی معترضان، صرفاً نوعی خشم از شرایط موجود را به نمایش می‌گذارد و معطوف به هدف تعریف‌شده‌ای به نظر نمی‌رسد. رفتار این بخش از معترضان را می‌توان عصیان یا طغیان در برابر وضع موجود تلقی کرد.

در مقابل، بسیاری از معترضان بخصوص زنان و جوانان، هدف تعریف‌شده‌ای را از اعتراض خود دنبال می‌کنند که عمدتاً به رسمیت شناختن سبک زندگی و علایق متفاوت آن‌ها با فرهنگ رسمی حاکم است.

جمهوری اسلامی گرچه طبق تعریف‌های کلاسیک سیاسی، نظامی توتالیتر محسوب نمی‌شود، اما اجزای شناخته‌شده‌ای از آن، علاقه‌ی خود را برای یکرنگ‌سازی و قالب‌بندی زندگی شهروندان که نوعی توتالیتراریسم اجتماعی است، پنهان نمی‌کنند.

این علاقه که معمولاً با تحمیل عملی سبک خاصی از زندگی بر عموم مردم همراه بوده است، برای بسیاری از زنان و جوانان دیگر قابل تحمل نیست و آن‌ها دقیقاً علیه همین تحمیل اجتماعی دست به اعتراض زده‌اند. عمده‌ترین جلوه‌ی تحمیل به این اقشار، اجبار به نوع پوشش آنان است؛ اجباری که نیروی اجرایی آن، پلیس امنیت اخلاقی یا همان گشت ارشاد بوده است. به همین دلیل نیز بسیاری از زنان معترض برای نشان دادن هدف خود از اعتراض، روسری‌های خود را برداشته‌اند و به‌طور مشخص خواهان انحلال گشت ارشاد هستند.

بنابراین، وصف اعتراض‌های اخیر به انقلاب و براندازی خواهی، نه واقع‌بینانه به نظر می‌رسد و نه از این لحاظ می‌تواند دستاوردی به همراه داشته باشد. بخش طغیانی آن نیز پایدار و با دوام نیست زیرا افرادی که به هر دلیلی از خشم لبریز شده‌اند، به‌محض فروکش کردن خشم‌شان از طریق بروز آن، انگیزه‌ای برای ادامه‌ی ماجرانمی‌بینند.

بخش معطوف به دستیابی به اهداف مشخصی چون به رسمیت شناختن سبک زندگی انتخابی با همه‌ی لوازم قانونی آن اما نوعی جنبش تأثیرگذار مدنی به شمار می‌رود که در پشت هیاهوی تبلیغاتی رسانه‌های حکومتی و ضدحکومتی کم‌رنگ نشان داده می‌شود. این جنبش می‌تواند به دستاوردهای مهمی برسد به شرطی که از آفات انقلاب و طغیان دور بماند و مرزش را با آن‌ها روشن کند.



درباره نویسنده
احمد زیدآبادی
روزنامه‌نگار و تحلیلگر
سیاسی ساکن تهران است
که با رسانه‌های گوناگون
همکاری دارد. یادداشت‌های زیدآبادی
از آغاز سال ۲۰۲۱ به طور ثابت و یک
هفته‌درمیان درباره مهم‌ترین مسائل مطرح
سیاسی ایران، در هفته منتشر می‌شود.



گفت‌وگوی ژورنال دو مونروپال با نیما مشعوف

تحولات این روزهای ایران، بزرگ‌ترین انقلاب فمینیستی جهان را رقم خواهد زد

کانادا چه کاری می‌تواند انجام دهد؟
 حدود یک هفته پیش، دولت کانادا نزدیک به ده هزار نفر از افراد مسئول یا افراد نزدیک به مقامات رژیم ایران را در فهرست عناصر نامطلوب قرار داد که از ورود به کانادا منع خواهند شد. آن‌هایی که اکنون اینجا هستند، احتمالاً به ایران بازگردانده خواهند شد و دارای‌هایشان مسدود خواهد شد. این پیامی است که مستقیماً برای مقامات دولتی ایران ارسال شده است تا حساب کار دستشان بیاید و بدانند که در کانادا جایی ندارند.

وضعیت روحی دیاسپورای ایرانی در مونترال چگونه است؟

جامعه ایرانی‌های مونترال بسیار نگران اما سرشار از امید است. من ۳۹ سال است که در کبک هستم و فعالیت‌های متعددی علیه سرکوب در ایران داشته‌ام، اما کمتر پیش می‌آید که شاهد فعالیت‌هایی در این وسعت و با این میزان شور و هیجان از طرف ایرانی‌ها باشم. مردم از یک‌طرف از حکومت ایران خشمگین هستند و از طرف دیگر پر از نگرانی و التهاب هستند. بسیاری از آن‌ها را این روزها با چشمانی پر از اشک می‌بینم و اینجا در مونترال چنین صحنه‌هایی کمتر دیده‌ام.

در حال حاضر در مونترال چه کارهایی انجام می‌دهید؟

دولت ایران تاکتیکی دارد که می‌کوشد با قرار دادن مردم در مقابل یکدیگر، قدرت جنبش مقاومت را کتمان کند. ما اینجا در جامعه ایرانی‌های مونترال فعالیت‌هایی انجام می‌دهیم که بگوییم همه با هم

همه جهان مفید خواهد بود. این انقلاب می‌تواند آرمان همه جهانیان باشد. درست است که این انقلاب با آرمان زنان ایرانی کلید خورده است، اما اکنون همه خواهان یک حکومت غیردینی هستند و مطالبات مردم برچیده شدن بساط استبداد و به‌ویژه رژیم اسلامی ایران است. معترضان پنج هفته است که در خیابان‌ها یا بازداشت گاهی کتک می‌خورند یا کشته می‌شوند. مردم می‌گویند به خانه‌های خود باز نخواهند گشت تا یکبار برای همیشه تکلیف مشخص شود. مردم ایران به نقطه‌ای بی‌بازگشت رسیده‌اند و این بار مصمم هستند که تا آخر خط بروند، آن‌ها خواستار انقلاب هستند.

آیا بسیج شدن مهاجران ایرانی در مونترال در حمایت از هم‌وطنانشان تأثیری هم دارد؟

بسیار مهم است، زیرا آنچه در ایران می‌گذرد روندی است که در نهایت می‌تواند منجر به تغییر حکومت شود. درست است که ما از راه دور نمی‌توانیم کار بزرگی انجام دهیم، اما می‌توانیم خیلی کارها بکنیم. ما می‌توانیم صدای معترضان ایرانی و منعکس‌کننده اتفاقاتی باشیم که در ایران می‌افتد؛ می‌توانیم بازتاب‌دهنده خواسته‌ها، مطالبات و تجربیات آن‌هایی باشیم که در ایران با رژیم حاکم مبارزه می‌کنند؛ می‌توانیم به آن‌ها نشان دهیم که ما هم در کنارشان هستیم و از آن‌ها حمایت می‌کنیم. ما در اینجا تلاش می‌کنیم دولت‌ها را متقاعد کنیم فشارهای دیپلماتیک علیه دولت ایران اعمال کنند.

نیما مشعوف، اپیدمیولوژیست و فعال فمینیست ساکن مونترال در ۱۸ سالگی ایران را ترک و به کبک مهاجرت کرد. او که از ۳۰ سال پیش عضو انجمن زنان ایران است، برای تحقق حقوق زنان در ایران و به‌طور کلی حقوق زنان در جهان مبارزه می‌کند. در فاصله چند روز مانده به تظاهرات جدید ایرانی‌های ساکن مونترال در حمایت از مبارزات مردم ایران، ژورنال دو مترو مصاحبه‌ای با او ترتیب داد تا بهتر بفهمد این روزها در ایران چه اتفاقی می‌افتد و جامعه ایرانی‌های مقیم کانادا در حمایت از هم‌وطنان خود چه می‌کنند.

مشارکت شما در جنبش کنونی ایرانی‌های مونترال چگونه است؟

طی پنج هفته گذشته ائتلافی از انبوه افراد به‌ویژه جوانان شکل گرفته است که برای ترغیب شهروندان مونترالی چه ایرانی و چه غیر ایرانی در حمایت از آنچه این روزها در ایران می‌گذرد، به طرز فوق‌العاده‌ای تلاش می‌کنند. من هم یکی از همین افراد هستم.

درباره آنچه اکنون در ایران می‌گذرد، چه نظری دارید؟

من فکر می‌کنم آنچه اکنون در ایران اتفاق می‌افتد در نهایت اولین انقلاب فمینیستی در جهان را رقم خواهد زد و به همین علت از اهمیت به سزایی برخوردار است. البته این تحول به ایران محدود نخواهد شد. اگر این انقلاب در ایران به ثمر بنشیند، انقلابی علیه اشکال مختلف بنیادگرایی خواهد بود، بنابراین نه تنها برای ایران و برای خاورمیانه بلکه برای

درگیری لفظی رهبران دو حزب اصلی کانادا و حمایت تمام‌قد داگ فورد محافظه‌کار از ترودوی لیبرال



به گزارش هفته و به نقل از «سی‌بی‌سی»، کارن و کیو، نماینده محافظه‌کار، در پاسخ به سؤالی درباره حمایت صریح فورد از تصمیم ترودو برای اجرای قانون شرایط اضطراری برای پایان دادن به اعتراضات گسترده علیه اقدامات دولت در زمینه [] همه‌گیری که زمستان گذشته اتاوا را برای نزدیک به یک ماه درگیر خود کرده بود، گفت که این حمایت مایه تأسف است. این نماینده که از لندن انتریو است گفت که فورد باید منتظر می‌ماند تا تحقیقات در مورد استفاده دولت فدرال از قانون شرایط اضطراری به پایان برسد. به باور این نماینده، نتیجه این تحقیقات با ارزیابی فورد همخوان نخواهد بود.

برخی دیگر از نمایندگان محافظه‌کار، با اعلام نارضایتی از اظهارات فورد، گفته‌اند که از حمایت نخست‌وزیر انتریو از ترودو خشمگین‌اند. گفتنی است که روز دوشنبه، در حالی که فورد با ترودو در نشست رسانه‌ای شرکت داشت در پاسخ به خبرنگاری که از او پرسید آیا با تصمیم دولت فدرال برای استناد به قانون شرایط اضطراری موافق است یا خیر، گفت که در این مورد دوشادوش ترودو ایستاده است و اختلال در کسب‌وکار و زندگی اتاوا بی‌ها را غیرقابل قبول می‌داند.

همچنین گفتنی است که رهبر محافظه‌کاران، پیر پوالیور، آشکارا از برخی معترضان کاروان آزادی حمایت کرده و گفته بود که از معترضان قانونی که رفتار مسالمت‌آمیز دارند حمایت می‌کند.

شکاف میان محافظه‌کاران؟!

گفتنی است که در موضع سیاسی فورد میانه‌روتر از رهبر محافظه‌کاران، پوالیور، است. چنین است که فورد نزدیکی‌ها با لیبرال‌ها در جاهایی دارد، تا آن جا که برخی از نمایندگان محافظه‌کار از روابط دوستانه معاون نخست‌وزیر، کریستیا فریلند، و فورد انتقاد کرده‌اند. فریلند یک بار از رابطه خود با فورد به‌عنوان «درمانگر یکدیگر» نام برده بود.

به‌هرروی، شاید این نارضایتی و خشم محافظه‌کاران فدرال از نخست‌وزیر محافظه‌کار انتریو نشانگر شکافی باشد که میان محافظه‌کاران در برخورد و چگونگی موضع‌گیری یکدست در برابر لیبرال‌ها وجود دارد.

منبع: وب‌سایت سی‌تی‌وی نیوز و سی‌بی‌سی

روز سه‌شنبه، ۱۸ اکتبر در مجلس عوام کانادا، میان رهبر حزب لیبرال و رهبر حزب محافظه‌کار درگیری لفظی پیش آمد.

نخست‌وزیر، جاستین ترودو، و رهبر محافظه‌کاران، پیر پوالیور، در زمینه [] رکود اقتصادی و نحوه مقابله دولت فدرال با تورم با یکدیگر درگیر شدند و ترودو پوالیور را به سنگ‌اندازی در مسیر تصویب لایحه مزایای مسکن و دندان‌پزشکی لیبرال‌ها متهم کرد.

رهبر محافظه‌کاران درباره‌ی وعده ۵۰۰ دلاری به اجاره‌دهندگان کم‌درآمد، به‌عنوان بخشی از لایحه مقرون‌به‌صرفه کردن پیشنهادی، به ترودو گفت که شما این روزها با این پول حتی نمی‌توانید لانه سگ در حیاط پشتی اجاره کنید. ترودو هم در پاسخ گفت که اگر محافظه‌کاران به فکر مقرون‌به‌صرفه بودن هزینه‌ها برای کانادایی‌ها بودند از لایحه سی-۳۱ حمایت می‌کردند.

ترودو افزود که اگر پوالیور واقعاً در فکر خانواده‌های کم‌درآمد بود از اقدامات لیبرال‌ها در دادن مزایا به خانواده‌های کم‌درآمد برای هزینه‌های مراقبت‌های دندان‌پزشکی فرزندان‌شان یا کمک به ۱.۸ میلیون کانادایی در زمینه‌ی مسکن حمایت می‌کرد.

گفتنی است که بسیاری از کارشناسان رکود اقتصادی را پیش‌بینی می‌کنند و هفته گذشته، اقتصاددانان بانک سلطنتی کانادا گفتند که انتظار می‌رود این رکود در اوایل سال ۲۰۲۳ ادامه داشته باشد.

همچنین گفتنی است که لایحه سی-۳۱ لیبرال‌ها که در زمینه [] ارائه مزایای مراقبت از دندان برای کودکان زیر ۱۲ سال و نیز مزایای اجاره مسکن برای کانادایی‌های واجد شرایط است، از زمان ارائه‌اش به مجلس عوام، در ۲۰ سپتامبر، هنوز به قانون بدل نشده است.

از سوی دیگر، هر چند نودمکرات‌ها به لیبرال‌ها یاری کرده‌اند تا لایحه سی-۳۱ را پیش ببرند، با این حال، رهبر این حزب، جگمیت سینگ، لیبرال‌ها را متهم کرد که هیچ برنامه‌ای برای مقابله با رکود اقتصادی ندارند.

حمایت فورد از ترودو

در این میان، برخی از نمایندگان محافظه‌کار از اظهارات داگ فورد مبنی بر حمایت از تصمیم ترودو برای استناد به قانون شرایط اضطراری خشمگین‌اند.

متحد هستیم. رویداد بعدی در حمایت از جنبش ایرانیان، شنبه آینده ۲۲ اکتبر ساعت ۲:۳۰ بعدازظهر برگزار خواهد شد. این تظاهرات از میدان Émilie-Gamelin به سمت Place du Canada برگزار می‌شود. خواسته ما این است که همه کبکی‌ها در آن شرکت کنند و با پیوستن به ما حمایت خود را از جنبش اعتراضی ایران نشان دهند.

چگونه همه مردم مونترال می‌توانند به این حرکت کمک کنند؟

مونترالی‌ها می‌توانند با دوستان و نمایندگان خود در پارلمان استانی یا فدرال درباره ایران صحبت کنند. در سطح محلی می‌توانیم اقدامات نمادین انجام دهیم. همین اقدامات نمادین ارزش بسیار زیادی دارند و آثار بسیار گسترده‌ای خواهند داشت. مثلاً اگر شهرداری مونترال تصمیم بگیرد در اقدامی نمادین پارک یا خیابانی را به نام مهسا امینی که شعله انقلاب را در ایران روشن کرد نام‌گذاری کند، اقدام بسیار مهم خواهد بود. این کار نه فقط برای ما جامعه ایرانیان کانادا ارزشمند خواهد بود و احساس تعلق ما به کشورمان را تقویت خواهد کرد، بلکه برای مردمی که در خیابان‌های ایران می‌جنگند، دلگرم‌کننده خواهد بود.

نقش جنبش فمینیستی کبک در این بسیج چیست؟

مردم خیلی می‌ترسند که جناح راست با محوریت بیگانه‌هراسی و اسلام‌هراسی از این جنبش یا از حمایت‌هایی که از انقلاب ایران صورت می‌گیرد، به نفع خود بهره‌برداری کند به همین علت ترجیح می‌دهند از آن دوری کنند. اما این اصلاً راهبرد درستی نیست، زیرا آنچه در ایران می‌گذرد، جنبشی است که علیه حجاب اجباری شکل گرفته است. مردم در ایران خواستار انتخاب آزاد هستند و برای ما اینجا در کبک هم همین‌طور است. جنبش فمینیستی در کبک نباید از موضع‌گیری به نفع جنبش مبارزه با حجاب اجباری در ایران تردید به خود راه دهد، زیرا ایرانی‌ها خواستار انتخاب آزاد هستند. بسیار حائز اهمیت است که مردم کبک بدانند که قرار نیست ما اینجا حجاب را بسوزانیم، اما در ایران سوزاندن روسری بسیار مهم است زیرا یک پوشش تحمیلی است و این حجاب اجباری است که ایرانی‌ها آن را زیر سؤال برده‌اند. انقلاب این روزهای ایران انقلاب علیه حجاب نیست، انقلاب علیه اسلام نیست، بلکه انقلاب علیه سلطه دینی است. این انقلابی است که لائیسیته حکومت را فریاد می‌زند و این همان آرمان مشترک ما در کبک هست.

منبع: وب‌سایت شبکه خبری ژورنال دو مترو



» در تحقیقی که انجام شد، از هر ده مشاور املاک شش نفر به خریداران پیشنهاد جعل اسناد و مدرک‌سازی دادند.

تازه‌واردان، طعمه‌های لذیذ برای جعل اسناد و تقلب در وام مسکن

اقلامی همچون مواد خوراکی و سوخت، سایر اقلام شاخص قیمت پایین‌تری نسبت به سال گذشته داشته‌اند. نرخ بهره بانکی معیار اکنون به بالای سه درصد رسیده است و احتمالاً در ماه جاری بالاتر از این مقدار و حتی به نزدیکی چهار درصد نیز خواهد رسید. اما این افزایش نرخ معیار بهره بانکی به صورت مستقیم بر وام‌هایی که با نرخ بهره متغیر اعطاشده‌اند اثر مستقیم خواهد داشت. در برخی موارد دیده‌شده که مبلغ بازپرداخت وام حتی کفاف بهره ماهانه وام را هم نمی‌دهد و بانک‌ها و مؤسسات مالی مجبور به بازنگری مبلغ بازپرداخت یا دوره اتمام وام هستند.

به دنبال سردی بازار مسکن، سخت‌تر شدن شرایط لازم برای اعطای وام مسکن به خریداران و همچنین تشدید رقابت میان مشاوران املاک، برخی از این افراد به منظور اخذ تأییدیه وام مسکن به سمت جعل مدرک و تقلب در وام به نفع خریداران روی آورده‌اند. مسلماً این در کانادا تازگی ندارد و اولین بار نیست اما اخیراً بنا به دلایل ذکرشده میزان جعل و تقلب در میان مشاوران املاک بالاتر رفته است. بنا بر گزارش CBC Marketplace

بازار مسکن در کانادا در چند هفته اخیر و بر اثر روند رو به افزایش نرخ بهره بانکی رو به سردی گذاشته و در آخرین مطالعات انجام‌شده، هم از لحاظ قیمت و هم از لحاظ تعداد معاملات کماکان در سرایشی است. قیمت متوسط خانه در سراسر کانادا در حال حاضر حدود شش صد و چهل هزار دلار است. به گفته انجمن معاملات املاک کانادا Canadian Real Estate Association که بر حدود صد و پنجاه و پنج هزار مشاور املاک نظارت دارد، در تازه‌ترین اظهارنظر بیان کرد که تعداد معاملات مسکن در ماه سپتامبر نسبت به سال گذشته در مدت مشابه حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. همین‌طور بر اساس مشاهدات، بهای املاک نسبت به مدت مشابه در سال گذشته حدود شش و شش دهم درصد و نسبت به بیشترین میزان قیمت -معادل هشت صد و بیست هزار دلار که در ماه فوریه امسال رقم خورد- حدود ۲۱ درصد کمتر است. پس از افزایش بی‌رویه قیمت مسکن، بانک مرکزی بنا را بر افزایش نرخ بهره بانکی گذاشت تا بدین‌وسیله از تورمی بی‌سابقه جلوگیری کند که تا حدی نیز موفق بوده است. اکنون به جز

قیمت متوسط خانه در سراسر کانادا در حال حاضر حدود ۶۴۰ هزار دلار است که از اوج قیمت در ماه فوریه حدود ۲۱ درصد کمتر است.

تعداد معاملات مسکن در ماه سپتامبر نسبت به سال گذشته در مدت مشابه حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است.

ممکن است به دام بیافتند، این کار ممکن است برای خریدار ممکن است گران تمام شود و عواقب سنگینی داشته باشد. به عنوان مثال با شرایط کنونی که نرخ بهره از طرفی افزایش یافته و بهای مسکن رو به کاهش است، خریدار تقلبی جدا از اینکه ارزش ملکش نسبت به میزان وام رو به افول است نخواهد توانست خود را با مبالغ رو به رشد اقساط وام تطبیق دهد. در چنین شرایطی ممکن است صاحب وام مجبور به فروش ملک یا panic sale شود که به دلیل عجله فروشنده قیمت فروش کاهش یافته و کل بازار مسکن با افزایش این پدیده به تدریج متضرر خواهد شد. از سوی دیگر خریداران واقعی و راستین که لایق دریافت وام و خرید مسکن مورد نظرشان هستند به دلیل وجود رقیب جعلی از میدان خارج خواهند شد. به علاوه، برخی خریداران جعلی تصور می کنند زمانی که شرایط بازپرداخت رو به وخامت گذاشت در بدترین سناریوی ممکن با فروش ملک خواهند توانست وام را پرداخت کرده و مبلغ قابل توجهی نیز به عنوان سود حاصل از فروش به جیب بزنند. کما اینکه با توجه به کاهش بهای ملک و تغییرات به وجود آمده در نرخ بهره در شرایط کنونی این نقشه از رفته رفته کارایی خود را از دست داده است.

از دیگر عواقبی که ممکن است دامن خریدار را بگیرد این است که بانک حساب فرد را مسدود کند و وی به اقدام برای جعل اسناد محکوم شود. حال آنکه کل فرایند جعل اسناد توسط شخصی دیگر - و حتی در مواردی نادر بدون رضایت و اطلاع خریدار - انجام شده باشد.

همچنین قانون برای مشاوران وام و مسکنی که چنین جرمهایی را مرتکب شوند جریمه ۵۰ هزار دلاری، تا دو سال زندان و لغو دائم پروانه فعالیت در بازار املاک در نظر گرفته است. به نظر کارشناسان، دست اندرکاران بازار مسکن باید کنترل و نظارت بیشتری بر کارها و تراکنشهای مشاوران املاک و وام انجام دهند تا کمتر شاهد چنین تغییرات منفی باشیم. در حال حاضر و به دلیل اینکه مجازات چنین جرائمی چندان جدی نیست مشاوران نیز برای رسیدن به سود بیشتر این خطرات را می پذیرند.

منابع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا

Investigation، در تحقیقی که انجام شد، از هر ده مشاور املاک شش نفر به خریداران پیشنهاد جعل اسناد و مدرک سازی دادند که آماری تکان دهنده است. ولی در یک نظرسنجی دیگر که از میان تعداد بیشتری از مشاوران املاک به انجام رسید مشخص شد که در میان مشاوران املاک تنها یک نفر از پنج نفر حاضر به جعل مدرک و سند شده است.

جعل اسناد و مدارک تنها به وسیله مشاوران املاک ممکن نیست و فرد متقلب باید به شبکه‌ای از سایر افراد دسترسی داشته باشد. به عنوان مثال یک بروکر وام مسکن و یک کارمند بانک نیز ممکن است برای تضمین و تکمیل کار مورد نیاز باشد. مسلماً این شبکه‌ها در ازای درصدی از مبلغ وام حاضر به انجام این کار هستند و این مبلغ دستمزد ممکن است حتی با مبلغ کمیسیون مشاوره املاک برابری کند. در ازای این دستمزد، این افراد برای خریداران مدارکی همچون اسناد مالیاتی دولتی، فرم‌های اظهارنامه مالیاتی مربوط به شرکت‌ها، نامه استخدام کارفرما و حتی فیش حقوق جعل می کنند. اسنادی کاملاً دروغین که خریدار بدون آن‌ها برای دریافت وام واجد شرایط نخواهد بود. در تهیه این اسناد ممکن است از نام شرکت‌های جعلی که وجود خارجی ندارند استفاده شود و در صورت نیاز حتی برای این شرکت‌ها وبسایت‌های جعلی درست کنند و حتی وقتی به منظور استعلام و گرفتن تأییدیه با شماره شرکت تماس گرفته شود، شخصی حقیقی به تلفن پاسخ دهد و اطلاعات جعلی را تأیید کند. به گفته مشاورانی که در این گزارش به تقلب متهم شده بودند، مدارک مربوط به حقوق و دستمزد قابل جعل و آسان بودند اما مشکل اصلی این افراد سابقه اعتباری یا کردیت اسکور است که قابل جعل نبوده، از دسترس همگان خارج بوده و همواره در حال تغییر مداوم است.

به عنوان مثال، برای یک خانه با قیمت شش صد و چهل هزار دلار - معادل قیمت متوسط ملک امروز در کانادا - یک مشاور املاک ممکن است بین ۱۶ تا ۳۲ هزار دلار کمیسیون دریافت کند. حال آنکه یک مشاور وام مسکن از بانک طرف قرارداد مبلغی معادلی ۲ تا ۳ هزار دلار به دست آورد. به گفته انجمن مشاوران انتراریو RECO، تعداد مشاوران و مشتریانی که به این راه کشیده می شوند روزافزون است. بنا به تأیید اداره اعتبارات Equifax تقریباً در هر ماه چیزی حدود ۱۵ تا ۲۴ هزار پرونده مشکوک برای دریافت وام به بانک‌ها و مؤسسات مالی ارسال می شود.

معمولاً مهاجران و تازه واردین بهترین طعمه برای این کار هستند چرا که به طور دقیق از شرایط و فرایند خرید خانه و اخذ وام مطلع نیستند. به علاوه، سابقه اعتباری - کردیت - خریداران تازه وارد به اندازه‌ای نیست که بتوان با تکیه بر آن وام مناسبی از بانک‌ها و مؤسسات مالی بزرگ دریافت کرد. طبق نظر کارشناسان حقوقی، جعل اسناد و تقاضای تقلبی وام مسکن جزء جرائم جنایی کانادا یا criminal code محسوب می شود.

آنچه در این تحقیقات مشخص شد این است که این فرایند جعل و تقلب بدون داشتن فردی از درون بانک برای تأیید مدارک و اتخاذ تصمیم نهایی امکان پذیر نبوده و تمام مشاوران مسکنی که در این گونه کارها دست داشته‌اند به وسیله یک شبکه و همچنین یک رابط در بانک، وام مسکن را به سرانجام می رسانند.

در حالی که عوامل اصلی این تقلب‌ها یعنی مشاوران وام و املاک کمتر



محدودسازی اسلحه‌های سبک در کانادا اجرایی شد

مقررات فدرال با هدف محدودسازی شمار اسلحه‌های سبک در کانادا اجرایی شد. در ماه می، لیبرال‌ها طرحی را برای توقف واردات، خرید، فروش یا انتقال اسلحه، به‌منظور جلوگیری از خشونت‌های مرتبط با سلاح گرم، اعلام کردند. در آن زمان، دولت اصلاحات نظارتی را هم به مجلس عوام و هم به سنا ارائه کرده بود. نخست‌وزیر، جاستین ترودو، و مارکو مندیچینو، وزیر ایمنی عمومی، روز جمعه در نشست خبری، در منطقه ونکوور، جزئیات اجرایی شدن این مقررات را اعلام داشتند. ممنوعیت موقت واردات اسلحه به کانادا که از ۱۹ اوت آغاز شد، همچنان پابرجاست. ترودو گفت که ما بازار اسلحه‌های سبک در کانادا را به حال تعلیق درآورده‌ایم و این یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که به‌منظور مبارزه با خشونت‌های ناشی از سلاح در طی یک نسل انجام شده است. ترودو و مندیچینو، از آیلین موهان که پسرش کریستوفر در سال ۲۰۰۷ به ضرب گلوله کشته شد و در این نشست در کنار آن‌ها جای داشت به دلیل تلاش‌هایش برای به تعلیق درآوردن اسلحه سبک قدردانی کردند. موهان گفت: «امروز، دولت لیبرال زندگی را بر مرگ ترجیح داده است.» گفتنی است که تدابیر قانونی که به این تعلیق

قدرت ببخشد را پارلمان هنوز تصویب نکرده است. این قانون به ورزشکاران برجسته در تیراندازی این اجازه را می‌دهد تا تفنگ سبک بخرند و این معافیتی است که برخی مشتاقانند که طیف وسیع‌تری از تیراندازان تفریحی را شامل شود. دولت می‌گوید که این معافیت شامل چیزی در حدود ۸۰۰۰ ورزشکار می‌شود، که در صورت گسترش، شمار معاف‌شدگان می‌تواند به میزان قابل توجهی افزایش یابد. وس وینکل، رئیس انجمن اسلحه و مهمات ورزشی کانادا، این هفته به کمیته امنیت عمومی مجلس عوام گفته بود که سایر تیراندازان مسابقات باید شامل این معافیت شوند. ترودو در پاسخ به سؤالی درباره معافیت‌های احتمالی جدید گفت که اگر اعضای بلوک کبکوا و نودمکرات کمیته عوام از مفاد این لایحه بکاهند، شگفت‌زده خواهیم شد. دیوید لامتی، وزیر دادگستری، روز جمعه در مونترال، از هرگونه تلاش برای کاستن از قانون تعلیق اسلحه انتقاد کرد. لامتی به زبان فرانسوی گفت: «این نگران‌کننده و حتی تکان‌دهنده است که شاهد تلاش‌هایی در کاهش مفاد این لایحه و دادن فضای بیشتر به تفنگ‌های سبک باشیم.» او افزوده که هدف این است که «تعداد تفنگ‌های سبک در خیابان‌ها

کاهش یابد». راکل دانچو، وزیر در سایه امنیت عمومی از حزب محافظه‌کار، ولی می‌گوید که لیبرال‌ها موضوع را سیاسی می‌کنند و این توقف خشونت‌های اسلحه را کاهش نمی‌دهد. دانچو گفته است که محافظه‌کاران معتقدند میلیون‌ها دلاری که دولت برای پیشبرد برنامه کنترل اسلحه هزینه می‌کند بهتر است برای تقویت امنیت در مرزها، در راستای جلوگیری از قاچاق غیرقانونی اسلحه گرم و تأمین منابع بیشتر برای پلیس، هزینه شود. ترودو اما می‌گوید که دولت مرزها را تقویت و با قاچاق اسلحه هم مبارزه می‌کند. گفتنی است که لایحه فدرال اسلحه گرم همچنین حداکثر مجازات برای قاچاق اسلحه را از ۱۰ به ۱۴ سال افزایش داده است و همچنین بر طبق آن، مجوز اسلحه افراد مرتکب به خشونت خانگی یا تعرض کیفری خودبه‌خود لغو خواهد شد. دو سال پیش، دولت ممنوعیت بیش از ۱۵۰۰ مدل اسلحه را اعلام کرد. لیبرال‌ها همچنین یک برنامه خرید اجباری برای ارائه گرامت به کسب‌وکارهای آسیب‌دیده برنامه‌ریزی کرده‌اند.

منبع: وب‌سایت شبکه خبری سی‌تی‌وی نیوز

SHEMIRAN
Auto Services

اتوسرویس شمیران
تعمیر و خدمات انواع خودرو

- فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف
- جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing
- تعمیرات ترمز و جلو بندی

سرویس و خدمات
در کوتاه ترین زمان
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



514-487-6262
5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1
www.autoshemiran.com

Panneton & Panneton
Moving & Storage

تخفیف ویژه برای هموطنان عزیز در نظر گرفته خواهد شد.

خدمات انبارداری پنتون و الیمپیا

- بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه های مختلف
- تمیز و ایمن با دوربین های نظارتی
- سیستم های اعلام خطر و کنترل دما
- ۷ روز هفته قابل دسترسی

514 939 0099
8660 Jeanne Mance,
Montreal, QC H2P 2S6

info@pannetonpanneton.com

RE/MAX RE/MAX Platine
Agence Immobilière

رکسان صمیم
مشاور املاک مسکونی

Cell: 438-397-3212

با آشنایی کامل به مونترئال و حومه خدمات کاملی را برای خریداران مسلط به زبان فرانسه و انگلیسی همراهی در تمامی مراحل خرید و فروش



Roxanne Sameem
Residential Real Estate Broker
Remax Platine
1850 Av. Panama #110
Brossard, QC J4W 3C6
Rokhan.sameem@remax-quebec.com
www.rsameem.com

Pharmacie Golnasim Riahi
داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com
Tel: (514) 519-3060



- نوشتن نسخه
- واکسیناسیون
- تست های پزشکی
- مشاوره درمانی
- دریافت نسخه
- دسترسی آنلاین
- انستال پرونده

ارسال رایگان در کبک و اونتاریو

1111 Boulevard Dr. Frederik-Philips, Suite 600
Montreal, Quebec H4M 2X6
514 519 3060 438 600 3691
www.riahipharma.com info@riahipharma.com



سیاست
خوانندگان
دیدگاه



ارزش‌های مشترک، کلید تغییر

موج جدید اعتراضات علیه جمهوری اسلامی این بار متفاوت از موارد گذشته است. از یک سو گستردگی آن کم‌سابقه است و از سوی دیگر، حالا چشم‌انداز بهتری از ایران بعد از جمهوری اسلامی قابل تصور است.

جمهوری اسلامی با بقای خود تهدیدی جدی و دائمی برای عمده نهادها در ایران بوده. اقتصاد دولتی ناکارآمد و فشار بر اقشار ضعیف و طبقه متوسط، تورم و فساد افسارگسیخته و رانت‌های بی‌حساب برای نزدیکان حلقه قدرت، مدیریت فاجعه‌بار محیط زیست، افول اخلاق اجتماعی با ترویج ریاکاری و پاداش به تملق، دشمن‌تراشی دائمی با سایر کشورها و ماجراجویی در کشورهای همسایه، پشتیبانی از تروریسم، قتل شهروندان از جمله در مورد هواپیمای اوکراینی، عدم التزام و حتی تقابل با حقوق شهروندی، سانسور و جلوگیری از جریان آزاد اطلاعات، انتصاب هرگونه اعتراض به عوامل خارجی، دشمن، دستگیری مخالفان و نهایتاً سرکوب، سرکوب و سرکوب.

اما برای بسیاری، با وجود اعتقاد به عدم کارآمدی و لزوم تغییر جمهوری اسلامی، این نگرانی وجود داشته که آلت‌رناتیو جمهوری اسلامی چیست. دموکراسی؟ با کدام نسخه؟ پادشاهی؟ چطور در تله یک سیستم استبدادی دیگر نیفتیم؟ خود این موضوع برای برخی از مخالفان جمهوری اسلامی مانند ترمزی برای مخالفت یا مبارزه علنی عمل می‌کرده.

درگیری‌های گاه‌وبیگاه اپوزیسیون در خارج از کشور و عدم توانایی مخالفان در ایجاد فضای گفت‌وگو حتی بین خودشان و اجماع بر سر حداقل‌های اشتراکات بر این نگرانی صحنه می‌گذاشت. البته که خود جمهوری اسلامی هم در ایجاد شکاف و تفرقه بین این گروه‌ها تلاش می‌کرده و می‌کند.

در داخل هم جنبش اصلاحات (منظورم افراد در رأس یا اصطلاحاً رهبران آن است) عمدتاً در بزنگاه‌های حساس یا با بی‌عملی و یا بعضاً با همراهی با روایت حکومتی به تدریج پتانسیل خود را در قامت یک آلت‌رناتیو از دست دادند. محدود افرادی هم که روزه سکوت نگرفته و یا با هسته مرکز قدرت همراهی نکردند با پرونده‌سازی و بازداشت و زندان عملاً تأثیرگذاری‌شان بر جنبش مدنی را از دست دادند.

در چنین فضایی که به‌ظاهر می‌رسید هیچ گزینه مطلوبی وجود ندارد، ماجرای تلخ قتل مهسا امینی فصل جدیدی در برابر مشتاقان تغییر برای فردای بهتر ایران گشود. سه کلمه «زن»، «زندگی»، «آزادی» که در مراسم خاک‌سپاری مهسا شعار داده

شد، و ظاهراً از اعتراض زنان کرد در مقابل داعش وام گرفته‌شده بود، تأثیر عمیقی بر کلیه گروه‌های معترض داشته و به‌نوعی فاصله‌های بین گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی را پر کرده است.

شاید هر یک از ما قبل از تعریف نظام سیاسی مطلوب و پافشاری بر آن می‌بایست ارزش‌هایمان را شناسایی می‌کردیم. قدرت عجیب «زن»، زندگی، «آزادی» در هماهنگی و هم‌آوا سازی معترضان نشان می‌دهد که عمده ایرانیان علیرغم دیدگاه‌های سیاسی متفاوت، در برخی ارزش‌های اجتماعی تفاهم دارند. این موضوع را می‌شد در راهپیمایی بزرگ اول اکتبر مونترآل به‌وضوح دید. جایی که معترضان با وجود پرچم‌های متفاوت، از پرچم‌های سرخ چپ‌ها تا پرچم‌های با طرح شیر و خورشید، و با دیدگاه‌های متفاوت، از سلطنت‌طلب تا جمهوری‌خواه و سبک پوشش متفاوت از محجبه تا بدون حجاب در کنار هم هم‌آوا «زن زندگی آزادی» را فریاد می‌زدند. همگرایی مشابهی را می‌شد در بیش از ۱۵۰ شهر دیگر جهان نیز دید. شکی نیست که بخشی از این همگرایی سلبی و به دلیل وجود خصم مشترک (جمهوری اسلامی) و زخم‌هایی که این نظام به گروه‌های مختلف وارد کرده است، اما به اعتقاد من وجه ایجابی، که همان شعار مشترک و آرمان مشترک است، دست بالا را در این همگرایی دارد.

«زن»، عنوان نیمی از جامعه که برای سده‌ها در جامعه مردسالار ما (و البته بسیاری جوامع دیگر هم) مورد تبعیض بوده. تبعیضی که در بسیاری موارد از درون خانواده‌ها شروع می‌شده و مشخصاً در ایران و بعد از انقلاب اسلامی تقویت‌شده و محدودسازی پوشش، رفتار و عرصه‌های اجتماعی که زنان می‌توانند در آن حضور پیدا کنند به‌صورت سیستماتیک اعمال شده است. اما حالا این تبعیض مورد اعتراض هم زنان و هم مردان قرار گرفته و بیشتر ایرانیان، حتی بسیاری از پدران و برادرانی که تا دیروز خود همسران، دختران و خواهران‌شان را محدود می‌کردند، حالا خواستشان برای برابری را فریاد می‌زنند؛ برابری زن و مرد در حقوق و فرصت‌ها.


«زندگی»، رفاه و شادی حق ماست. انواع تهدیدهای داخلی و خارجی، ناامنی اقتصادی، سایه سنگین حکومت ترس از یک سو و تحمیل سبک زندگی موردنظر حکومت در کنار تبلیغ دائمی فرهنگ شهادت، سوگواری از سوی دیگر، این حق را از ما دریغ کرده. ایرانیان می‌خواهند که سبک زندگی‌شان را، دینشان را، پوششان را و

علاقشان را خود انتخاب کنند. «آزادی»، حلقه گمشده آخر، که حتی در اصول خود جمهوری اسلامی هم هست، و البته، فقط برای سران حکومت. حجاب اجباری، دین اجباری، خدمت سربازی اجباری، اینترنت اجباری و... لیست بلند و بالایی این «اجباری»‌ها از واژه آزادی تنها کاریکاتوری به‌جای گذاشته. سانسور اخبار و محدود کردن خبرنگاران رویه‌ای معمول در ایران است و معدود خبرنگار مستقلی داریم که طعم تهدید یا پرونده‌سازی یا بازداشت را نچشیده باشد. با وجود شناخته‌شدن حق اعتراض در قانون اساسی خود جمهوری اسلامی، نه‌تنها معترضان بازداشت و زندانی می‌شوند، بلکه گاه‌و‌گلا مدافع آن‌ها هم به سرنوشت موکلانشان دچار می‌شوند.

با این اوصاف و مشاهده آنچه تا به حال در متن اعتراضات دیده‌شده می‌توان گفت که جامعه ایران آماده گذار از جمهوری اسلامی است. ارزش‌ها و شعارهای مشترک در بین معترضان داخل و خارج، همبستگی به نظیر اقوام از همدیگر علیرغم تبلیغات مسموم جمهوری اسلامی در خصوص تجزیه‌طلبی و همچنین اقدامات و موضع‌گیری‌های سنجیده اپوزیسیون نشان‌دهنده سطح بالایی از بلوغ سیاسی و اجتماعی است. دیگر نمی‌توان گفت که «معترضان می‌دانند چه نمی‌خواهند اما نمی‌دانند چه می‌خواهند».

کوتاه‌سخن آنکه بعد از سال‌ها، حالا نوری در انتهای تونل مشاهده می‌شود که بسیاری از مرددهای دیروز را مصمم به تغییر می‌کند. تغییری که این دور از خیزش مردم را از اعتراض به انقلاب تبدیل می‌کند. در ادامه این حرکت هم همه ما می‌بایست بر این نقاط اشتراک تکیه و تأکید کنیم تا این بار به دموکراسی واقعی دست یابیم.

به امید ایران بدون تبعیض، آباد و آزاد.
مونترآل، ۱۸ اکتبر ۲۰۲۲



درباره نویسنده
بابک فرزامی، متولد ۱۳۵۶ تهران و کارشناس ارشد مهندسی صنایع است. او در سال ۲۰۱۶ به کانادا و شهر مونترآل مهاجرت کرد. پیش از مهاجرت در ایران در اعتراضات جنبش سبز شرکت داشته و به‌گفته‌ی خودش به دنبال استقرار دموکراسی در ایران است.

هیچ درستی با توسل به غلط محقق نمی‌شود

نیز بسنده نکردیم و پیش از آنکه دانسته باشیم در مسابقه قرابت و حق ویژه برای خود ساختن افتادیم.

روزهایمان آنگونه رفت که روزگارمان اینگونه پر شد از اخراج و مصادره و اختلاس و زندان و قتل. از مدعیان سیاست و قدرت شروع کردیم و به بچه‌های بیگناه کوچه و خیابان رسیدیم، تنها به این جرم که به شکل ما نبودند.

وقت آن‌ست که بگوییم که «استقرار درست» با «غلط» میسر نمی‌شود. جاده ظلم هرگز به عدالت نمی‌رسد. آزادی از تمامیت‌خواهی در نمی‌آید.

خشونت مقدس نیست. یک انتخاب ناگزیر است آنجا که خشونت تحمیل شده راه دیگری برای پیشروی مدنی باقی نمی‌گذارد. از خشونت کور و بی‌قاعده و غیرضروری مدنیت حاصل نمی‌شود. وقت اینکه بگوییم که «هیچ کس صلاحیت ندارد که به تنهایی شاک و قاضی باشد و مجری حکم شود» همین امروز است.

زمان سکوت نکردن به انتشار عکس و نام افراد به عنوان مزدوران جمهوری اسلامی و اعلام دعوت عمومی برای مجازات‌شان همین امروز است. فرصت مخالفت با خفه کردن هر کس که شعارش عین شعار ما نیست و شجاعت‌اش در ترازوی ما کم وزن است، همین حالا است.

فردا دوباره پیش از اینکه بدانیم دیر خواهد بود.

کیست که این صحنه‌ها را در چند هفته گذشته و تمام ستم‌های روا شده به مردم را در چهار دهه گذشته در ذهن داشته باشد و مملو از خشمی که مقدس می‌داند نشود؟

این بسیار شبیه خشم و موجی‌ست که ۹۸ درصد از جامعه ایرانی در سال ۱۳۷۵ تجربه و پیروی کرد. مرور وقایع ۱۳۵۷ و اثرات آن بر چندین نسل از جوانان آن کشور نیاز به سواد تاریخی ندارد چرا که هنوز بسیاری از آنها که انقلاب ۵۷ را زندگی کرده‌اند زنده هستند و راویان دست اول آنچه بر ایران رفت.

بنابراین به‌جاست که بدانیم و بگوییم که درستی و ارزشمندی اهداف به تنهایی منجر به تامین آنها و به نتیجه رسیدن تلاش‌ها و مبارزه‌ها نخواهد شد. روش‌ها و وسیله‌ها اگر نه بیشتر، کمتر از اهداف مهم نیستند.

پایه خراب‌آباد جمهوری اسلامی اینگونه گذاشته شد که در خیابان‌ها لیست «ساواکی‌ها» را منتشر کردند و ما گرفتیم و مرور کردیم و در پی شناسایی آنها رفتیم و زندگی را ناروا بر هزاران خانواده ناممکن کردیم.

اساس ظلم اینگونه پی‌ریخته شد که بر پشت بام مدرسه رفاه، بی‌هیچ روال پذیرفته‌شده‌ی قضایی و اخلاقی افراد را به گلوله بستند و بسیاری از ما به شادی کف زدند.

بنیان فساد چنین چیده شد که بسیاری از ما برای حواریون خمینی حق ویژه را روا دیدیم و به آن

شاید کسانی نشر مطلبی از این جنس را در زمانی که در آن هستیم نابجا و یا حداقل کج‌سلیقگی بدانند. عده‌ای هم شاید این را آب به آسیاب رژیم اسلامی ریختن قلمداد کنند. به گروه اول:

اخلاقا تاخیر و مصلحت‌اندیشی در ابراز آنچه درست می‌دانیم ناپسندیده است. عملاً پرهیز از مقابله با غلط، یا بنا بر احتیاط و واهمه از غضب توده‌های عصبانی که در پی هدفی مقدس‌اند، یا از روی محاسبه و فرصت‌جویی، به فرجامی تلخ می‌رسد چنانکه ندیدن یا نادیده گرفتن رفتارهای غلط انقلاب ۱۳۵۷ منجر به استقرار نظامی غلط‌مدار شد بسیار سریع‌تر از آنکه جامعه فرصت هضم و دفع آن را پیدا کند.

به گروه دوم:

اگر صادقانه می‌گویید: من معتقدم اشتباه می‌کنید. اگر برای سبقت گرفتن از دیگران به طمع نامی و جایی در نظمی نو می‌گویید: این بهایی بسیار زیاد برای داشتنی بسیار سخیف است.

چنانکه قوانین جوامع بشری و سیر تاریخ حکم می‌کند، ۴۳ سال بی‌عدالتی، تمامیت‌خواهی، فساد و جنایت جامعه ما را در آستانه انقلابی دیگر قرار داده که اگر امروز به نظام خشن اسلامی پایان ندهد فردا خواهد داد.

همه شاهدیم چگونه خشم و اراده‌ی تغییر، جوانان و نوجوانان بی‌دفاع را به خیابان‌هایی که شاید هرگز از آن برنگردند می‌کشاند.



افزایش خشونت‌های خانگی در کانادا برای هفتمین سال پیاپی زنان برای افشاگری شهامت بیشتری پیدا کرده‌اند

طبق گزارشی که اداره آمار کانادا روز چهارشنبه منتشر کرد، تماس‌ها با پلیس کانادا از طرف زنان قربانی خشونت‌های خانگی در سال گذشته برای هفتمین سال پیاپی افزایش یافت اما کارشناسان اداره آمار اطمینان دارند که تصویر واقعی از خشونت‌های خانگی در کانادا قطعاً بدتر و تاریک‌تر از آن چیزی است که آمار نشان می‌دهد.

در سال گذشته از هر یکصد هزار زن کانادایی، ۵۳۷ نفر ادعان کردند که قربانی خشونت خانگی واقع شده‌اند. آمار خشونت‌های خانگی در کانادا از سال ۲۰۱۴ همواره روندی صعودی داشته و طرح‌ها و تدابیری که دولت‌های استانی یا فدرال برای مقابله با این معضل به کار گرفته‌اند، نتایج مطلوب را به همراه نداشته است. در سال ۲۰۱۴ از هر یکصد هزار زن کانادایی ۴۵۲ نفر خود را قربانی خشونت خانگی دانستند اما این رقم در سال گذشته به ۵۳۷ نفر در هر یکصد هزار نفر رسید.

کریستین ژیرو، فعال حقوق زنان که خود نیز قربانی خشونت خانگی بوده است، تأکید کرد: «در طول همه‌گیری کووید ۱۹، شرایط برای زنان بدتر شد زیرا به علت محدودیت‌های رفت‌وآمد به‌ویژه قرنطینه، زنان با مهاجمان در خانه‌ها خود محبوس بودند و امکان بیرون رفتن، صحبت کردن و اظهارنظر نداشتند. این محدودیت‌ها بدترین لحظات را برای زنان قربانی خشونت خانگی رقم زد.»

اداره آمار کانادا در گزارش خود هشدار داد شمار زنان قربانی خشونت بر اساس محاسبات آماری،

به احتمال زیاد خیلی کمتر از میزان واقعی است. در این گزارش آمده است: «طبق نتایج یک تحقیق عمومی اجتماعی در ۲۰۱۹، یک نفر از هر پنج زن قربانی خشونت خانگی (۱۹ درصد)، رفتار خشونت‌آمیز همسران خود را به پلیس گزارش داده بودند.

کلودین تیبدو، سخنگوی سازمان مبارزه با خشونت‌های زناشویی SOS تأکید کرد تعداد تماس‌های تلفنی که این سازمان از زنان قربانی خشونت دریافت می‌کند در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ حدود ۴۱ هزار مورد در سال بود اما این رقم تا مارس سال ۲۰۲۲ به ۵۸ هزار رسیده است. این آمار واقعاً نگران‌کننده است.

خانم تیبدو در عین حال خاطرنشان کرد که افزایش تعداد تماس‌ها لزوماً به معنای افزایش خشونت‌های خانگی در جامعه نیست بلکه بیانگر این واقعیت هم هست که زنان برای افشا کردن خشونت شوهران خود شهامت بیشتری پیدا کرده‌اند. قبلاً بسیاری از خشونت‌های زناشویی برای همیشه در چهاردیواری خانه‌ها مدفون می‌شد بدون این‌که کسی از این قضایا بوی برد اما امروز درها و ذهن‌ها بازتر شده‌اند و ما بیشتر می‌بینیم.

باین‌حال تازه‌ترین آمار خشونت‌های خانگی در استان کبک حکایت از افزایش خشونت‌های خانگی دارد. خانم تیبدو می‌گوید ۱۲ فقره قتل مرتبط با خشونت‌های خانگی طی تنها ۱۲ هفته در استان کبک ثبت شده است. این یک آمار

عجیب‌وغریب و ترسناک است. به گفته خانم تیبدو، خشونت‌های خانگی بین یک زوج می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد که تلاش برای کنترل رفت‌وآمدهای طرف مقابل یکی از موارد بارز آن است. این فعال حقوق زنان افزود: «این شکل از خشونت خانگی به‌ویژه در میان جوانان به‌وفور اتفاق می‌افتد. سازمان مقابله با خشونت‌های خانگی در وبسایت خود پرسشنامه‌ای تعاملی برای ردیابی علائم و نشانه‌های خشونت خانگی به‌صورت روزانه ارائه می‌کند.

مریم دوبه، استاد دانشکده مددکاری اجتماعی UQAM، نیز می‌گوید باید در هر دو سطح خرد و کلان سرسختانه کار کنیم تا بتوانیم به کاهش خشونت‌های خانگی در جامعه خود امیدوار باشیم. خانم دوبه تصریح کرد: «من معتقدم که با افزایش تدریجی برابری جنسیتی در جامعه کانادا، مسئله خشونت‌های خانگی تا حدودی نادیده گرفته شده است. خشونت خانگی در معنای بسیط خود شامل همه افرادی می‌شود که به هر علتی در اعماق وجود خود نسبت به رفتار شریک زندگی‌شان احساس خطر می‌کنند.»

قربانیان خشونت‌های خانگی می‌توانند ۲۴ ساعت شبانه‌روز و ۷ روز هفته از طریق شماره تلفن رایگان ۱-۸۰۰-۳۶۳-۹۰۱۰ با سازمان مقابله با خشونت‌های خانگی تماس بگیرند.

منبع: وبسایت شبکه خبری لاپرس



مسئله‌ای که به تازگی برخی کانادایی‌ها متوجه شده‌اند: آیا کارفرمایان شما را ردیابی می‌کند؟

شرکت‌های فناوری Hubstaff، Time Doctor و Tera-mind گفته‌اند که شمار متقاضیان خرید نرم‌افزارهای پایش آن‌ها بالا رفته است. این نرم‌افزارها توان کنترل آن چه که بر صفحه کلید نقش می‌بندند، ضبط تماس‌های تلفنی و حتی اسکرین‌شات در هر ۱۰ دقیقه را دارند.

الی ساتون، یکی از مدیران Teramind می‌گوید که مشتریان آن‌ها از شرکت‌های حقوقی و مخابراتی گرفته تا دولت و بخش مراقبت‌های بهداشتی را شامل می‌شود. در کانادا، این شرکت در حال حاضر حدود ۳۰۰ مشتری فعال دارد و ۱۵۰ مشتری هم برای استفاده آزمایشی از نرم‌افزارشان اقدام کرده‌اند. ساتون می‌گوید که از همان آغاز همه‌گیری مشتریانان سه چهار برابر افزایش یافت که این نشان‌دهنده علاقه کارفرمایان به پایش کارکنانشان است.

آیا ردیابی سودمند است؟

برخی از منتقدان نرم‌افزار نظارت بر کارمندان می‌گویند که این نرم‌افزار در واقع نمایش دقیقی از عملکرد کارکنان نمی‌دهد، زیرا کارمندان ممکن است کارهای دیگری، مانند صحبت کردن با همکاران و راهنمایی آن‌ها، را انجام دهند که برای کارفرمایان مفید است و نرم‌افزار، این کنش‌ها را ثبت نمی‌کند.

والریو دی استفانو، استاد و رئیس انجمن تحقیقات کانادا در زمینه نوآوری، قانون و جامعه، می‌گوید که شرکت‌ها می‌توانند با ارزیابی کارکنان بر اساس بازده، به جای گوش کردن به حرف نرم‌افزار و محاسبه زمانی که کارمندان صرف کار کرده‌اند، عملکرد بهتری داشته باشند.

منبع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا

همه‌گیری کووید منجر به قرنطینه شد و کارمندان ناچار شدند که از خانه کار کنند، بسیاری از کارفرمایان سازوکارهای پایش الکترونیکی را بدون آن‌که کارکنانشان را در جریان بگذارند، پیاده‌سازی کردند.

گفتنی است که قانون انتاریو بر همه کارکنانی که از دستگاه‌های شرکت استفاده می‌کنند اعمال خواهد شد. این حتی شامل حال راننده کامیون حمل‌ونقل هم می‌شود که جی‌پی‌اس بر کامیونش نصب شده، یا ایمیل‌های یک کارمند اداری.

اروین می‌گوید که این قوانین استانی جدید گام خوبی به سوی شفافیت است. چون زمانی که بدانیم آن‌ها واقعاً چه کار می‌کنند، آنگاه درک بهتری از این که آیا این سیستم‌های پایش قوانین دیگری را هم نقض می‌کنند یا نه، خواهیم داشت.

باین‌حال اروین می‌گوید که باید در این زمینه کارهای بیشتری انجام شود، چراکه این قانون در واقع حقی را برای حفظ حریم خصوصی به کارمندان نمی‌دهد یا کارفرمایان را از نظارت و پایش بیش از حد باز نمی‌دارد. اروین می‌گوید انتظار دارد که اگر کارمندان از این نظارت‌ها ناراضی‌اند و راحت نیستند موضع‌گیری کنند و عقب‌نشینند.

تسریع ردیابی کارمندان با همه‌گیری

بر اساس گزارشی درباره سیاست امنیت سایبری از دانشگاه متروپولیتن تورنتو، در حالی که تعیین تعداد شرکت‌هایی که از نرم‌افزار ردیابی کارمندان استفاده می‌کنند دشوار است، ردیابی کارمندان و پایش کارکرد آن‌ها در طول همه‌گیری در کانادا شتاب و گسترش چشمگیری یافته است.

اگر در زمان کاری بیش از آن که وقت خود را در اکسل صرف کنید در یوتیوب گشت‌وگذار کنید، نرم‌افزاری هست که می‌تواند شما را «ناکارآمد» برچسب بزند و گزارشی از کارکردتان به کارفرمایان بفرستد. این واقعیتی تازه است، چون همچنان که کار از راه دور همه‌گیرتر شده است، کارفرمایان بیشتری هم تمایل به پایش کارمندان‌شان پیدا کرده‌اند تا ببینند که آیا آن‌ها در کار سستی می‌ورزند، یا نه. کارمندی مانند فریهه چودهوری می‌گوید که دوست دارد بداند که آیا فعالیت‌هایش پایش می‌شوند یا نه. او می‌گوید: «این مثل جاسوسی است و بنابراین حق دارید که بدانید آیا این برای شما هم اتفاق می‌افتد یا نه.»


مصطفی کبری هم می‌گوید شرکت‌هایی که به این راه‌حل‌های نرم‌افزاری روی می‌آورند در جاده‌ای لغزنده گام برمی‌دارند، چون روشن نیست که تا کجا می‌توانند پیش بروند و این کمی نگران‌کننده است. علی‌رغم این، از روز سه‌شنبه، کارفرمایان انتاریویی که ۲۵ کارمند یا بیشتر دارند ملزم خواهند بود که خط مشی پایش الکترونیکی داشته باشند و آنان ۳۰ روز فرصت دارند که اطلاعات را در اختیار کارکنانشان بگذارند.

این امر که بخشی از قانون کار کارکنان است، استان انتاریو را به تنها استان کانادا بدل کرده که در زمینه پایش کارمندان، قوانین دارد. گفتنی است که کبک، آلبرتا و بریتیش کلمبیا کارفرمایان را ملزم به افشای جمع‌آوری داده‌ها تحت قوانین حفظ حریم خصوصی می‌کنند.

گامی به سوی شفافیت

مکنزی اروین، وکیل استخدام می‌گوید، از آنجایی که

توین میوز
Twin Muse
Piano Academy



Académie de Piano TwinMuse
(514) 814-1749
twinmuse.ca

استاد شیدا قره چه داغی
اهنگساز پیانیست

چند شاگرد پیشرفته پیانو می‌پذیرد
جهت آماده شدن برای امتحان‌های
دانشکده‌ها یا مدارس عالی
موسیقی و کنسرت



514 484 8748
sheida.g@hotmail.com

Ottawa Persian Radio
www.PersianRadio.net

نماشوم

هر دوشنبه شب از ۷ تا ۹
از اکتبر ۲۰۰۱ تا کنون

ما ادعای کنیم که حرفی برای گفتن داریم!

Ottawa Persian Radio
Namaashoum
Every Monday 7-9 PM Since Oct. 2001
www.PersianRadio.net

رادپونماشوم
اولین رادیو پارسی زبان مردم اتاوا

نماشوم همیشه جویای همکاری همکاران تازه است
www.PersianRadio.net
[@namaashoum_radio](https://t.me/ottawaradio)

صابر جلیل زاده

آموزش سنتور

ابتدایی
مقدماتی
ردیف



saberjallizadeh@yahoo.ca 514-549-4697



آریانا
مقاله
گزارش





معرفی کتاب شناسنامه شاعران معاصر افغانستان در انجمن ادبی نوای نیستان

احمدشاه فیاض: «این اولین بار است که یک بانو تذکره‌شعرا می‌نویسد»

ادبیات قوی دارند و همیشه مطرح استند از تاثیرگذاری زبان‌شان است و ما باید بالای زبان خود سرمایه‌گذاری کنیم.»
او افزود: «قسمی که در برنامه‌های قبلی در باره تاریخ تذکره‌نویسی یادآور شدیم تاریخ تذکره‌نویسی در افغانستان از قدامت تاریخی و قدیمی برخوردار است بعضی‌ها به ادبا و منورین بعد از اسلام می‌پرداختند. در حالیکه کتیبه‌ها و نظم و نثر ما پیشتر از دوره اسلام است.» او به چند نمونه اشاره کرد؛ مانند معاصرین سخنور از مولانا خسته که اشاره‌ای به ماقبل اسلام و بعد از اسلام دارد و همچنان سکینه الفضلا که در آنهم تقریباً ۸۹ عارف، عابد و

«پر پر نمود دیو ستمگر به باغ ما
آن گلبنی که از همه زیبا و پاک بود»
و با ابراز غم‌شریکی پارچه موسیقی را از شعر ضیاگل سلطانی شاعری که درج این کتاب است چنین به زمزمه گرفت:
«دیگر مگو روایت چشمان خسته را
تصویری از تبسم لبهای بسته را
در انزوای غربتم آهسته‌تر بیا
تا بشنوی ترنم قلب شکسته را»
آقای فضل از هنرمندان جوان خواست تا از اشعار شعرای معاصر کشور استفاده کنند و در باره اهمیت زبان صحبت نمود و گفت: «کشورهای که اساطیر بزرگ و زیبا و

در هفته‌ای که گذشت انجمن ادبی نوای نیستان و در دری به سلسله برنامه‌های ادبی و فرهنگی؛ کتاب شناسنامه شاعران معاصر افغانستان را که توسط نرگس هاشمی گردآوری و ترتیب‌شده به معرفی گرفت. این برنامه به گردانندگی حسیب الله فضل شخصیت فرهنگی مونتربال و یکی از اعضای این انجمن آغاز شد و نشر و چاپ کتاب شناسنامه شاعران معاصر افغانستان را یک اقدام نیک و خوب برای آینده ادبیات و فرهنگ افغانستان دانست. آقای فضل برنامه نوای نیستان را با پیغامی که بیانگر غم‌شریکی با گل‌های پرپر شده‌ی کورس آموزشی کاج در غرب کابل بود با این احساس آغاز کرد:

را ترتیب و به ملت افغانستان و تاریخ ادبیات فارسی تقدیم نمایم. جا دارد که با استفاده از فرصت از محترم محمد افسر رهبین شاعر، نویسنده و شخصیت فرهنگی و ادبی کشور که مسوولیت‌های بزرگ فرهنگی و ادبی را در افغانستان همواره انجام داده‌اند ابراز امتنان کنم که این کتاب به یاری و تحت نظر ایشان ترتیب شده است و همچنان از پوهنوال احمدشاه رفیقی و سارنوال حیات‌الله حیات و برخی شعرای دیگر و از حسیب فضل که در دیزاین این کتاب سهم با ارزش داشتند نیز قدردانی نمایم.»

خانم هاشمی افزود: «شما شاهد درج زندگی‌نامه ۱۳۴ شاعر در جلد اول این کتاب استید که از منابع مختلف، ارتباط مستقیم با شاعر و یا خانواده‌های‌شان و کتاب‌های معتبر تذکره‌نویسی و مجموعه‌های شعری شاعران ترتیب شده است. امیدوارم شعری باقی‌مانده را که دارنده‌ی حداقل یک مجموعه شعری‌اند را در جلدهای بعدی این کتاب درج کنیم.»

هاشمی گفت: «شما از پروژه‌های بعدی در باب این کتاب پرسیدید. ما در نظر داریم تا این کتاب را به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی برگردان کنیم تا جهانیان با شخصیت‌های بزرگ فرهنگی و ادبی ما آشنا شوند و همچنان در نظر دارم تا به همکاری شعرا و فرهنگیان پشتو زبان بخش جداگانه از زندگی‌نامه شعری پشتو زبان را به این کتاب اضافه کنم. قسمی که در کتاب مشاهده می‌کنید زندگی‌نامه‌ها به اساس حروف الفبا و ذکر منابع آن ثبت شده امیدوارم راه را برای تحقیق دانش‌آموزان و محققان آسان سازد.»

او افزود: «قسمی که از نام این کتاب برمی‌آید؛ (شناسنامه شاعران معاصر افغانستان) تنها از شعری فارسی‌سرا نیست و تا نهایت کوشش خواهد شد تمام شعری قلم به دست افغانستان را که به دیگر زبان‌های رایج شعر می‌سرایند نیز درج کنیم. تا برعلاوه خدمت فرهنگی بهانه‌ای باشد برای ایجاد اتحاد و اتفاق زیر یک چتر واحد.»

یکی از سوال‌های جالب این بود که چرا این کتاب بصورت رایگان به خدمت مردم گذاشته شده است در حالی‌که اکثریت در تلاش فروش و تجارت کتاب‌های‌شان‌اند؟ هاشمی افزود: «در این عصر سخت و ناگوار



وجود داشت. نخست منحنی دانش آموخته ادبیات فارسی و اصلتی که در مقابل تاریخ ادبیات کشور داشتیم؛ خواستم اثری را قسمی که گذشته‌گان ما انجام داده‌اند ادامه بدهم و انگیزه دیگر این بود زمانی که محصل سال اول ادبیات بودم با شا روان عبدالرزاق شجاع اقدام به جمع‌آوری و ترتیب تذکره شعری معاصر و متقدم کردم اما متأسفانه بنابر شرایط بد امنیتی و جنگ‌های داخلی؛ افغانستان را ترک کردم و اوراق این تذکره قبل از چاپ طعمه حریق گردید و این آرزویم تحقق نیافت و تاکنون نبود امکانات این آرزویم را به تاخیر انداخت و از سوی دیگر که اکنون در افغانستان عصر حجر و سنگ است و محتسب‌گرایی در تلاش اشغال ادبیات ماست سه سال قبل به جمع‌آوری زندگی‌نامه‌های شعرا پرداختم و دو سال قبل یکی از مولفان جوان ما برای جمع‌آوری زندگی‌نامه شعرا از من درخواست کار مشترک را کرد و من هم که عاشق و دل‌باخته کار فرهنگی و ادبی استم لیبیک گفتم و منحنی تهیه‌کننده به تحقیق و تفحص پرداختم. اما بعد از ایجاد یک کمیته که تعداد زیادی از شعری خوب ما را حذف کردند و من تعهدی که با این شعرا داشتم به صورت جدی در انجام این کتاب کوشیدم و خوشبختانه توانستم در ظرف سه سال جلد اول کتاب شناسنامه شاعران معاصر افغانستان

شاعر شناسایی شده است و از چند کتبی‌های که جز ادبیات ماست مانند کتبی‌ه رباطک نام برد.

حسیب شعری افغانستان را تشویق کرد تا کتبی‌های گذشته را برگردان کنند و از سروده‌ای کرکوی نام برد و گفت سروده‌ای خرابکده کرکوی در افغانستان است.

او افزود: «امروز که مساله زبان‌ها داغ است و در زبان من و تو (فارسی دری، پشتو، تاجیکی و عربی ستیزه کاری صورت می‌گیرد این زبان‌ها با هم مشترکات زیادی دارند.» او از ابوالینبغی عباس‌بن طرخان که در نخستین سده‌های هجری در خدمت برمکیان بوده و شعری را در تاسف برخرابی سمرقند سروده یاد کرد.

بعد از تشریحات عمومی در باره تذکره‌نویسی و اهمیت زبان‌ها حسیب فضل از مهمان برنامه؛ نرگس هاشمی دعوت به سخنرانی نمود و از تشریف‌آوری مهمانان ابراز امتنان کرد و از خانم هاشمی پرسید: چی انگیزه باعث شد که اقدام به جمع‌آوری زندگی‌نامه شاعران معاصر افغانستان کردی؟

خانم هاشمی افزود: «تشکر از شما که از آغاز تا انجام این کتاب حمایتگر و مشوق ترتیب این کتاب بودید. قسمی که این کتاب در دسترس شما قرار دارد و پی دی اف کامل این کتاب در خدمت ادب‌دوستان و علاقه‌مندان قرار گرفته انگیزه‌های زیادی برای ترتیب این کتاب

نشر این کتاب همچنان ابراز خرسندی کرد و زحمتکشی‌های نرگس هاشمی را قدردانی کرد و گفت: «در افغانستان مردان زیادی تذکره‌ی شعرا را نوشته‌اند اما این بار اولین بانوی فرهیخته و شجاع کشور دست و آستین بر زده و شناسنامه شاعران معاصر را نوشته است. من به این شهکاری خانم هاشمی خجسته باد می‌گویم و آن را مایه افتخار به تمام بانوان افغانستان می‌دانم.»

این شعر احمدشاه فیاض در روی پرده زوم به نمایش گذاشته شد:

«تا کوله بار یاد تو بردوش می‌کنم

رنج هزار جاده فراموش می‌کنم

پر می‌شود فضای دلم از نوای عشق

وقتی سرود وصل ترا گوش می‌کنم...»

او خاطره سرودن این شعر را هنگام چاپ و ترتیب مجموعه شعری‌اش (در شهر آفتاب) با عقیق باختری که در تلاش مطلع و مقطع این شعر بودند با گذر از پله‌های زینه بیان کرد که بی‌نهایت دلچسپ و شاعرانه بود و شعر (سلام سبز جنگل) را بخوانش گرفت و داکتر کمال سعید در باره خاطره احمدشاه فیاض گفت که در راه زیر زمینی فکر درستش بکار افتاده چرا که همین زیر زمینی همان جایگاه آرزوست که با رفتن به جایگاه آرزو روشنی سرودن شعر برایش رخ داد.

در اخیر محترم داکتر عنایت بارک و کمال سعید برداشت‌شان را از این برنامه غنی دانسته و آقای بارک افزود: «قسمی که می‌دانید انجمن نوای نیستان و در دری مهمان‌نواز تمام اشخاص فرهنگی و ادبی است و این انجمن که عمر ۲۷ساله دارد؛ وظیفه آن قدردانی از اشخاص فرهنگی و ادبی می‌باشد.»

او نیز نشر کتاب شناسنامه شاعران را در این شرایط حساس در افغانستان کار مثبت دانست و گفت که با این کار خشت دیگری بر تاریخ ادبیات افغانستان نهاده شد و پر افتخارتر قسمی که آقای فیاض گفتند گردآورنده این کتاب اولین بانوی تذکره‌نویس می‌باشند.

حسیب فضل برنامه را با این جمله خاتمه بخشید: «با شنیدن شعرهای زیبا و معرفی با شعری با استعداد ما دریافتم که هنوز هم قهقه کبک دری و قند پارسی پابرجاست و پابرجا خواهد بود.»

و گفت: «شعر از دیر زمان با من بوده و همیشه تسلا و تکیه گاهم است و خود را شاعر نمی‌گویم چون نزد اهل ادب زیره را نزد کرمان بردن است و اما با آنهم چند مجموعه شعر را جمع کردم و اولین مجموعه‌ام بنام «فصل شگفتن | و متعاقباً دو مجموعه دیگرم به چاپ رسید. «او یکی از اشعارش را بخوانش گرفت و این شعر درج شده‌ی او به نمایش گذاشته شد: «شب بی‌سحر

سحر رنگ سیاهی برگرفته

افق تاریکی‌اش از سر گرفته

دلم بشکست از فصل تباهی

در و دیوار این دل در گرفته»

این شعری شفیق رفیقی که توسط برادرش احمدشاه رفیقی معرفی گردیده و درج این کتاب شده چنین بخوانش گرفته شد:

«در آسمان هستی ما آفتاب زن

مرحم گذار غصه و رنج و عذاب زن

زینت فزایی گلشن دور شباب زن

پاکیزه همچو چشمه آب گلاب زن...»

پوهنوال احمد شاه رفیقی شاعر، نویسنده، ادبیات‌شناس و اولین موسس دانشگاه تعلیم و تربیه در ولایت غزنی که درج این کتاب است چندین تذکره الشعرا مانند سخنوران لوگر، پرتاووس، شاعران عصرحاضر و خیناگران قلم را که در کتابخانه‌اش داشت به بیننده‌گان نشان داد و گفت اینها تذکره‌های‌اند که هرکدام شعری مختلف را معرفی کرده‌اند و نرگس هاشمی برعلاوه کتاب شناسنامه شاعران معاصر در کتاب «خیناگران قلم» که اخیراً به چاپ رسیده نیز زحمت زیاد کشیده است و مولف این کتاب بسیاری از شعرا را به ذوق خودش درج و عده‌ای را هم حذف کرده. او شعری را تحت عنوان «مرگ به این انقلاب» بخوانش گرفت و این شعر رفیقی توسط حسیب فضل دکلمه و به نمایش گذاشته شد:

«ای مادر آن الهه دلشاد کن تویی

کز پرتو تو خانه چو گلزار می‌شود

دست نوازش تو بود غمربای دل

لطفت شفا ده دل بیمار می‌شود...»

احمد شاه فیاض شاعر، نویسنده، ادب دوست و ادب‌پرور مشهور به الماس بلخ که صفحه‌ای انترنتی را بنام فارسی‌سرایان بدون مرز و الماس بلخ فعال کرده و اشعار شعرا را با آدرس انترنتی شعرا نشر می‌کنند؛ در باره

خلاف سرمایه‌گذاری بالای ادبیات و کارهای فرهنگی استم. در این شرایطی که شاعران ما یا ترک دیار کرده‌اند و یا هم اگر در افغانستان استند درگیر پیدا نمودن نان و آب‌اند. فروش این کتاب واقعاً ظلم و سوء استفاده از فرهنگیان و ادیبان و جوانان ماست.»

آقای حسیب از فرهنگیان خواست تا در این عرصه همکاری نمایند و در مسایل معنوی و مادی گردآورنده را یاری رسانند و با انسان‌های هدفمند بیوندند.

داکتر کمال سعید عضو انجمن ادبی نوای نیستان با اشاره به نطق برنامه اجازه صحبت گرفت و افزود: «من من حیث معلمی که اکنون متقاعدم و شوق نمره دادن دارم. به نرگس هاشمی بلندترین نمره را می‌دهم که در دل شوق و عشق خدمت به ادبیات و فرهنگ را دارد و کاری را که روی دست گرفته آینده‌بسا مهم، بزرگ و امیدوارکننده دارد.»

در قسمت بعدی برنامه حسیب فضل و نرگس هاشمی به معرفی مهمانان برنامه که شاعران درج شده‌ی این کتاب‌اند پرداختند.

نخست صفیه میلاد شاعر، نویسنده و ژورنالیست موفق کشور به معرفی گرفته شد و لب به سخن آورد و از نشر و ترتیب این کتاب ابراز خرسندی کرد و گفت از خانم هاشمی که مدت سه سال در این کتاب زحمت کشیده و مرا از طریق انترنت پیدا کرد و زندگی‌نامه‌ام را درج این کتاب کرد امتنان می‌نمایم. او انگیزه سرودن شعر «بانوی قصه خوان» را که در این کتاب موجود است اشتراک در گروهی از شعرا دانست که به مناسبت‌های گونه‌گون شعر می‌سراید مانند حادثه المناک دشت برچی. او شعری را بخوانش گرفت که با حوادث اخیر در افغانستان سازگاری داشت:

«دیدم زخم‌ها تبرگشت کاج را

قلبم برآش مویه‌کنان گریه می‌کند»

و این شعر صفیه میلاد به نمایش گذاشته شد و دکلمه گردید:

«شب بی‌سحر

سحر رنگ سیاهی برگرفته

افق تاریکی‌اش از سر گرفته

دلم بشکست از فصل تباهی

در و دیوار این دل در گرفته»

سارنوال حیات الله حیات پس از معرفی نامه‌اش بنوبه خود از نشر این کتاب ابراز امتنان کرد



خواجه مستان شاه کابلی

سرزمین ما افغانستان مهد پرورش علما، ادبا، شعراء، نویسندگان، هنرمندان، ورزشکاران و سایر خدمتگزاران جامعه بوده، شخصیت‌های منور و مشهوری را در دامانش پرورانیده، که آثاری جاودان و ارزشمندی از آن‌ها به میراث مانده است. در بخش شعر و ادب زبان فارسی شعرا و نویسندگانهای پرآوازه و مشهور درین سرزمین به دنیا آمده و آثار ماندگاری را قلم زده‌اند.

این جاسخن از شاعری ست که کمتر از او یادشده اما، شعرهایش همیشه درخور ستایش و ورد زبان‌هاست. این عارف گران‌مایه خواجه مستان شاه کابلی است! خواجه مستان شاه کابلی، پیر طریقت عرفانی چشتی (که این طریقت از چشت شریف هرات به تمام نقاط دوردست گسترش یافته است) و سلسله ارادت و خلافت ایشان از طریق شاه نیاز احمد بریلوی چشتی به خواجه معین‌الدین چشتی می‌رسد که از جمله شاعران و غزل‌سرایان برجسته و نامدار قرن سیزده قمری مطابق قرن بیست میلادی بوده در اوایل دهه‌ی اول همین قرن در شهر کابل تولد گردید.

آثار نخبه‌ی او بیشتر در بخش تصوف از جمله آتشکده وحدت، دیوان ثانی، یوسف زلیخا به نظم، سراج‌الصالحین، مخمس چهل اسرار و دیگر رساله‌ها. «گه عرش و گهی کرسی، گه نفی گه اثباتم گه مسجد و گه دیرم، گه کعبه و میقاتم خالص شنوای عارف، از رمز مقالاتم «بی‌جان شده‌ام صد ره، تا جان خراباتم چون جان خراباتم، جانان خراباتم» «استقبال از بیت مولانا»

این مرد گران‌قدر بعد از فراگیری مراحل ابتدایی علم و زحمات زیاد خود از جمله‌ی بزرگان اهل تصوف گردید. اشعار مستان شاه اغلب در قالب غزلیات زیبا و دلکش است، که خواننده را به خود جذب می‌کند. بنابر ملحوظات سیاسی در عصر امیر حبیب‌الله خان از افغانستان تبعید شد و در سال ۱۲۸۴ هجری شمسی مطابق ۱۹۰۵ میلادی وارد شهر کشمیر گردید. بعد طی مدتی از آنجا به دهلی رحل اقامت گزید و تا اخیر عمر در آنجا باقی ماند. او در هر کجای که اقامت گزید، به سرودن اشعار ادامه داد و آثار پربهای از خود به جا گذاشت.

در مورد این شاعر صوفی مشرب، متأسفانه مدارک زیاد در دسترس نیست که طور مشروح در موردش نگاشته

شده باشد. به قرار نظر یکی از بازمانده‌هایش که در شهر مزار شریف بسر می‌برد، مطالب آتی بدست آمد. بشیر احمد واحدی که یکی از بازمانده‌گان (بازمانده‌های) مستان شاه کابلی ست گفته است: سید رسول مستان شاه کابلی پدر کلان مادری من است. او یکی از شاعران فراموش‌شده عصر امیر حبیب‌الله خان می‌باشد. تاریخ وفات این شخصیت عرفانی را سال (۱۲۹۳ تا ۱۲۹۸ هجری شمسی یا قمری؟ مطابق ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۹ میلادی) تخمین کرده‌اند!

به قرار یک رساله محمد وثوق وقفی و محمد وحید وقفی کواسه‌های این شخصیت عرفانی، کتاب آتشکده وحدت را بازنویسی کردند (صاحب‌نظران به این زحمت‌شان آفرین خواهند گفت).

«جانان خراباتم» بیت خوشگوار این عارف گران‌قدر که به استقبال بیت مولانا بزرگ سروده شده است. بارها از بزرگان شعر و ادب، استادان و غزل‌سرایان موسیقی افغانستان این شعر زیبا، دلنشین و تصوفی را شنیده و گوش داده‌ایم، گاهی؛ استاد سرآهنگ، نعیم نظری، امیر محمد، ناشناس، قاسم بخش، هماهنگ و گاهی هم رحیم جهانی، احمدولی، سیدعمر، سمیع رفیع و عده‌ی دیگر اجرا نموده‌اند.

این است مخمس مستان شاه کابلی به استقبال از شعر مولانا جلال‌الدین محمد بلخی:

«گه عرش و گهی کرسی، گه نفی و گه اثباتم گه مسجد و گه دیرم، گه کعبه و میقاتم خالص شنوای عارف، از رمز مقالاتم «بی‌جان شده‌ام صد ره، تا جان خراباتم چون جان خراباتم، جانان خراباتم»

چون گشت تعیین‌ها، پرده به رخ حضرت جستم ز همه اکوان، اندر تتق عزت بر بسته تمامی رخت، از مدرسه کثرت «این خرقه هستی را در میکده وحدت صدبار گرو کردم، عریان خراباتم»

از قربت احدثیت، در ملک اضافاتم منزل چو هزار و یک چل گشته مقاماتم زاهد! به خدا رو رو، ضایع مکن اوقاتم «من آینه ذاتم، خورشید سماواتم من بحر کراماتم، من کان خراباتم»

شد طور تجلی گرم، دل گشت ز هستی پاک
از آتش قرب خود، بگداخت همه خاشاک
نی پیک امین اینجا، نی زرف چلاک
«بی واسطه املاک، در لوح دل لولاک
نازل شده‌ام امشب، قرآن خراباتم»

در زهد ربایی نیست عشاق ورا مطلب
خورشید صفت قلبم افتاده به تاب و تب
معشوق و می و ساقی، این است مرا مشرب
«در خانقاه صوفی، رو رو مطلب کامشب
با یار خراباتی مهمان خراباتم»

اندر ره عشق حق، نی ملت و نی آئین
چون کفر حقیقی شد، پا تا سر من مشکین
گنجیده چو انوارش، اندر دل این مسکین
«ای ساقی جان برخیز، ای شمع خرد بنشین
وای مطرب دل بر گو، سلطان خراباتم»
آیات الهی درج، در پرده تضمینم
خورشید سماواتی، «مستان شه» حق بینم
پرسید چهای یاران، از ملت و آئینم
«شمس‌الحق والدینم، با عزت و تمکینم
خود را همه او بینم، عریان خراباتم»

توضیح بعضی لغت‌ها:

- میقات: وعده‌گاه، وقت، هنگام.
- موقوت: محلی که برای اجتماع گروه در آن وقت تعیین شده باشد. جمع آن مواقیت.
- محل قرار.
- محل احرام بستن حجاج، موضعی که حجاج در آن جا احرام می‌بندند.
- وقت و هنگام.
- ۲- لغت زرف: اَرَز [بساط گران‌مایه، جامه‌های سبز، دامن‌های خرگاه و امثال هم.
- ۳- تتق: جادر و پرده بزرگ، پرده و سرا پرده.
- ۴- لولاک: از لو + لا + ک، ضمیر است به معنی اگر تون بودی.
- مأخذ: منابع اجتماعی.
- با تشکر از محترم داکتر کمال سید گرامی ادیب و روانشناس، که در جهت غنای این مضمون توضیحاتی ارائه نمود.

خاطره تجویلداری یکتا
 مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران
Commissioner for Oaths
 در محدوده کبک و خارج از کبک
 کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها
 گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت
حتی در روزهای تعطیل
 (438) 390-0694 (514) 675-0694
 khaterehyekta@yahoo.ca

تدریس خصوصی Trading
 • فارکس
 • بورس
 • ارز دیجیتال
 • میاندی - حرفه‌ای
 جلسه اول رایگان
(438) 220-1204 سارنگ

حسابداری و مالیات **XL-ON TAX SERVICES INC.**
SERVICE D'IMPÔT XL-ON INC.

خدمات مالیات برای:
 • کارکنان، دانشجویان، بازنشستگان
 • افراد خود اشتغال، افراد حرفه ای
 • شرکت ها
 • ساکنین خارجی غیر مقیم
 • ساکنین کانادا یا درآمد خارجی
 • سود سرمایه
 • درآمد تجاری، درآمد اجاره
 • جدایی از همسر
 • افراد مرحوم و ...

Income Tax Services For:
 • Employees, Students
 • Self-employed, Professionals
 • Corporations
 • Non-Residents
 • Foreign Income
 • Capital Gains
 • Business Income / Rental Income
 • Separation
 • Deceased & more...

با مدیریت عباس شفیعی
 لیسانس بازرگانی از دانشگاه مک گیل
 (ارشد حسابداری و مالیات)

عضو سابق انجمن حسابداران قسم خورده کانادا
 با بیش از ۲۶ سال تجربه حرفه ای در کانادا
 2545 BOUL. CAVENDISH SUITE 134,
 Montréal, QC, H4B2Y9
 email: INFO@XLONTAX.COM
(514) 806 0060

هر روز هر روز
مونترال <> تورنتو <> مونترال
مسافر، بار و بسته با نرخهای باور نکردنی
Montreal: 514-887-0432
Toronto: 647-822-2529

Spa Illusion
 ÉSTHÉTIQUE | ÉLECTROLYSE | LASER
514 694-3735
 6600 Trans-Canada Hwy, Suite 511
 Pointe-Claire, Qc H9R 4S2

سرور صدر
خدمات حسابداری و دفترداری
Accounting & Bookkeeping Services
With appointment

✓ اظهارنامه مالیاتی برای افراد و شرکتها
 ✓ امور دفترداری و حسابداری
 ✓ تاسیس و ثبت شرکتها

(514) 777-3604 loyale.accounting@gmail.com
 5263 Boul Cavendish, Montreal, Qc H4V 2R6



خانواده
آشپزی
سرگرمی





املت خرما

		9	3	6	7	5		8
		7	8					6
		6				7	3	4
		3	7	4				
9			6		2			5
				3	9	4		
3	9	4						8
	1				5	6		
6		5	9	7	3	2		

▲ نرمال

		5	2			7		8
7			9		4			5
	8		7			2		
9			4					1
				9				
	1				2			3
		1			9			2
	7		6		5			9
6		3			8	4		

▲ متوسط

	5	6			8			3
		2	9		6			
				5				6
	7					5		1
		4		9		7		
2		9						6
3				2				
			4		7	3		
	4		8			1	5	

▲ سخت

						2	6	
		8			3	1		9
		2			5	8		
3	1				9			
2								1
			5				8	3
		1	7			6		
4		7	1			2		
6	5							

▲ خیلی سخت



«املت خرما» یا خرما تخم مرغ یک غذای مقوی و پر انرژی است که می تواند وعده مناسبی برای صبحانه یا عصرانه باشد. این غذای خوشمزه را با اضافه کردن انواع مغزها نیز می توان تهیه کرد.

طرز تهیه:

پوست خرماها را بگیرید و هسته آن را جدا کنید. سپس خرما را به قطعه های ریز خرد کنید. در یک کاسه تخم مرغها را شکسته و با چنگال کمی هم بزنید تا زرده و سفیده با هم یکی شوند، سپس جوزهندی، دارچین، زعفران، نمک و خرما را به آن اضافه کرده و مخلوط کنید. تابه ای نجسب را انتخاب کنید و کره را درون آن روی شعله قرار دهید تا آب شده و کمی داغ شود. مواد داخل کاسه را در تابه ریخته و اجازه دهید تا املت پخته شود. دقت داشته باشید خرما خیلی سریع می سوزد؛ پس حرارت را خیلی زیاد نکنید و املت را مدام هم بزنید تا بپزد. نوش جان

مواد نان:

۱. خرما
 ۲. کره گیاهی
 ۳. تخم مرغ
 ۴. زعفران دم کرده
 ۵. دارچین
 ۶. جوز هندی
 ۷. نمک
- ۱۰ عدد
۳۰ گرم
۴ عدد
۲ قاشق غذاخوری
یک چهارم قاشق چایخوری
یک هشتم قاشق چایخوری
به میزان لازم

توضیح: خانه های جداول روبه رو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

سخن ستارگان (برای تفنن و سرگرمی)

فال شما برای ۲۷ اکتبر تا ۲ نوامبر / ۵ تا ۱۱ آبان

ترجمه: خاطره تحویل‌داری یکتا

متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)



این هفته با احساسی خوب شروع می‌شود. در این زمان گردهمایی‌های خانوادگی بسیار لذت‌بخش هستند. درعین حال می‌توانید دیگران را برای همراهی با خود در خصوص برنامه‌های آینده و پیشنهادهای بهتر انجام دادن کارها متقاعد کنید. ممکن است ایده‌های ذهن شما را به خود مشغول کرده باشد. شاید این ایده به یک قرارداد تجاری یا مذاکره با کسی مربوط باشد. فعالیتی پنهانی در پشت پرده رخ می‌دهد که ممکن است شما بخشی از آن باشید.

متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)



این هفته بسیار مشغول و پرکار و درعین حال شادمان و خوش‌بین هستید! البته شاید بیش از توان خود برای انجام کار به دیگران قول دهید. از طرفی تمرکز بسیاری بر جریان نقد و امور مالی دارید. می‌خواهید تا می‌توانید با زیرکی بسیار برای پس‌انداز کردن پول تلاش کنید. همکاری شما در این خصوص با فردی دیگر با تمرکز بسیار، بی‌وقفه و مفید است. فراموش نکنید که به دیگران هم گوش دهید.

متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)



این هفته بر پول تمرکز دارید. می‌خواهید بدانید از کجا می‌آید و کجا مصرف می‌شود. در ابتدای هفته بهتر است هنگام بحث و تصمیم‌گیری در مورد مسائل مالی با دیگران مراقب باشید. شاید گمان کنید چیزی می‌تواند بهتر از آن باشد که اکنون هست. فراموش نکنید با محافظه‌کاری عمل کنید. این هفته حس بلندپروازی شما در مورد پروژه‌های بالا گرفته است. ایده‌های خاصی در سر دارید و می‌خواهید کار به‌خوبی انجام شود. به همین دلیل سعی می‌کنید دیگران را متقاعد کنید.

متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)



انرژی این هفته برای متولدین فروردین بسیار خوب است و می‌توانید از آن به نفع خود استفاده کنید. در ابتدای هفته آستین‌ها را بالا زده و با تلاش بسیار سعی می‌کنید تجربه‌خوبی در زمینه کاری کسب کنید. بسیاری از شما در کار خود پیشرفت کرده و یا حتی اصلاحاتی ایجاد می‌کنید. درعین حال در شرایط سخت و چالش‌برانگیز کار تمایل به همکاری با دیگران دارید. در حقیقت با پشتکار و توجه به جزئیات کار، احساس می‌کنید پاداش دریافت کرده‌اید.

متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)



در ابتدای هفته روابط با همکاران بسیار عالی است! در این زمان به دلیل انگیزه‌ای که برای سخت‌کوشی دارید، بسیار کارآمد و مفید هستید. انرژی‌تان آهسته، پیوسته و باثبات است و تا کار را به‌خوبی به پایان نرسانده‌اید، دست‌بردار نیستید. راه‌کارها و ایده‌های جدید برای انجام کارها را در ذهن دارید و بسیاری از شما ذهن خود را بسیار به این ایده‌ها مشغول می‌کنید. حتی برخی از شما در محیط کار تأثیر بسیار خوبی هم بر دیگران می‌گذارید.

متولدین خرداد (۲۱ ژوئن - ۲۱ مه)



اکنون برای شما زمان شادی و بازی است! همه دعوت‌ها را بپذیرید و از حضور در میهمانی‌ها لذت ببرید. حتی اگر می‌توانید، به تعطیلات بروید. بسیاری از شما می‌خواهید با تغییر دکوراسیون منزل، محیط اطراف خود را زیبا کنید. دوستان را به میهمانی شام دعوت می‌کنید. البته باید بدانید که این هفته بسیار مفید و کارآمد هم هستید، زیرا مریخ در موقعیت شما به رقص با زحل مشغول است و به شما انگیزه، پشتکار و قدرت تلاش برای انجام کارها را می‌دهد.

Agence immobilière
GROUPE IMMOBILIERE
LONDONO
REALTY GROUP INC

شهرام والقان

کارشناس املاک مسکونی

خانه شما، خانه ما

- ✓ خرید، فروش، اجاره، پیش‌فروش و پیش‌خرید هوشمندانه
- ✓ کمک به فروش خانه شما در کمترین زمان و بیشترین قیمت
- ✓ مشاوره جهت سرمایه‌گذاری مطمئن املاک
- ✓ ارزیابی رایگان ملک شما
- ✓ تسلط به زبان‌های فارسی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی و ترکی

(438) 402-9363

📍 Shahram.alamshahi
📧 Shahram_realtor
📧 shahram@londonogroup.com

متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



خوش به حال شما! در این زمان حتی اگر کار خاصی انجام ندهید، در نظر دیگران عالی به نظر می‌رسید. در حقیقت در اول هفته موفق و مرفه به نظر می‌رسید. مراقب باشید این شرایط شما را برای موافقت با چیزی اغواء نکند که بعد پشیمان شوید. این هفته نظرات جدی در مورد سیاست، مذهب یا مسائل قومی دارید. از نظرات خود منصرف نمی‌شوید و برای به دست آوردن چیزی بسیار مهم در این هفته سخت تلاش می‌کنید. با جدیت به دنبال اهدافتان هستید.

متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



با شروع این هفته بسیار شاید و پرنرزی هستید، خصوصاً اگر بتوانید سفر کرده و یا کاری هیجان‌انگیز انجام دهید. در تلاش برای به دست آوردن این هیجان و شادی پا را از حد فراتر می‌گذارید. مراقب باشید بیش از حد خود را درگیر بحث‌های سیاسی، مذهبی یا قومی نکنید. اگر به ورزش یا هنر اشتغال دارید، برای بهتر کردن تکنیک‌های خود تلاش بسیار می‌کنید. نظرات بسیار قوی در مورد تقسیم چیزی مثل هزینه‌ها یا ارثیه دارید و به وضوح آن‌ها را مطرح می‌کنید.

متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



در ابتدای هفته احساس انرژی بسیار دارید و به همین دلیل ترغیب به هزینه کردن پول می‌شوید. یا شاید در تقسیم چیزی قسمت عمده آن را بدهید. حتماً خوب فکر کنید تا بعد پشیمان نشوید. ممکن است یک دوست نزدیک شما را متقاعد کند و باعث شود به طریق خاصی عمل کنید. به دیگران گوش نکنید. به خود گوش کنید و کاری را انجام دهید که احساس راحتی می‌کنید. تمام تلاش خود را برای برقراری نظم در خانه به کار می‌گیرید. انرژی در یک جهت همیشه نتیجه خواهد داد.

متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



با شروع این هفته احساس شادی و امید می‌کنید. در عین حال برنامه‌ریزی برای سفر شما را هیجان‌زده می‌کند. البته می‌توان این هیجان را به تلاش بی‌وقفه شما برای انجام کاری که جهان را برای‌تان گسترده‌تر کرده و احساس زنده‌بودن را در شما ایجاد کند، ترجمه کرد. خوشبختانه هر تحقیقی که انجام می‌دهید، نتایجی را به همراه دارد. این هفته توانایی شما برای کنجکاوی و به دست آوردن اطلاعات خارق‌العاده است. هیچ چیز از چشمانتان مخفی نمی‌ماند.

متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



این هفته به نوعی می‌خواهید پشت پرده عمل کنید. شاید این به دلیل تلاش بی‌وقفه شما در خصوص مالیات، بدهی، اموال مشترک و ارثیه باشد. برای تمام کردن این کار سرسختانه تلاش می‌کنید. علیرغم تمایل بسیارتان برای فرار از شلوغی جهان اطراف خود، می‌خواهید از خانه خارج شده و با همه، خصوصاً جوان‌ترها صحبت کنید. می‌خواهید ایده‌ها و احساسات خود در مورد چیزی که به آن ایمان دارید، با دیگران در میان بگذارید.

متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



این هفته برایتان زمان محبوبیت است، به دلیل آنکه شاد بوده و روابط اجتماعی خوبی برقرار می‌کنید. از هم‌نشینی با بچه‌ها و از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و ورزشی و تعامل با دیگران لذت می‌برید. قبل از آنکه داوطلبانه کاری را انجام دهید، بیشتر فکر کنید، زیرا ممکن است لقمه‌ای بزرگ‌تر از دهان خود بردارید. بحث با روستا، والدین و یا افراد مقام دار جدی است. دلیل آن هم آن است که نظر جدی در مورد چیزی دارید و می‌خواهید دیگران از آن مطلع شوند.



دارالترجمه رسمی فرهنگ
BUREAU DE TRADUCTION FARHANG
FARHANG TRANSLATION OFFICE



001 514 691 4383 H.DAVOUDI@FARHANG.CA	2000, MCGILL COLLEGE 5TH FLOOR, MONTRÉAL QUÉBEC, CANADA, H3A 3H3	کاناڊا
+98 21 6642 1511 6694 8154 H.DAVOUDI@FARHANG.CA	تهران، کنگر شماری، تقاطع بلوار کشاورز، پش کوچه کهنی پلاک ۵۷۳، طبقه ۲، واحد ۷	ایران

We Make Your Dreamy Building a Reality

طراحی، نظارت و اجرا

کلیه خدمات ساختمانی، تاسیساتی و برقی



CONSTRUCTION
AMAJ INC.

دارای مجوز رسمی از اداره ساختمان کبک
R.B.Q. #: 5773-7520-01



- طراحی و نوسازی کامل ساختمان
- بازسازی کامل ساختمان به انضمام طراحی و دکوراسیون داخلی منزل
- تغییر محل پله، تغییر و تقویت اسکلت ساختمان
- بازسازی کامل آشپزخانه، تعویض کابینت، حمام و سرویس بهداشتی
- اجرای عایق‌بندی دیوارهای بیرونی جهت کاهش مصرف برق ساختمان
- تعویض سیستم قدیمی گرمایش و سرمایش یا سیستم مدرن و کم‌مصرف



(514) 942-9969
www.amajco.ca

طراحی، بازدید و
برآورد رایگان

شعر هفته

سرطان

چل سال شده با همه‌ی زور و توانش
در خاک وطن ریشه دوانده سرطانش
اول همه بربع کن سبزی در باغ
مدهوش از آزادی افکار و بیانش
حالا چه شده آنچه بنا بود چه باشد
یک نیم نفس نیست به جا از خفقانش
خود بر سر این سفره نشسته است دولبی
بدبختی و ناداری مردم به فلانش
یک گام و دو گام دگر این پرده برافتد
این خلق ستم دیده بیندند دکانش
هرچند که فهمیده کمابیش کک ما
در داخل تنبان وی افتاده به جانش
طوفان به پا خاسته موجش سر الوند
کشتی ستم غرق شود با ملوانش
فواره‌ی او رو به سقوط است و ته خط
دائم نبود رو به بلندی فورانش
هالو چو کشد تیغ زبان، شیخ گریزد
سوراخ به سوراخ از آسیب زبانش
هرچند که شیرینی شعرش زده صد سور
در قم به خود حاج حسین و پسرانش
منبع: (افاضات آقای هالو ۱۰، محمدرضا عالی پیام،
تهران؛ محمدرضا عالی پیام، ۱۳۹۱)

یک شکایت نامه به جای مقدمه جای نشستن!

حکایت هفته

راستش گرگ و شیر و روباه و گربه و چند درنده‌ی دیگر و چندین و چند گزنده و چند خزنده، با یک عالمه چرنده، همراه با لشکری از پرنده! آمده بودند و می‌گفتند که در داستان‌ها ما جانوران بی‌زبون، مظلوم واقع شده‌ایم و هرچه وحشیگری و شرارت و بداخلاقی و بدجنسی و چه و چه و چه که هست، به ما نسبت داده و پاک آبروی ما را برده‌اید! ما بی‌زبون‌ها این قدر هم که می‌گویید، بد نیستیم! می‌بینید که چه شکایت‌نامه‌ی تند و تیزی! خُب، شما هم که داستان‌های ما را می‌خوانید متوجه می‌شوید که ما نسبت به شکایت‌نامه‌ی این عزیزان! بی‌توجه نبوده‌ایم. البته، نه اینکه فکر کنید ما ترسیدیم نه این خبرها نیست. راستش حرف حق، حقه! حتی اگر از طرف خزنده یا چرنده یا... باشه! بله!

مور داشت با زحمت یک‌دانه گندم را دنبال خود می‌کشید که زنبور را دید. زنبور شاد و خوشحال پرواز می‌کرد. مور گفت: «مثل اینکه خیلی خوشحالی؟»

زنبور گفت: «چرا خوشحال نباشم، هر جا می‌خواهم می‌نشینم. به هر جا بخواهم پرواز می‌کنم.» بعد با سر و صدا وارد قصابی شد و روی لاشه‌ی آویزان گوسفندی نشست. قصاب با دست ضربه‌ای آرام به زنبور زد، زنبور به بیرون پرتاب شد. کمی که به خود آمد باز مور را دید. مور گفت: «مثل اینکه همچی سرحال هم نیستی! این دفعه را فکر می‌کنم بد جایی نشستی! مرحوم پدرم می‌گفت: هر کس جایی که نباید نشیند، بنشیند، چیزی می‌بیند که نباید ببیند!» زنبور که داشت به زور خودش را جمع می‌کرد و آماده‌ی پرواز می‌شد گفت: «خدا پدرت را بیامرزد! مثل اینکه ما هم جایی نشستیم که نباید می‌نشستیم!»

منبع: (حکایت زبان‌بسته‌ها، محمدرقیع ضیایی، تهران؛ کتاب چرخ‌فلک؛ ۱۳۹۲)

لطیفه‌های هفته

www.hafteh.ca

- ١٠ بوس به ما آموخت ... لخت شدن مردم جرم است اما... لخت کردن مردم جرم نیست!
- ١١ بابابزرگ اینا یه اکیپ شیش نفری بودن که هر هفته می‌رفتن کوه ... همشون مردن به جز همونی که پایین می‌نشست قلیون می‌کشید!
- ١٢ اینترنت شده مثل آب حمام ... یا باید دم صبح بری ... یا آخر شب که فشار زیاده!
- ١٣ از لحاظ روحی زن می‌خوام ... از لحاظ مالی شوهر!
- ١٤ پاییز را چگونه گذرانید؟... در حال اتصال...!
- ١٥ فحش جدید پیدا کردم؛ واتس‌پ صفت! ... کنایه از آدم به درد نخور، فضول، بی‌ثمر و اضافیه!
- ١٦ روایت است که روزی لقمان و ایوب خواستند با اینترنت ایران کار کنند: ... بعد از ده دقیقه ... ایوب سبرش را از دست داد و لقمان ادبش را!

نکته هفته

زندگی سخت است؛ گاهی تنها محکم بودن در ادامه آن عملی بس شجاعانه به نظر می‌رسد.

نقل قول هفته

افلاطون: زینت انسان به سه چیز است: علم، محبت و آزادی.

ضرب‌المثل هفته

پارسی: صبح وجود را به جز این آفتاب نیست، بر ذره‌ذره وحدت حسنش مقرر است! شیلی: خوب آن است که پایانش به‌خوبی ختم شود.

SHARIF EXCHANGE
صرافی شریف
 توجه: انتقال ارز به ایران و برعکس نداریم
 www.sharifexchange.ca
 Tel: (514)223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

★★★★★
Five Star I.P.M Inc.
صرافی پنج ستاره
 متوجه تر با نهان

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و
 بالعکس با کمترین هزینه

514 585 2345 | 514 846 0221

4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

Artistic Men Haircut
 by Sirous
 متخصص
 مدل های هنری
 برای آقایان
 514-240 1493

کلیه خدمات عکاسی و
 فیلمبرداری حرفه ای در استودیو
 فقط با وقت قبلی

STUDIO PHOTOBOOK
 (514) 984-8944
 7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3

فروشگاه مواد پروتئینی سن لوران
 هر روز به جز دوشنبه ها مرغوب ترین گوشت و مرغ و ماهی،
 انواع برنج، چای، عرقسما، سبزی خشک و
 (514) 369-3474
 Marché de poisson et viande 5700 Steeles West, Montréal QC, H4A 1S1

ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی

514-624-5609 - 514-655-5609

bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت

حسین ترکپور، مددکار اجتماعی

www.psynaquebec.com 514-846-8872

استخدام

TRUCK DRIVER

PREFERABLY BILINGUAL WITH EXPERIENCE IN A
 FULL-TIME JOB FOR MONTREAL. PLS. SEND YOUR
 CV TO:

ghasemi1356@yahoo.com

موسسه خدمات خانگی، یک شرکت کانادایی-
 کره ای با ۱۰ سال سابقه، استخدام می کند:

ما به تعدادی نیروی کار متعهد نیاز داریم و پرداخت ما عالی
 است.

نوع کار: تمیزکاری منازل، نگهداری از کودکان و سالمندان و...
 شکل کار: فردی، تیمی یا خانوایی
 مشتریان: ۹۰ درصد کانادایی و ۱۰ درصد آسیایی های متمول
 دریافتی شما: در حد عالی (به صورت نقدی یا چک)
 ساعات کاری: روز یا شب، کاملا منعطف

Hiring by: Family Care Services

Please contact Ms. Anna Lee

514-690-7005

Resumes to: 4familycareservices@gmail.com

جای آگهی شما

نیازمندی‌ها

با حداقل هزینه نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

بیش شماره‌های نوشته نشده ۵۱۴ هستند

بیمه عمر و سرمایه‌گذاری	مینو اسلامی	۹۶۷-۵۷۴۳	اتومبیل (فروش)	Auto Highlander	۴۵۰-۴۶۵-۰۸۸۶
مهدی امانی	مهدی انصاری	۵۸۸-۰۶۰۹	www.autohighlander.com		
علی پاک‌زاد	مهرک ایرانفر	۸۱۳-۱۰۰۰	1080 Rue Victoria, Ville Lemoyne, QC J4R 1P7		
متین تیره‌دست	بهار ایزدی	۶۵۱-۴۸۲۶	اتومبیل - تعمیرگاه		
مژگان رجبی	کاظم پرتوتهرانی	۹۷۱-۷۴۰۷	اطلس		
عبدالله صفوی	آتوسا تنگستانی‌فر	۹۹۵-۳۰۴۱	6000 saint jaque H4A 2E9		
فریبا علیزاده	نادر خاکسار	۹۶۹-۲۴۹۲	شمیران		
بیمه - خودرو - خانه - سفر	محمود رحیمزاده	۶۷۷-۳۹۰۰	آرایشگاه - زیبایی - اسپا		
متین تیره‌دست (بیمه سفر)	نازک سلیمان‌پور	۴۳۸-۸۷۲-۷۳۷۳	رویا		
مشاور فارسی زبان بیمه Allstate	آرش شکور	۷۳۰-۳۹۰۹	سیروس		
مهرداد ملک جمشیدی	شهره شهریان	۲۹۰-۲۲۱۰	فریبا		
محمد تائبی	سحر صمدایی	۶۲۵-۲۵۲۵	مهرناز		
بیمه - ویزیتوری و دانشجویی	رکسان صمیم	۴۳۸-۳۹۷-۳۲۱۲	Spa Illusion		
متین تیره‌دست	هلیا عارفی‌دوست	۹۹۶-۱۰۶۵	ارز و صرافی		
فریده شرفی	آرزو گتمیری	۵۶۱-۳۵۶۱	آپادانا		
امین طاهری	حامد ملکی	۵۵۷-۱۹۲۹	بیستی		
پس‌انداز تحصیلی	الهام نیاجامی	۹۶۶-۹۶۸۱	پنج ستاره		
مروارید معماریان	مانیا نیازی	۲۲۲-۲۲۹۳	شریف		
پزشکی - روانشناسی - مشاوره	شهرام والقان	۴۳۸-۴۰۲-۹۳۶۳	پاسیفیک		
حسین ترکپور	هایک هارتونیان	۵۷۴-۶۱۶۲	Expert FX		
لاله رهبین	فیروز همتیان	۸۲۷-۶۳۶۴	آژانس مسافرتی		
الهام گرامی	املاک - تعمیرات ساختمان		سلطان تراول		
ترجمه و دعوت‌نامه رسمی	شرکت آماج	۹۴۲-۹۹۶۹	آموزش - مدارس و موسسات		
شهریار بخشی	شرکت بن	۴۴۱-۴۲۹۵	کالج فنی و حرفه‌ای اویرون		
آرزو تحویل‌داری یکتا	لوله‌کشی پتانسیل	۴۶۳-۳۰۱۴	انجمن خوشنویسان		
خاطره تحویل‌داری یکتا	Pars Constraction Group	۲۹۰-۲۹۵۹	مدرسه دهخدا		
رضا داوودی	املاک - بازرسی ساختمان		مدرسه فردوسی		
حمید شورکایی	محمودرضا اسکندری	۹۷۱-۱۳۵۹	کالج فنگی		
سارا کیانی	علیرضا شریف‌زاده	۶۶۳-۷۲۱۵	مدرسه وست آیلند		
فیروزه مسیحا	حسین فرهمند	۵۰۸-۳۸۱۱	آموزش - موسیقی		
چاپ و کپی	املاک - وام مسکن		استاد بیان‌بست قره‌چه داغی		
فتوکپی ان دی جی	صبا المعی	۴۳۸-۳۹۴-۵۲۸۵	پیانو / فخاریان		
حسابداری	بهروز باباخانی	۶۰۶-۵۶۲۶	پیانو / TwinMuse		
حجت رستمی	هومن بصیر	۹۶۲-۸۸۳۰	سنتور / صابر جلیل‌زاده		
مهدیه سلیمی	آتوسا تنگستانی‌فر	۹۹۵-۳۰۴۱	آموزش - زبان		
عباس شفيعی	مریم رضانلو	۴۳۸-۹۲۶-۵۶۲۶	دکتر رضا یاوریان		
سرور صدر	کتی کرکچی (Desjardins Bank)	۵۷۶-۵۰۲۳	املاک - مشاور املاک		
اردشیر معین افشاری	مهرداد مرادخانی	۸۳۴-۸۰۵۳	محمد اجزایی		
Elan Accounting					

کتاب فروشی - کتابخانه	کتابخانه نیما	۴۸۵-۳۶۵۲
نوروززمین	محضر رسمی	۷۸۷-۸۸۴۰
مونا صالحی	مراکز مذهبی	۹۰۳-۸۵۶۰
انجمن بهایی	انجمن بهایی	۸۴۹-۰۷۵۳
موسسه خویی	مشاور مهاجرت	۳۴۱-۲۲۳۵
روادید	روادید	۶۳۸-۸۲۵۸
معصومه علی محمدی	کنجی	۲۸۹-۹۰۴۴
www.GanjiCo.com	علی مختاری	۹۰۳-۴۷۲۶
سهیل ملاحمدی	نان و شیرینی	۷۴۸-۰۹۴۹
سنکک آذر	سنکک آذر	۶۳۴-۶۳۶۳
کندم	وکیل	۸۳۶-۵۵۵۳
نیوشا ریاحی	نیوشا ریاحی	۹۵۳-۳۵۷۰

کباب سرا - اتواتر	کباب سرا - نانزآیلند	۹۳۳-۰۹۳۳
755 Atwater Ave.	7, Place de Commerce, Porte #102 Verdun	۷۶۶-۲۸۵۵
سی دی - ویدیو	تپش	۲۲۲-۳۳۳۶
عکاسی و فیلمبرداری	استودیو رز	۴۸۸-۷۱۲۱
استودیو فتوبوک	عکاسی مهنان	۹۸۴-۸۹۴۴
۶۶۰-۸۲۶۰	فرش و موکت	۷۳۹-۴۸۸۸
قالی شویی و رفو	فروشگاه‌ها	۴۸۸-۸۳۸۳
الامانه	دانیکا	۹۰۳-۹۹۹۳
Exo Fruits	A Pus Quality Nuts	۷۳۸-۱۳۸۴
۶۹۱-۰۰۰۲	کامپیوتر و خدمات	۲۵۸-۸۱۸۶
بیژن جلالی		

حمل و نقل	المپیک	۹۳۵-۳۳۰۰
قربان	قربان	۸۸۷-۰۴۳۲
Loadex Transport	داروخانه	۲۳۴-۳۳۹۹
پروکسیم	پروکسیم	۲۸۸-۴۸۶۴
گل نسیم ریاحی	گل نسیم ریاحی	۵۱۹-۳۰۶۰
فارماپری لاوال	فارماپری لاوال	۴۵۰-۶۲۸-۸۱۰۰
دندانپزشک	دندانپزشک	۴۵۰-۶۲۸-۴۰۰۷
راضیه رضوی	راضیه رضوی	۶۳۴-۷۲۸۱
شریف نائینی	شریف نائینی	۷۳۱-۱۴۴۳
فریدون هرنیدیان	فریدون هرنیدیان	۹۳۳-۶۸۰۰
رسانه‌های گروهی	بازار	۸۴۸-۹۵۹۹
پیوند	پیوند	۹۹۶-۹۶۹۲
ر-می	ر-می	۹۹۶-۱۶۲۰
هفته	هفته	۸۳۴-۷۲۵۴
رستوران - کیتترینگ	رستوران - کیتترینگ	۷۳۷-۴۵۲۷
پوشاپ (هندی)	پوشاپ (هندی)	

جای آگهی شما



تمام مشتریان من
تبدیل به دوستان
صمیمی من شده‌اند.

اجازه بدهید به شما
نیز خدمت کنم.
۶۱۳-۸۸۹-۴۷۰۰

yes@RealOttawa.ca

محل‌های پخش هفته در اتاوا



سوپرمارکت آریا
508 Gladstone Ave
۶۱۳-۵۹۴-۳۶۳۶

فروشگاه شیراز
725 Somerset St W . K1R 6P7
۶۱۳-۵۶۳-۱۲۰۷

فروشگاه کابل
355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1
۶۱۳-۸۹۷-۶۶۶۶

رستوران دونرما
129a Bank St. Ottawa, ON K1P 5N7
۶۱۳-۶۹۵-۲۲۲۱

افغان کباب اکسپرس
249 Bank St. Ottawa, ON K2P 1X2
۶۱۳-۵۹۳-۸۸۸۰

محل جدید پخش هفته در اتاوا
دفتر مهاجرتی روادید
310 Miwate private, Unit 311, Ottawa, K1R 0E2

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
www.hafteh.ca info@hafteh.ca

16. Histoire de couverture

«Baraye», une simple chanson qui est devenue le cri de 7 générations

Une analyse canadienne de la chanson iranienne «Baraye»

La chanson «Baraye» en comparaison avec les hymnes révolutionnaires de 1979

■ Pegah Niaki, Pegah Sharifi, Nana Valajam



Cover
NO.702

43 Interview:

Arash Mohebi

David West, le maire de Richmond Hill dans une entrevue exclusive avec HafteH

36 Cinema:

Mostafa Azizi

Saints Hommes vs "Sainte Araignée"

Une Entretien avec Ali Abbasi, le réalisateur de "Holy Spider" 2

31 Littérature:

Mariam Hosseini

Petite histoire d'Elizabeth Bowen : Dimanche après-midi

52 Economie:

Armin Aryanpour

Les nouveaux arrivants, appât délicieux pour la fraude hypothécaire

63 Afghanistan:

HafteH

Lancement de livre à Navaye Neyeŝtan : Biographie de poètes contemporains d'Afghanistan par Nargis Hashimi



43



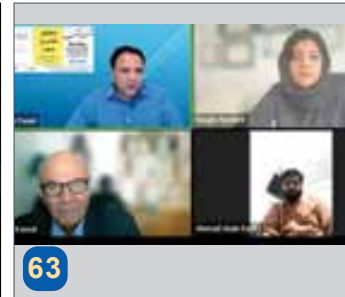
36



31



52



63

Publication: Journal HafteH / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne a Canada

A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Canada

27 oct 2022, numéro 702

HafteH will not be published on the following dates during 2022:

January 6th
July 7th

March 24th
October 13th

Siège social:
1980 Rue sherbrooke O
Suite#: 900
Montreal H3H 1E8

(514) 834-7254
• www.hafteH.ca
• info@hafteH.ca
• news@hafteH.ca
• ad@hafteH.ca
• ISSN 1918-4379 HafteH

Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie

Editeur en ligne : Arash Mohebi

Photographe: Mahnaz Zangirzani

Dessinateur: Siroos Yahyaabadi

Littérature: Farangis Shakiba

Psychologie: Dr Elham Gerami

Economie: Armin Aryanpour

Immigration: Masoumeh Alimohammadi

Cinema: Aref Mohammadi

Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi

Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,

Actualité Communauté: Sepideh Salehi



le prix: \$3.50

Les frais de l'abonnement annuel: 160 dollars

This project is funded in part by the Government of Canada.
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.



ساختمان جدید پریا

با ظرفیت ۱۰ هزار فوت مربع با کمک‌های دولتی و مردمی در حال ساخت می‌باشد



Parya Construction Site - September 2022



بنیاد پریا
Parya Trillium
Foundation

بنیاد پریا

اولین و تنها کامیونیتی سنتر ایرانی در دنیا
پیست ساله شد

کمک‌های مالی خود را توسط E-Transfer
به admin@parya.org و یا به ایمیل

[www.canadahelps.org/en/charities/
parya-trillium-foundation](http://www.canadahelps.org/en/charities/parya-trillium-foundation)

ارسال فرمایید.

کمک‌های بیش از ۱۰۰ دلار، رسید مالیاتی دریافت خواهند کرد
برای جزئیات بیشتر، از وب سایت ما بازدید کنید

www.parya.org



Your \$2000 gift will be recognized
as a **Brick** for five years.



Donations exceeding \$5000
will be permanently recognized
on the **Recognition Wall**
at the building entrance.



2010



2011



2023

صرافی
بیستی
مونترال



Montreal
BISTI
EXCHANGE

ارسال حواله



خرید و فروش ارز



خرید و فروش ارزهای دیجیتال



وسترن یونیون



Competitive rates - Fast transfers - FINTRAC-regulated



+1(514) 806 0020 | www.bisti.ca | bisti@bisti.ca | [instagram.com/bistifx](https://www.instagram.com/bistifx)

عبدالله صفوی
مشاور مالی
بیمه و سرمایه‌گذاری



مشاوره رایگان

امروز تماس بگیرید:

(514) 467-8491

بیمه عمر، از کار افتادگی

بیماری‌های خاص و...

پس‌انداز تحصیلی

برنامه‌ریزی بازنشستگی و...

بیمه مسافرتی و سوپرویزا

ABDOLLAH SAFAVI

Financial Security Advisor

Office:

(514) 931-4242 ext. 2567

abdollah.safavi@canadalife.com

www.safavifinancial.com

scan me for
free ebook!



INSTITUT TECHNIQUE AVIRON TECHNICAL INSTITUTE DE MONTRÉAL

85 années écoulées pour le bon service

Offre spéciale de 1000\$

- ★ Soudage-montage (Français)
Début : 03 octobre 2022
- ★ Mécanique automobile (Français, Anglais)
Début : 31 octobre 2022

• مشاوره برای کارهایی ارائه می شود • امکان دریافت وام و بورس

روایهای خود را واقعیت بخشید

Les cours sont disponibles en français ou en anglais
Le cours de dessin industriel est offert en ligne ou en présentiel

Programmes D.E.P 1800 heures:

دوره های حضوری

- Soudage-montage
- Mécanique automobile
- Électricité
- Soutien Informatique

Soutien informatique disponible en mars 2023

- جوشکاری و مونتاژ
- مکانیک اتومبیل
- برق کاری
- پشتیبانی کامپیوتر

دوره های آنلاین

- Dessin industriel
- طراحی صنعتی







5460 Royalmount, Ville Mont-Royal 📍 De La Savane

www.avirontech.com

514 • 739 • 3010

مهندس مهدی انصاری

مشاور املاک

کارشناسی ارشد مهندسی عمران از دانشگاه کنکور دیا

- خرید و فروش تخصصی ملک، دسترسی ویژه به پیش خرید در سراسر مونترال
- دسترسی تضمینی به بهترین مبلغ وام با کمترین سود بانکی

بسته خرید ویژه، مخصوص پرستاران و پزشکان عزیز



Mahdi Ansari

Courtier immobilier résidentiel
Residential Real estate Broker

514-588-0609

CANADA AWARDED BROKER 2020 - 2021

🌐 www.mahdiansari.com

📱 medi.ans.mtlbroker

GROUP IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC